

قیام

۳۰ طرح منبر و درس نماز

رضا اخوی
و همکاری
رضا احمدی فرد
حسن عارضی
سید محسن روحانی

شناسنامه کتاب
صفحه آرا: رضا فریدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۲
بخش اول. منابر عمومی.....	۱۵
منبر اول: نماز؛ سپاس از نعمت‌های الهی.....	۱۶
نعمت‌های الهی بر انسان.....	۲۰
نماز؛ سپاس از نعمت‌ها.....	۲۲
کدام امر و دستور؟.....	۲۲
ادب شکرگزاری امام حسین □.....	۲۳
منبر دوم: نماز؛ عمل صالح.....	۲۴
ایمان و عمل صالح.....	۲۷
چهار اصل خوشبختی.....	۲۹
ثمرات و دستاوردهای عمل صالح.....	۳۰
مصادیق عمل صالح.....	۳۳
نماز؛ مصداق عمل صالح.....	۳۴
منبر سوم: نماز؛ از بین برنده غفلتها.....	۳۷
معنای غفلت.....	۳۸
پیامدهای غفلت.....	۳۹
عوامل غفلت از یاد خدا.....	۴۲
عوامل غفلت زدا.....	۴۵



۵۰ نماز غفيله
۵۱ كيفيت نماز غفيله
۵۳ منبر چهارم: نماز؛ نماد زندگي
۵۴ شان نزول آيه
۵۵ خدا و رسول به چه چيزهايي دعوت مي كردند؟
۵۵ برخي از دعوتهاي خدا و پيامبران
۵۸ اقامه نماز؛ نشانه اجابت انسان
۵۹ پيامدهاي اجابت نكردن
۶۲ منبر پنجم: نماز؛ مانع نفوذ شيطان
۶۴ شيطان
۶۶ برخي ابزارهاي شيطان در گمراه ساختن انسان
۶۷ ابزار شيطان براي امت پيامبر <input type="checkbox"/>
۶۸ خطر شيطان در كلام امير مؤمنان <input type="checkbox"/>
۶۹ شيطان و انسان
۷۰ اقامه نماز، راه شكست شيطان
۷۳ منبر ششم: نماز؛ درهم شكنده تكبر و غرور
۷۵ اقسام تكبر
۷۶ راهكارهاي تكبرزدا
۷۸ سه: آشنائي با عواقب تكبر
۸۴ منبر هفتم: نماز؛ عامل تقويت صبر
۸۵ مختصري از فضائل صبر (آيات و روايات)
۸۸ انواع صبر
۸۹ نماز؛ عامل صبر
۹۱ نگاهی به سیره پيامبر، ائمه <input type="checkbox"/> و بزرگان
۹۳ سیره بزرگان
۹۶ منبر هشتم: برکات نماز اول وقت
۹۸ اهميت نماز اول وقت



۹۹.....	سیره معصومین □ و علما.....
۱۰۰.....	روز عاشورا.....
۱۰۱.....	امام خمینی □.....
۱۰۲.....	ابتکار شهید رجایی.....
۱۰۳.....	برگی از برکات نماز اول وقت.....
۱۰۷.....	منبر نهم: نماز همراه با حضور قلب.....
۱۱۰.....	دو نکته.....
۱۱۳.....	برخی از عوامل نداشتن حضور قلب.....
۱۱۶.....	چند راهکار برای ایجاد حضور قلب.....
۱۲۱.....	منبر دهم: آشنایی با مفاهیم نماز.....
۱۲۲.....	نیت.....
۱۲۳.....	الله اکبر.....
۱۲۳.....	یک نکته.....
۱۲۴.....	أعوذ بالله من الشيطان الرجيم.....
۱۲۵.....	سوره حمد.....
۱۲۶.....	بسم الله الرحمن الرحيم.....
۱۲۶.....	الرحمن الرحيم.....
۱۲۷.....	الحمد لله.....
۱۲۷.....	رب العالمين.....
۱۲۷.....	مالک يوم الدين.....
۱۲۸.....	ایاک نعبد و ایاک نستعین.....
۱۲۹.....	اهدنا الصراط المستقیم.....
۱۳۰.....	صراط الذین أنعمت علیهم.....
۱۳۱.....	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین.....
۱۳۱.....	سوره (بعد از حمد).....
۱۳۳.....	بخش دوم. منابر بانوان.....



منبر اول: ده دلیل برای نماز خواندن	۱۳۴
چند دلیل برای نماز خواندن.....	۱۳۵
منبر دوم: نماز؛ مظهر ذکر خدا	۱۴۲
اهمیت و ضرورت ذکر خدا.....	۱۴۳
آثار و برکات ذکر خدا.....	۱۴۴
داستان فضیل عیاض.....	۱۴۷
انواع ذکر.....	۱۴۸
منبر سوم: دستاوردهای نماز	۱۵۱
پاسخ به یک شبهه.....	۱۵۵
ترک گناه؛ نشانه نماز مقبول.....	۱۵۶
کمترین دستاورد نماز.....	۱۵۷
منبر چهارم: نماز و عبادت؛ راهکار آرامش و صبر	۱۶۰
نقش صبر در ترمیم مشکلات خانوادگی.....	۱۶۳
صبر در روایات.....	۱۶۴
ثواب کار زن در خانه.....	۱۶۵
شهری در بهشت خدا.....	۱۶۶
رحمت خدا بر زنان خانه دار.....	۱۶۶
نماز و عبادت؛ راهکار آرامش و صبر.....	۱۶۸
استقامت در اقامه نماز.....	۱۶۹
منبر پنجم: الگوهای نماز گزار.....	۱۷۰
نماز خوبان / سیره پیامبر و اهل بیت □.....	۱۷۲
نماز مولای متقیان □.....	۱۷۴
نمونه‌ای از نماز و عبادت علی □.....	۱۷۴
نماز حضرت زهرا3.....	۱۷۷
نماز فرزندان حضرت زهرا3.....	۱۷۸
نماز دختر حضرت زهرا3.....	۱۷۹
منبر ششم: والدین و نماز فرزندان.....	۱۸۱



۱۸۳	اهمیت تربیت.....
۱۸۴	برخی از راهکارهای تشویق فرزندان به نماز.....
۱۹۵	منبر هفتم: پوشش بانوان در نماز.....
۱۹۷	ارزش حجاب.....
۱۹۷	حجاب در قرآن.....
۱۹۹	حجاب در سیره خاندان پیامبر □.....
۲۰۰	بوی نامحرم.....
۲۰۱	حجاب حضرت فاطمه 3.....
۲۰۲	دختر جوان زهرا 3.....
۲۰۲	یک پرسش و پاسخ آن.....
۲۰۳	یک: رعایت ادب.....
۲۰۳	دو: باعث پیدایش حضور قلب.....
۲۰۴	سه: توجه به ارزش و اهمیت حجاب.....
۲۰۴	چهار: امر خداوند است.....
۲۰۵	منبر هشتم: تعقیبات نماز و تسبیح حضرت زهرا □.....
۲۱۵	منبر نهم: پیامدهای ترک نماز.....
۲۱۷	پیامدهای ترک نماز.....
۲۲۴	منبر دهم: پیامدهای سبک شمردن نماز.....
۲۳۱	چهار گروه نمازگزار.....
۲۳۳	بخش سوم. دانش‌آموزی.....
۲۳۴	منبر اول: دوست داری بازیگر شوی.....
۲۳۴	جذابیت اولیه و ارتباط گیری با مخاطب.....
۲۳۵	توضیح و تبیین مطلب.....
۲۳۵	ارائه الگوهای عملی.....
۲۳۶	امام حسین □.....
۲۳۹	پیامها و اهداف رفتاری.....



- منبر دوم: بدان، خوبان ۲۴۰
- جذابیت اولیه..... ۲۴۰
- تیین بحث..... ۲۴۰
- پیامها و اهداف رفتاری..... ۲۴۲
- یک داستان..... ۲۴۳
- منبر سوم: چرا نماز بخوانیم ۲۴۶
- جذابیت اولیه و ارتباط گیری با مخاطب..... ۲۴۶
- تیین بحث (اشاره به چند نعمت خداوند)..... ۲۴۷
- وظایف ما..... ۲۴۸
- پیامها و اهداف رفتاری..... ۲۴۹
- منبر چهارم: داروخانه شبانهروزی ۲۵۱
- جذابیت اولیه..... ۲۵۱
- تیین بحث..... ۲۵۲
- منبر پنجم: چلچراغ ۲۵۵
- جذابیت اولیه..... ۲۵۵
- تیین بحث..... ۲۵۶
- منبر ششم: شکر خدا ۲۶۰
- جذابیت اولیه..... ۲۶۰
- تیین بحث..... ۲۶۰
- منبر هفتم: نماز راستگی ۲۶۶
- جذابیت اولیه..... ۲۶۶
- تیین بحث..... ۲۶۷
- منبر هشتم: ساحل آرامش ۲۷۲
- جذابیت اولیه..... ۲۷۲
- تیین بحث..... ۲۷۳
- منبر نهم: عشق بازی یا ادب ورزی؟ ۲۷۹

۲۷۹.....	جذائیت اولیہ.....
۲۸۰.....	تبیین بحث.....
۲۸۵.....	منبر دہم: چراغ ہدایت.....
۲۸۵.....	جذائیت اولیہ.....
۲۸۵.....	تبیین بحث.....
۲۹۱.....	کتابنامہ.....





مقدمه

پیامبر □ فرستاده خود را به سوی مردم یمن انتخاب کرد. معاذ خدمت پیامبر □ آمد تا آخرین سفارشات را بشنود. پیامبر به موارد مختلفی سفارش کرد و آنچه را مردم یمن نیاز داشتند، سفارش کرد. بعد از برخی سفارش‌ها فرمودند: "بیشترین همت خود را به اقامه نماز قرار بده؛ زیرا بعد از اقرار به دین، نماز بالاترین جایگاه را در اسلام دارد..."^۱

شما که قصد تبلیغ دین در روستاها و مردم باصفای آن دارید، خود را مخاطب این سفارش پیامبر □ قرار دهید. شما نیز در این سفر نورانی، به پیروی از پیامبران الهی، ترویج نماز را در اولویت برنامه‌های تبلیغی خود قرار دهید و بر آن اصرار ورزید.

اگر در این راه پربرکت قدم نهادید و موفق به انس دادن کسی با نماز و ارتباط با خداوند شدید، بدانید که به مقام سترگی خواهید رسید، که

رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرمودند: " اگر حضرت حق یک نفر را به دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد و تو بر او ولایت پیدا می‌کنی! "

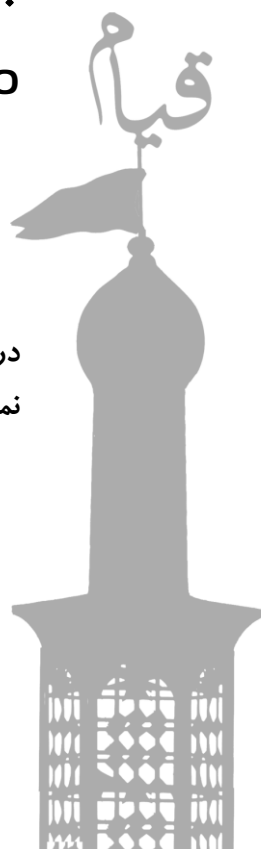
در راستای این راه نورانی، سی طرح منبر و درس نماز برای سه قشر مهم در این کتاب جمع‌آوری شده است: ده منبر برای فضای عمومی همچون مساجد، ده منبر برای خواهران، این مخاطبان تأثیرگذار جامعه و ده طرح درس نماز برای کلاس یا هیئت‌های دانش‌آموزی. امید است که مقبول و مؤثر افتد



۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۸۵، ۱۵۱، ۱، حدیث

بخش اول

منابر عمومی



در این بخش ۱۰ طرح منبر مباحث
نماز برای عموم مخاطبان آمده است



منبر اول: نماز؛ سپاس از نعمت‌های الهی

راهبرد محتوایی

در این نوشتار تلاش شده است با یادآوری نعمت‌های فراوان الهی بر انسان، آنان را به سپاسگزاری از خالق و صاحب نعمت ترغیب و از نماز به عنوان برترین نماد تشکر از خداوند متعال، یادآوری گردد؛ همانگونه که قرآن با تبیین نعمت‌های بی‌شمار الهی، همگان را برای توجه دادن به صاحب نعمت و از این رهگذر، برای ایجاد "حبّ الهی" و کشاندن بندگان به وادی ذکر و عبادت و ادای حق بندگی فرا خوانده و به تعبیر امیر مؤمنان علیه السلام، از رسالت‌های مهم پیامبران نیز یادآوری نعمت‌های فراموش شده پروردگار است تا از طریق این یاد، به وظیفه عبودیت خود عمل کنند: "و یذکروهم منسی نعمته..."^۱

حکم شرعی

به گفته مراجع معظم تقلید، نمازهای روزانه‌ای که در پنج نوبت خوانده

۱. نهج البلاغه، خطبه .۱

می‌شود، از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.^۱

روایت

امام حسین □ فرمود: "شُكْرُكَ لِنِعْمَةِ سَالِفَةٍ يَفْتَضِي نِعْمَةَ آتِيَةٍ؛ شکر تو بر نعمت گذشته، زمینه‌ساز نعمت آینده است."^۲

مقدمه بحث

یکی از خیرین اصفهان که به علامه مجلسی ارادت داشت، شبی بعد از نماز جماعت خدمت ایشان آمد و گفت: گرفتاری مهمی برایم پیش آمده است.

علامه مجلسی گفت: چه گرفتاری؟

آن مرد گفت: لوطی باشی محل، به من خبر داده است که امشب با دوستانش می‌خواهند به خانه من بیایند و شام میهمان من باشند و قهراً می‌دانم اسباب لهو و لعب را هم می‌آورند و موجبات ناراحتی ما را فراهم می‌کنند و ما را در حرام می‌اندازند.

علامه مجلسی گفت: خودم می‌آیم و به لطف خداوند، مسأله را آن طوری که خدا بخواهد حل و فصل می‌کنم.



۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات،

۸ ۸ ۳

۲. موسوعة کلمات الامام الحسین □، ص

۷ ۶ ۷

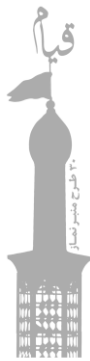


جناب علامه از راه مسجد جلوتر از میهمان‌ها به خانه آن مرد رسید، وقتی بعد از مدتی لوطی باشی و رفقاییش وارد شدند، ناگهان چشمشان به شیخ الاسلام اصفهان؛ مرحوم مجلسی افتاد، تنبک و تنبورهای خود را پنهان کردند و مؤدبانه در محضر او نشستند. اما لوطی باشی از میزبان سخت ناراحت و دلگیر شد که او علامه مجلسی را موی دماغ و مزاحم عیش‌شان کرده بود.

لوطی باشی شروع به سخن گفتن کرد و گفت: جناب مجلسی! ما لوطی‌ها صفات خوبی هم داریم، کمتر از اهل علم هم نیستیم. علامه مجلسی گفت: من که چیزی از خوبی‌های شما نمی‌دانم. لوطی باشی گفت: جناب مجلسی! تو با ما معاشرت نداری که بدانی ما چه صفات خوبی داریم؛ ما در نمک‌شناسی بی‌نظیریم. لوطی کسی است که اگر نمک کسی را چشید، تا آخر عمر یادش نمی‌رود و به صاحب نمک خیانت نمی‌کند.

علامه گفت: ولی من این صفت را در شما نمی‌بینم. لوطی گفت: در اصفهان، از هر کس می‌خواهید، بپرسید تا ببینید ما نمک چه کسی را خورده‌ایم که نمکدانش را شکسته باشیم و به او بد کرده باشیم.

مجلسی گفت: خودم گواهی می‌دهم که همگی شما نمک‌شناس هستید. آیا شما نمک خداوند را نخورده و نمکدان او را شکسته‌اید؟ خداوند که این همه نعمت به شما داده، نعمت سلامتی و چشم و گوش و دهان و دست و پا و... به شما داده و هر روز شما را بر سفره خود نشانیده و روزی شما را رسانیده است، چرا نمک به حرامی می‌کنید؟



این همه از نعمت‌های الهی استفاده می‌کنید و باز هم سرکشی و گناه و پیروی از هوا و هوس می‌نمایید؟!

سکوت سراسر مجلس را فرا گرفت، رنگ خجالت بر چهره‌شان نشست، زیرچشمی به هم نگاهی کردند و بدون اینکه سخنی بگویند، خانه را ترک کردند.

صبح روز بعد در خانه علامه به صدا درآمد، وقتی که در خانه را گشود، رئیس آن گروه را دید که پشت در خانه ایستاده است. رئیس زودتر از علامه سلام کرد و گفت: دیشب سخن شما مرا به فکر واداشت، اینک غسل کرده و توبه کرده‌ام و آمده‌ام تا شما مسائل دینی را به من بیاموزید، لبخند رضایت بر لبان علامه نشست و با روی گشاده او را به خانه خود دعوت و از او پذیرایی کرد.^۱

تبیین بحث

طبیع انسان به گونه‌ای است که در مقابل نعمت‌دهنده متواضع و فروتن بوده و تلاش می‌نماید کسانی را که حقی بر گردن او دارند یا لطفی به او کرده و خود را مدیون او می‌دانند از خود نرنجاند، بلکه بالاتر از این، تلاش می‌نمایند که کارهایی را که مدنظر و مطابق میل و خواست او باشد انجام دهند، تا قدردانی خود را ابراز نمایند.

به دیگر سخن، از صفات خوب انسان‌ها این است که هرگاه کسی در حق آنان خوبی و نیکی انجام داد و نعمتی به آنها رسانید، از او تشکر و

۱. علی محمد عبداللہی. عاقبت بخیران عالم، ۱، ۸۱، قم نشر روح ۱۳۷۳، با اندکی تغییر.



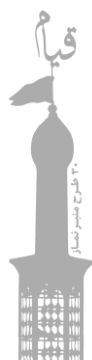
سپاسگزاری نموده، با گفتار و رفتار خود، قدردانی و تشکر خود را ابراز می‌کنند که این رفتار، باعث تداوم و افزایش خوبی‌ها شده، عواطف و محبت‌های بین آنان را گسترش می‌دهد. پایبندی و عمل به این نوع رفتار پسندیده، در تمام ابعاد زندگی دستاوردهای فراوانی برای انسان به ارمغان می‌آورد. به عنوان مثال در محیط خانواده، هرگاه زن و شوهر قدردان زحمات و تلاش‌های یکدیگر باشند، فضای زندگی سرشار از محبت و دوستی می‌شود. یا اگر فرزندان با توجه به زحمات زیادی که والدین برای رشد و برومندی آنها انجام داده‌اند، از خوشی و راحتی خود گذشتند تا آنها به کمال و موفقیت برسند و با کمترین دغدغه، به بالاترین درجات زندگی نائل شوند، در رفتار و گفتار خویش از آنان تشکر نمایند و با عمل به سخنان و خواسته‌های پدر و مادر، تشکر خویش را ابراز کنند، موجب خشنودی والدین می‌شوند.

نعمت‌های الهی بر انسان

بی‌گمان، برترین نعمت‌دهنده خداوند بزرگی است که لحظه‌لحظه زندگی، مدیون الطاف و نعمت‌های فراوان اوست و به تعبیر قرآن کریم: "وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَأَتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا"؛ "خداوند، همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی فرستاد و با آن میوه‌ها [ی] مختلف را برای روزی شما [از زمین] بیرون آورد... و از هر چیزی که از او خواستید (نیازمند بودید) به شما داد و اگر [بخواهید] نعمت‌های خدا

را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد.^۱

خداوند در آیات فراوانی انسان را به اندیشیدن و تفکر در آفاق^۲ و انفس^۳ (نشانه‌های درونی و بیرونی) فرا می‌خواند تا انسان با تفکر در خلقت و با نگاهی به وجود خود و شگفتی‌هایی که در آفرینش او صورت گرفته، گوشه‌هایی از نعمت‌های الهی را که سر تا پای انسان را فرا گرفته است، دریابد و قدردان خالق مهربان خویش گردد. به تعبیر قرآن، همان‌گونه که هنگام قرار گرفتن زیر آبشار، تمام وجود انسان را آب فرا می‌گیرد، نعمت‌های الهی نیز به همین میزان انسان را احاطه کرده است. خداوند در قرآن کریم به این نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: "وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً؛ و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما ارزانی داشته است."^۴



۱. ابراهیم:

۴

۳

۲. برای نمونه نگاه کنید: تفکر در آسمان‌ها (بقره: ۲۲)، آشامیدنی‌ها (نحل: ۶۷)، ابرها (بقره: ۱۶۴)، بادها (اعراف: ۵۷ و ۵۸)، باران (بقره: ۲۲)، پرواز پرندگان (نحل: ۷۹)، تفاوت رنگ‌ها (نحل: ۱۳)، برف و تگرگ (نور: ۴۳)، حرکت جنندگان (بقره: ۱۶۴)، چارپایان (نحل: ۶۶ و ۶۷)، آفرینش خوردنی‌ها (انعام: ۱۴۱)، گردش خورشید و ماه و ستارگان و آفرینش آن‌ها (یس: ۳۷ و ۴۰ و زمر: ۵) و گردش شب و روز (بقره: ۴ ۶ ۱).

۳. از نشانه درونی و انفسی، قرآن به شماری چند اشاره می‌کند که می‌توان به این موارد اشاره کرد: آرامش انسان (اعراف: ۱۸۹)، اختلاف زبان‌ها (روم: ۲۲)، بیداری انسان از خواب (انعام: ۶۰)، تفاوت رنگ انسان‌ها (روم: ۲۲)، تکلم و هنر سخن گفتن انسان (رحمن: ۳ و ۴) تناسب اندام (کهف: ۳۷)، تولید نسل (نساء: ۱)، حواس انسان (انعام: ۴۶)، خلقت پیچیده انسان (اعراف: ۱۱ و ده‌ها آیه دیگر)، عواطف و احساسات انسانی (روم: ۲۱)، مرگ انسان (بقره: ۲۸).

۴. لقمان:

۲



نماز؛ سپاس از نعمت‌ها

خداوندی که این همه نعمت به انسان ارزانی داشته است، توقع زیادی نیست اگر از انسان انتظار داشته باشد به دستور و فرمانش گردن نهد و دقایقی از شبانه‌روز خود را به اجرای دستور نماز بپردازد.

کدام امر و دستور؟

"إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا؛ نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب گشته است."^۱

خداوند در آیه ۸۱ سوره نحل بعد از اشاره به تکمیل نعمت‌های پروردگار می‌فرماید: "كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ؛ این چنین نعمت‌های خود را بر شما تمام و کامل کرد، تا مگر مطیع و تسلیم امر او باشید".

به‌راستی چه زشت است که انسان عمری بر سر سفره رحمت و فضل الهی بنشیند، هرگاه مشکلی برای او پدید آمد به سوی خدا رو کند و برآورده شدن حاجتش را از خدا بخواهد، ولی به خودش زحمت ندهد بزرگ‌ترین فریضه و واجب الهی را که همان نماز است، به جا آورد و قدرشناسی و تشکر از صاحب این همه نعمت را با اقامه نماز، اعلام نماید. بنابراین نماز، نمونه و مصداقی از ابراز عشق و علاقه انسان به خداوند است که با این عمل، قدردانی خود از نعمت‌های بی‌شمار الهی را اعلام کرده و خود را بنده‌ای شاکر و دوستدار خدای خویش معرفی

۱. نساء: ۳



می‌نماید و به این وسیله، لیاقت خود را برای دریافت بیشتر نعمت‌ها اعلام می‌دارد؛ زیرا شکرگزاری از نعمت‌ها، باعث رضایت خداوند و ازدیاد و تداوم نعمت‌های الهی بر بندگان می‌شود؛ همانگونه که فرمود: "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ اگر سپاسگزاری کنید، روزی شما را زیاد می‌کنم".^۱ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: "مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ؛ به هر کس توفیق سپاس داده شده، فزونی نعمت هم داده شده است".^۲

ادب شکرگزاری امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین علیه السلام در بخشی از دعای روز عرفه پس از آنکه نعمت‌های فراوان الهی را یاد می‌کند، چنین می‌فرماید: "و حرکات رکوعی و سجودی ان لو حاولتُ و اجتهدتُ مدی الاعصارِ و الاحقابِ لو عُمرْتُهَا اَنْ اودَى شُكْرَ واحدٍ من انعمیک ما استطعتُ لک الا یمتکِ الموجب علی به شُکرکَ؛ و رکوع و سجودم که اگر بخواهم و تلاش کنم در همه اعصار و دوران تاریخ، به فرض اگر عمرم وفا کند که شکر یکی از این نعمت‌ها را ادا کنم، باز هم ناتوانم، جز به منت خودت که آن هم شکر جدیدی را می‌طلبد".^۳

ان شاء الله همه ما بتوانیم با شناخت صحیح نعمت‌های الهی، شکرگزار خداوند متعال باشیم و با پایبندی به نماز و اقامه آن، رضایت الهی را برای خود فراهم نماییم.

۱. ابراهیم: ۷.

۲. شیخ کلینی، کافی، ۲، ۹۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۷.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای روز عرفه.



منبر دوم: نماز؛ عمل صالح

راهبرد محتوایی

یگانه معیاری که قرآن مجید ملاک فضیلت انسان اعم از زن و مرد معرفی می‌کند، "ایمان و عمل صالح" است که به دنبال خود "حیات طیبه" را به ارمغان می‌آورد که موجب تحقق مدینه فاضله و جامعه‌ای عاری از گناه و هواپرستی، و ظلم و طغیان و استکبار است.

در این معیار، فرقی بین ثروتمند و فقیر، کوچک و بزرگ، باسواد و بی‌سواد، و زن و مرد نمی‌گذارد: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان دارد، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهتر از اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد."^۱

حکم شرعی

یکی از شرایط صحت نماز بجا آوردن ارکان نماز است. ارکان نماز پنج چیز است که عبارتند از:

۱. نیت؛
 ۲. تکبیرة الاحرام؛
 ۳. قیام (در هنگام تکبیرة الاحرام و هنگام رفتن به رکوع)؛
 ۴. رکوع؛
 ۵. دو سجده.
- اگر کسی سهواً و از روی ندانستن و حواس‌پرتی هم این موارد را انجام ندهد، نمازش باطل است.

روایت

پیامبر ﷺ: "أَوَّلُ مَا يَنْظُرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ؛ أَوَّلِينَ Чِيزَى كَه رُوزِ قِيَامَتِ دَرِ اَعْمَالِ بِنْدَه مَورِدِ تَوجِهِ قَرَارِ مِی‌گِیرِد، نَمَازِ اَوسْت!"^۱

مقدمه بحث (داستان)

امام صادق □ فرمودند: شنیدم که مردم کسی را به عقل و درایت ستوده، از او تعریف و تمجید می‌کردند. دوست داشتم او را از نزدیک ببینم؛ به سراغش رفتم؛ دیدم جمعی دورش حلقه زده‌اند. صبر کردم تا





از مردم جدا شد و به راه افتاد. دنبالش رفتیم. سر راهش به دکان نانوايي رسيد؛ ايستاد. ديدم از غفلت نانوا استفاده کرد و دو عدد نان برداشت و زير لباسش پنهان کرد.

تعجب کردم. آیا مؤمن و دزدی؟ با خود گفتم: شاید با نانوا حساب و داد و ستدی دارد. از آنجا گذشت و به مغازه میوه‌فروشی رسید و ایستاد. آنجا هم مرد میوه‌فروش را غافلگیر کرد و دو انار از سبد میوه او برداشت و زير لباسش پنهان کرد. تعجب من بیشتر شد. باز گفتم: شاید با میوه‌فروش هم حسابی دارد؛ اما چرا غافلگیرانه عمل می‌کند؟ از آنجا گذشت؛ به فقير بیماری رسید و آن دو نان و دو انار را به او بخشید. من ديگر تأمل نکرده، جلو رفتم و از راز کارش جويا شدم. نگاهی به من کرد و گفت: تو شاید "جعفر بن محمد" باشی؟ گفتم: بله، من جعفر بن محمد هستم.

گفت: تو وقتی از دين جدت بی‌خير باشی، تنها انتساب به او چه سودی برای تو خواهد داشت؟

گفتم: چگونه من از دين جدم بی‌خبرم؟
گفت: قرآن، کتاب خدا می‌فرماید: "هر کس حسنه و کار نیکی انجام دهد ده برابر پاداش خواهد داشت و هر کس گناهی مرتکب شود، بیش از یک مجازات نخواهد داشت".

من دو نان و دو انار دزدیدم؛ مجموعاً چهار گناه مرتکب شدم و چون همه آن چهار را صدقه داده‌ام (به حساب یک حسنه به ده ثواب) پس چهل ثواب به دست آورده‌ام. وقتی چهار گناه از چهل ثواب کم کنی، سی و شش ثواب برآیم باقی مانده است.



اینک دیدی که تو از دین جدت بی‌خبری؟

گفتم: مادرت در عزایت بگرید؛ تو از کتاب خدا بی‌خبری که می‌فرماید: "إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خداوند اعمال نیک را فقط از افراد باتقوا می‌پذیرد"^۱.

صدقه و انفاق مال از پرهیزکاران مقبول است، نه از دزدان و خیانتکاران. تو که دو نان و دو انار دزدیدی، چهار گناه مرتکب شدی و چون آنها را که مال مردم بود، بدون رضایت صاحبانش به دیگری دادی، چهار گناه دیگر به گناهان چهارگانه خویش افزودی. حال آیا من جاهل به دین جدم هستم یا تو؟

نگاهی به چهره من کرد و راه خود را در پیش گرفت و رفت.^۲

ایمان و عمل صالح

یکی از نکات پرکاربرد در آموزه‌های دینی، همراهی و مقارنت ایمان و عمل صالح است. در قرآن کریم بیش از پنجاه بار عبارت "الذین امنوا و عملوا الصالحات" تکرار شده است.

عمل صالح آن قدر اهمیت دارد که حضرت سلیمان □ چنین دعا می‌کند: "وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ"؛ و [سلیمان] گفت: پروردگارا توفیقم ده که شکر نعمتت را انجام دهم، آن نعمتهایی را که

۱. مائده: ۷

۲.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۹، ص

۷

۶

۴.



به من و والدینم عنایت نمودی. و مرا به عمل صالح [و خالص] که تو می‌پسندی موفق بدار و مرا به لطف و رحمتت در صف بندگان شایسته [و خاصت] داخل گردان!"

حضرت سلیمان □ در این آیه سه خواسته از خداوند دارد: ۱. توفیق شکر نعمت‌ها برای خود و والدین؛ ۲. انجام عمل صالح؛ ۳. داخل شدن در صف بندگان صالح.

عمل صالح به زبان ساده یعنی عملی که خدا و پیامبر به آن دستور داده‌اند و از انجام آن خشنود می‌گردند. اگر انسان بخواهد اعمالش مورد قبول خداوند متعال واقع گردد، لازم است که رفتارهای نادرست خود را اصلاح نماید و فقط بر طبق آنچه خدا و رسولش فرمان داده‌اند، رفتار نماید.

عمل صالح در واقع، بازتاب بیرونی ایمان درونی است. به عبارت دیگر، برای درک حقیقی بودن ایمان افراد، باید به رفتارها و واکنش‌ها و به تعبیری، سبک زندگی آنان نگاه کرد. ایمان و عمل صالح، همانند دو بال پرواز برای رسیدن انسان به سعادت و رضایت خداوند هستند. چه بسا افرادی دارای بال ایمان هستند، ولی بال عمل صالح آنان ناقص است؛ برخی هم کارهای خوب و صالح انجام می‌دهند، ولی چون از روی ایمان و برای کسب رضایت الهی نیست، در قیامت به آنان پاداشی تعلق نمی‌گیرد؛ مانند کسی که به خاطر تعریف و تمجید مردم و اینکه اسمش سر زبان‌ها بیفتد و او را به عنوان فرد نیکوکار و صالح بشناسند، اقدام به



دستگیری و کمک به نیازمندان، ساخت مسجد و مانند آن می‌نماید، ولی چون اخلاص ندارد، خداوند کارهایش را نخواهد پذیرفت.

در هر صورت، قرآن ارزش واقعی را ایمان و عمل صالح معرفی می‌کند و مراتب تقرب انسان‌ها و برخورداری از پاداش‌های مضاعف در پیشگاه خداوند را، به عمل صالح آنها وابسته می‌کند و می‌فرماید: "وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ؛ و اموال و فرزندان شما چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما مقرب گرداند. مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده‌خاطر خواهند بود."^۱

چهار اصل خوشبختی

خداوند در سوره "والعصر" ضمن ضروری دانستن همسویی و همراهی ایمان و عمل صالح، چهار فرمول و قاعده برای تحقق انسانیت انسان و رسیدن به سعادت ترسیم نموده و پیمودن هر راهی جز آن را مساوی با خسران و ورشکستگی می‌داند و می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالنُّصْرِ (۳)



سوگند به زمان، همهٔ انسان‌ها زیانکار و اهل خسرانند، مگر اینکه
چهار اصل را در زندگی خود جاری سازند:

یک: اصل ایمان؛

دو: اصل عمل صالح؛

سه: اصل سفارش یکدیگر به حق‌گرایی؛

چهار: اصل سفارش یکدیگر به صبر.

در مورد سوره عصر این نکته را هم اشاره کنیم که خواندن این سوره
در نماز، برکات زیادی به همراه می‌آورد؛ همانگونه که امام صادق □
فرمود: هر کس سوره عصر را در نمازهای مستحبی خود بخواند "بَعَثَهُ
اللَّهُ مُشْرِقًا وَجْهَهُ صَاحِبًا سَنَّهُ قَرِيبًا عَيْنُهُ؛ خدا روز قیامت او را با چهره‌ای
درخشان و لبانی خندان و چشمانی روشن برانگیزد!"^۱

ثمرات و دستاوردهای عمل صالح

انجام عمل صالح که برخاسته از ایمان افراد است، آثار و برکات فراوان
دنیوی و اخروی دارد که در آیات و روایات ذکر شده است. در ادامه به
برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. بخشش گناهان

"وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ؛ کسانی که ایمان
آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، قطعاً گناهانشان را می‌پوشانیم."^۲

۱. المصباح کفعمی، ص ۲ ۵ ۴

۲. عنکبوت: ۷



همچنین خداوند متعال از تبدیل گناهان توبه‌کنندگان و مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، به حسنات خیر داده و می‌فرماید: "مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند پس خداوند گناهانشان را به حسنات تبدیل خواهد نمود. خداوند آمرزنده و مهربان است."^۱

۲. حیات طیبه و زندگی پاکیزه

"مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان دارد، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهتر از اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد"^۲

وقتی عمل انسان صالح و نیک شد، این عمل پسندیده در تمامی شئون مادی و معنوی، فردی و خانوادگی او جریان می‌یابد و سعادت دنیایی و آخرتی را برای او به ارمغان می‌آورد؛ زیرا کسی که به دنبال عمل صالح است، از هرچه ناپسند است دوری کرده و به آنچه خداوند دستور فرموده، اطاعت می‌ورزد و همین مسئله باعث نیکبختی و عاقبت به‌خیری او خواهد شد و زندگی او را سرشار از ایمان و آرامش و معنویت خواهد نمود.

۱. فرقان: ۰

۲. نحل: ۷



۳. محبوبیت

در پرتو پرهیزگاری و انجام عمل صالح، اُبَهِت و دوستی انسان در قلب‌ها راه می‌یابد و همگان به دیده‌ی عزت و احترام به او خواهند نگریست؛ همانگونه که خداوند متعال نیز یکی از دستاوردهای ایمان و تقوا را جاهت و شخصیت اجتماعی انسان می‌داند و می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ به راستی کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، خدای رحمان ایشان را محبوب دیگران می‌گرداند."^۱

۴. استجاب دعا

"وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ؛ خداوند متعال وعده داده است که دعای کسانی را که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، مستجاب فرموده و از فضل خود بر ایشان بیفزاید."^۲

۵. فلاح و رستگاری

"فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ؛ پس هر کس به درگاه خدا توبه کند و عمل صالح انجام دهد، امید است از رستگاران باشد."^۳

۱. مریم: ۶

۲. شوری: ۶

۳. قصص: ۷

۶. عاقبت به خیری و بهشتی شدن

"الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَّا أَجْرُهُمْ" کسانی که ایمان و عمل صالح دارند، خوشا به حال آنان، که خوش جایگاهی خواهند داشت.^۱

۷. ایمن شدن از ترس‌های قیامت

"وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا" کسانی که مؤمن اند و اعمال صالح انجام می‌دهند، نه از ستم و نه از نقصان ثواب و حسنات هراسی نخواهند داشت.^۱

۸. برخورداری از پاداش مضاعف و همیشگی

"إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا؛ مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، پس برای ایشان در مقابل آنچه انجام داده‌اند، پاداش مضاعف خواهد بود."^۲

مصادیق عمل صالح

مصادیق عمل صالح بسیار است که احسان به والدین،^۳ صدقه دادن،^۴ شرکت در راهپیمایی که باعث خشم و ناراحتی دشمنان اسلام

۱. طه: ۲

۲. سبأ: ۷

۳. "وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِالذِّكْرِ الْإِحْسَانِ... قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ". (احقاف: ۵)

۴. المنافقون: ۱





می‌شود، اموذت اهل بیت پیامبر اکرم \square ،^۲ و سفارش یکدیگر به حق و صبر،^۳ از جمله آنهاست که در قرآن کریم ذکر شده است. در این مجال، از باب نمونه یکی از آیات مربوطه را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

نماز؛ مصداق عمل صالح

خداوند در آیه ۸۲ سوره بقره وعده بهشتی شدن اهل ایمان و اهل عمل صالح را اعلان فرمود: "وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ". سپس در آیه بعدی به برخی از مصداق اعمال صالح می‌پردازد و می‌فرماید:

"لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ".

یک: جز خدا را نپرستید؛

دو: به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید؛

سه: با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید؛

چهار: نماز را به پا دارید و زکات را بدهید.

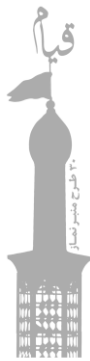
در این آیه اقامه نماز به عنوان عمل صالح ذکر شده است. همچنین در آیه ۲۷۷ سوره بقره می‌خوانیم: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ أَنَا

۱. "و لا يظنون موطئاً يغيب الكفار و لا ينالون من عدو نيلاً إلا كتب لهم به عمل صالح". (توبه:

۰ ۲ ۱).

۲. شورا؛ ۳

۳. سوره عصر.



که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند و زکات بدهند، آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و هرگز ترس (از آینده) و اندوه (از گذشته) نخواهند داشت.^۱

از مولای متقیان امیرمؤمنان □ نیز روایت شده که مراد از عمل صالح، نمازهای واجب پنجگانه است، چنان که در قرآن مجید آمده: "وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ"؛^۲ و آنان که نماز را اقامه کرده‌اند، دارای پاداش‌اند؛ زیرا ما پاداش اصلاح‌گران را ضایع و تباه نمی‌کنیم."^۳

نتیجه‌گیری

گفتیم که عمل صالح هر رفتار و عملی است که در دین بدان سفارش شده و رسول خدا □ نیز بر آن تأکید داشتند. به‌راستی چه عملی پرسفارش‌تر و مؤکدتر از نماز وجود دارد؟

این همه آیات و روایات پیرامون نماز وارد شده و نیز سیره عملی پیامبر و دیگر پیشوایان معصوم □ در اقامه کامل و دقیق نماز، سند و گواهی مطمئن بر عمل صالح بودن نماز دارد. نمازی که به فرموده پیامبر □: "أَوَّلُ مَا يَنْظُرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي صَلَاتِهِ؛ اولین چیزی که

۱. با توجه به عطف اقامه نماز و پرداخت زکات به صالحات که دارای "ال" است و استغراق و عمومیت را می‌رساند، شرافت و اهمیت این دو عمل از مصادیق اعمال صالح فهمیده می‌شود. (۳۴۴ ش) کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۲، ۴۴ (۱).

۲. اعراف: ۰ ۷ ۱.

۳. حسین انصاریان، تفسیر حکیم، ۱، ص ۴ ۸ ۳.



روز قیامت در اعمال بنده مورد توجه قرار می‌گیرد، نماز اوست.^۱ و به فرمایش حضرت علی علیه السلام، وسیله تقرب به پروردگار است: "الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقَى؛ نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری است."^۲ نماز نه تنها عمل صالح، بلکه برترین اعمال است؛ همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمود: "أَوْصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ؛ شما را به نماز و حفظ آن سفارش می‌کنم، به درستی که بهترین اعمال نماز است."^۳ ان شاء الله همه ما بتوانیم با اقامه نماز اول وقت و نیز شرکت در نماز جماعت مسجد، این عمل صالح را به بهترین نحو انجام داده و رضایت خداوند را کسب نماییم.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۲، ۸، ص ۷
۲. همان، ج ۰، ص ۱، ۹
۳. همان، ج ۲، ص ۸، ۹



منبر سوم: نماز؛ از بین برنده غفلتها

راهبرد محتوایی

یکی از موانع موفقیت و خداخواهی در زندگی انسان، بی‌توجهی و غفلت از اموری است که داشته‌های مادی و معنوی او را در معرض خطر قرار می‌دهد و چه بسا باعث شقاوت و بدعاقبتی او خواهد شد. در این میان، اقامه نماز به عنوان برترین غفلت‌زدا و هشدار پیوسته در ساعات مشخص شبانه‌روز، انسان را از تباهی و غفلت جدا کرده، به سوی مقصد الهی فرا می‌خواند.

حکم شرعی

یکی از واجبات پیش از نماز، وضو گرفتن است که انسان باید به صورت صحیح و کامل، وضو گرفته و برای اقامه نماز آماده گردد. اگر کسی فراموش نماید و پس از نماز به یاد بیاورد که وضو و طهارت نداشته، باید نمازش را دوباره بخواند یا اگر وقت گذشته، قضا نماید.



روایت

امام علی \square فرمود: "وَيَلِّ لِمَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْعَقْلَةُ فَنَسِيَ الرَّحْلَةَ وَ لَمْ يَسْتَعِدْ؛ وای! بر کسی که "غفلت" بر او غلبه کند و نتیجه سفر آخرت را به فراموشی بسپارد و آماده آن نشود".^۱

مقدمه

از امور خطرناکی که ممکن است دامنگیر هر کسی شود و او را از سعادت دنیا و آخرت ساقط سازد، "غفلت"، بی‌توجهی و بی‌خبری است. بارها از طریق رسانه‌های عمومی شنیده‌ایم که شخصی بر اثر یک لحظه غفلت، تمام سرمایه خود را بر اثر آتش‌سوزی از دست داده است یا راننده‌ای بر اثر یک لحظه غفلت، جان خود و ده‌ها انسان را به مخاطره انداخته است.^۲

در مسیر سعادت و خداجویی انسان نیز این امکان وجود دارد که بر اثر یک لحظه غفلت، فرد تمام اندوخته‌های معنوی خویش را از دست بدهد و جز حسرت و اندوه برایش باقی نماند.^۳

معنای غفلت

غفلت یعنی اینکه پرده‌ای بر فکر و قلب انسان بیفتد که او از یک واقعیت و حقیقتی دور بماند. قرآن کریم، در این باره می‌فرماید: "وَلَقَدْ

۱. علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم و المواعظ، ۴
۲. مبلغان، شماره ۱۰۲، غفلت (۱)، سید جواد حسینی، ص ۸
۳. نک: ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۲، ۳۶، ۵، ۳۵



دَرَأْنَا لِحَنَمٍ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا
وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُو۟ر۟ث۟كَ كَال۟أُن۟عَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛
به یقین گروه بسیاری از جن و انس را [با توجه به اعمال و رفتارشان]
برای دوزخ آفریدیم. آنها دل‌ها [و عقل‌ها] بی دارند که با آن [اندیشه
نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن [حقایق را] نمی‌بینند و
گوش‌هایی که با آن [سخن حق را] نمی‌شنوند. آنها همچون
چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند.^۱

غفلت گونه‌های مختلفی دارد و شامل غفلت از خدا، غفلت از آیات
خدا، یا غفلت از آخرت می‌گردد. به تعبیر دیگر، غفلت، یعنی دورماندن
از هر آنچه که انسان را به سوی کمال می‌برد، همانند فراموشی آیات و
نشانه‌های الهی: "وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ؛ بسیاری از مردم از
آیات و نشانه‌های ما غافل‌اند."^۲

پیامدهای غفلت

اینک به برخی از عواقب شوم غفلت که در آیات و روایات نقل شده‌اند،
اشاره می‌کنیم.

۱. غفلت، باعث قساوت قلب

سنگدلی و قساوت قلب نتیجه غفلت و دوری از معارف الهی است؛ زیرا
عامل مهم لطافت روح و انعطاف قلب در برابر حق، یاد خداست.

۱. اعراف: ۷ ۹

۲. یونس: ۲ ۹



هنگامی که ریزش باران رحمت ذکر الهی از سرزمین دل قطع شود، قلب انسان به صورت بیابان خشک و سوزانی درمی‌آید که پر از سنگلاخ وحشتناک است. همانگونه که امام باقر علیه السلام فرمودند: "إيّاكَ وَالْغَفْلَةَ فِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ؛ از غفلت بپرهیز که در آن سنگدلی و قساوت قلب است."^۱

امروزه مشاهده می‌کنیم که بسیاری از جنایت‌ها و رفتارهای خشن مانند قتل، درگیری‌ها و مانند آن، از کسانی سر می‌زند که از یاد خدا و ایمان و تقوا دوری کرده‌اند و با آلوده شدن به گناهان، قلبی سیاه و سنگی برای خود فراهم کرده‌اند.

۲. غفلت، عامل مرگ قلب

همانگونه که یک لحظه غفلت در رانندگی یا هنگام کار با برق و مانند آن باعث حوادث ناگوار، مرگ و دیگر اتفاقات تلخ می‌گردد، غفلت از ذکر و یاد خداوند متعال نیز باعث مرگ معنوی قلب و دور شدن انسان از فطرت اولیه و سرشت پاک خدایی می‌گردد. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: "مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ؛ کسی که غفلت بر او چیره شود، قلبش می‌میرد."^۲

۳. تباهی اعمال

گاهی انسان به خاطر غفلت از خداوند، رفتارهای نادرستی از خود بروز

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷۸، ص ۴

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۳، ۷، ۲۲۸

می دهد که اعمال نیک او را نابود می سازد و نتیجه ای از زحمات خود نمی برد. امیر المؤمنین □ می فرمود: "إِيَّاكَ وَالْعَقْلَةَ فَإِنَّ الْعَقْلَةَ تُفْسِدُ الْأَعْمَالَ؛ از غفلت دوری کن، چرا که غفلت اعمال را فاسد و تباه می گرداند."^۱

۴. بدعاقبتی

بدترین پیامد شوم غفلت، از دست دادن آخرت و معاوضه لذت های گذرای دنیا با خوشی های دائم و ماندگار آخرت است که انسان غافل با جهالت و نادانی خویش، این عاقبت تلخ را برای خود رقم می زند.

خداوند متعال نیز جهنم را جایگاه غافلان دانسته و می فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ آنها که ایمان به ملاقات ما [و روز رستاخیز] ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها که از آیات ما غافل اند، [همه] آنها جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می دادند."^۲

روزی چهار نفر تابوتی را بر دوش گرفته بودند و از میان جمعیت عبور می دادند و مردم نیز به سوی آن تابوت زباله و آب دهان می انداختند. کسی پرسید: جریان چیست؟

گفتند: این میت سال ها تنها مؤذن مسجد شهر بود. در خانه های اطراف مسجد، زنی مسیحی، تنها زندگی می کرد. او روزی هنگام اذان



۱. علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم و المواعظ، ص

۲. یونس: ۷-۸.

۹



گفتن، چشمش به آن زن می‌افتد و شیطان او را وسوسه می‌کند. او نزد زن مسیحی رفته و از او خواستگاری می‌کند، اما زن نمی‌پذیرد و می‌گوید: فقط در صورتی که او دست از اسلام بردارد، حاضر به ازدواج است. همچنین می‌گوید: وی باید "زُنَّار" ببندد. مؤذن نیز قبول می‌کند؛ زن زُنَّار می‌بندد و شراب می‌نوشد و روزی که قصد آن زن را می‌نماید، زن به وعده خود عمل نکرده و از دست او فرار می‌کند. مؤذن از دیوار خانه زن بالا می‌رود اما با گردن به زمین می‌افتد و می‌میرد و اکنون نیز مردم او را اینگونه تشییع می‌کنند.^۲

عوامل غفلت از یاد خدا

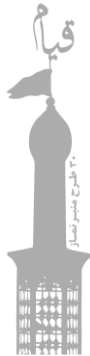
اینک که پیامدهای خطرناک غفلت و بی‌خبری را دانستیم، لازم است اشاره کنیم که چه چیزهایی باعث ایجاد و تشدید این روحیه می‌گردد. مهم‌ترین عوامل ایجاد غفلت که در آیات و روایات بدان‌ها اشاره شده، از این قرار است:

۱. علاقه تشدید به دنیا

زندگی در دنیا و استفاده از امکانات و لذت‌ها و خوشی‌های حلال آن نه تنها ناپسند نیست، بلکه مورد سفارش دین است؛ همانگونه که قرآن به صراحت می‌فرماید: "قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ"؛ بگو: چه کسی

۱. کمربند یا گردنبند مخصوص مسیحیان.

۲. حسن بن حسین شیعی سبزواری، مصابیح القلوب، ص ۱



زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، (اگرچه در دنیا دیگران نیز با آنها مشارکت دارند، ولی) در قیامت تنها برای مؤمنان خواهد بود.^۱

با بررسی دقیق آیات و احادیث فهمیده می‌شود که مطلق دنیا یا مال و ثروت مذموم و ناپسند نیست، آنچه مذموم است، "دل بستن به دنیا است"؛ یعنی جمع‌آوری ثروت و اندوختن اموال به هر طریق ممکن و بدون رعایت موازین اسلامی. به عبارت دیگر، اصالت دادن به مال و ثروت و برای رسیدن به آن دست به هر کاری زدن.

اسلام نمی‌گوید مسلمان باید گرسنه، تهیدست و نیازمند به مردم باشد که این خود، عین ذلت و خواری و اهانت به کرامت مؤمن است که اسلام به شدت با آن مخالف است، بلکه اسلام با ثروتی مخالف است که مایه تکبر و طغیان شده و از راه نادرست به دست آید، ثروتی که با پایمال کردن حقوق محرومین جمع گردد، ثروتی که باعث خودفراموشی و خدافراموشی گردد، ثروتی که صاحبش ارزش‌ها را زیر پا بگذارد و چشم افراد جز پول و ثروت چیزی را نبیند.

چنین دنیاطلبی‌ای، منفی و مورد نکوهش قرآن کریم است، زیرا باعث دوری انسان از خدا و فراموش کردن آخرت، بی‌اعتنایی به عبادت و بندگی و گام‌نهادن در مسیر گناه، طغیان و سرکشی و ایستادن در مقابل پروردگار متعال می‌گردد.

۱. اعراف:

۲

.۳



قرآن در این باره می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛ آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافل‌اند."^۱

امام باقر □ خطاب به جابر می‌فرماید: "يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَبْغِي لَهُ أَنْ يَرْكَنَ وَيَطْمَئِنَّ إِلَى زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاعْلَمْ أَنَّ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ عَقْلَةٍ؛ جابر! شایسته نیست انسان باایمان، متکی و دلگرم به زرق و برق این زندگی باشد، بدان که فرزندان (و دلباختگان) دنیا اهل غفلت‌اند."^۲

۲. فریب‌های شیطان

یکی دیگر از عوامل غفلت، دل‌سپردن و گوش‌دادن به وسوسه‌های شیطانی است که قسم یاد کرده است به هر طریق ممکن، انسان را از بندگی خداوند و عبادت پروردگار دور سازد و روشن است که برای رسیدن به این هدف، باید یاد خدا را از ذهن انسان برده، او را تحت سلطه و سیطره خویش بگیرد. به تعبیر قرآن: "اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ...؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برد."^۳

۱. یونس: ۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۷ ۸ ۲.

۳. مجادله: ۹ ۱.

۳. رفتار بر اساس هوا و هوس

خداوند متعال در رابطه با هواپرستی و غفلت می‌فرماید: "وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا؛ و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است."^۱

چهار: آرزوهای دراز

از دیگر عوامل "غفلت" آمال و آرزوهای دراز است؛ چراکه آرزوهای دور و دراز تمام فکر و اندیشه انسان را به خود مشغول ساخته و از دیگر کارها غافل می‌سازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: "إِنَّ الْأَمَلَ يَسْهِي الْقَلْبَ وَيُكْذِبُ الْوَعْدَ وَيَكْثُرُ الْغَفْلَةَ؛ بدانید آرزو دل را به فراموشی می‌کشاند، وعده‌ها را دروغ جلوه می‌دهد و غفلت را زیاد می‌کند."^۲

عوامل غفلت‌زدا

راه‌های دوری از غفلت

۱. یاد مرگ

یکی از ارکان و پایه‌های اصلی دوری از غفلت، توجه به پایان زندگی و اتمام فرصت زندگی در دنیا است. امام صادق علیه السلام در مورد تأثیر عمیق یاد مرگ بر بیداری روح و جان آدمی می‌فرماید: "ذِكْرُ الْمَوْتِ يَمِيتُ الشَّهَوَاتِ



۱. کهف: ۸

۲.

۲. سعید بن هلال ثقفی، الغارات، محقق و مصحح، عبدلزهراء حسینی، ج ۲، ص ۴۳۶.



فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتَ الْعُقَلَةِ وَيَقْوَى النَّفْسَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيَبْرِقُ الطَّبَعُ وَيَكْسِرُ أَعْلَامَ
الْهَوَى وَيَطْفِئُ نَارَ الْحِرْصِ وَيَحَقِّرُ الدُّنْيَا؛ یاد مرگ خواهش‌های باطل را از
دل زایل می‌کند و ریشه‌های غفلت را می‌کند و دل را به وعده‌های
الهی قوی و مطمئن می‌گرداند و طبع را رقیق و نازک می‌سازد و
عَلَم‌های هوا و هوس را می‌شکند و آتش حرص را فرو می‌نشاند و دنیا
را حقیر و بی‌مقدار می‌سازد.^۱

به همین دلیل است که هر امر مربوط به مرگ، می‌تواند عامل
بیداری و دوری فرد از غفلت محسوب گردد؛ همچنان که امام صادق
می‌فرماید: "مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفَنُهُ فِي بَيْتِهِ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ کسی که
کفنش با او در خانه‌اش باشد، از غافلان به شمار نمی‌آید."^۲ یا اینکه می
فرماید: "إِذَا أَنْتَ حَمَلْتَ جَنَازَةً فَكُنْ كَأَنَّكَ أَنْتَ الْمَحْمُولُ؛ هنگامی که جنازه
کسی را برداشتی، فکر کن که گویا تو خود، آن کسی هستی که [در
تابوت است و] آن را برداشته‌اند."^۳

قلب و دل انسان بر اثر اشتغال به امور دنیوی زنگار غفلت و بی‌خبری
به خود می‌گیرد و یاد مرگ می‌تواند زداینده این آلودگی‌ها و روشنی
بخش قلب و وجود آدمی باشد؛ همچنان که پیامبر اکرم در ضمن
سؤالی به این موضوع اشاره فرمودند: "إِنَّ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ.
قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا جَلَّوْهَا قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَذِكْرُ الْمَوْتِ؛ همچنان که آهن

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۶

۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۸

زنگ می‌زند، این دل‌ها نیز زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا! صیقل دادن آنها به چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن و به یاد مرگ بودن.^۱

۲. همنشینی با خوبان

همواره دوستی و همنشینی با خوبان و اهل ایمان و تقوا، انسان را به سمت و سوی کارهای خوب و اعمال خداپسندانه تشویق می‌نماید، همانگونه که دوستی و رفت‌وآمد با افراد بی‌دین و کسانی که خداوند در زندگی آنان نقشی ندارد، باعث گرایش انسان به زشتی‌ها و آلودگی به انواع گناهان می‌گردد. امام حسن علیه السلام می‌فرمود: "الْعَقْلُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ وَطَاعَتُكَ الْمَفْسِدُ؛ غفلت این است که مسجد را ترک گویی و از انسان مفسد پیروی کنی."^۲

یک بار آیت‌الله مرعشی به محله جوی‌شور قم که آن زمان بیرون شهر بود، رفت تا خطبه عقدی را بخواند. در آن ایام از تاکسی خبری نبود و چون هوا به شدت سرد بود و به دلیل بارش برف درشکه هم نمی‌توانست حرکت کند، ایشان پیاده رفتند و چون تا پاسی از شب طول کشید، به تنهایی از همان کوچه‌های باریک به خانه برگشتند. خودشان برای فرزند ارشدشان، دکتر مرعشی نقل نموده‌اند: ناگهان از دور صدای عربده مستی را شنیدم. او جلو آمد و راه را بر من بست و گفت: سید کجا می‌روی؟ گفتم: منزل. گفت: کجا بودی؟ گفتم: برای کار خیر رفته بودم. پرسید: چه کاره‌ای؟ گفتم: آخوندم و روضه

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵، ح ۱۰؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۳۹۱، ح ۴۸۳۹.





می خوانم. گفت: باید برای من روضه بخوانی! در جوابش گفتم: آخر روضه منبر می خواهد، جایی لازم دارد. در این سرما و برف نمی شود. گفت: من دولا می شوم، شما روی پشت من بنشین و روضه بخوان. من هم نشستم و در چند دقیقه روضه کوتاهی از مصائب امام حسین □ خواندم! در حین خواندن مشاهده نمودم او متأثر شده و گریه می کند و حتی از شدت ناراحتی شانه هایش می لرزد، بعد گفتم: باید بروم. گفت: نه نمی شود، صبر کن من می آیم و تا در منزل همراهتان هستم که مبدا آدمی چون من، مزاحم شما شود و بعد آقا را تا رسیدن به منزل همراهی نمود.

دو سه هفته بعد آیت الله مرعشی در حرم حضرت معصومه 3 نشسته بود و قبل از نماز داشت دعا می خواند که کسی آمد و شروع کرد به گریستن و بوسیدن ایشان و افزود: امروز آمده ام شما را به جدتان قسم بدهم که از حضرت فاطمه معصومه 3 بخواهی خداوند گناهان مرا بپامرزد، من واقعاً توبه کرده ام، شما هم مرا حلال کنید. آیت الله مرعشی می پرسد: شما چه کسی هستید؟ او پاسخ می دهد: من همان فردی هستم که آن شب شما را اذیت کردم. برخورد شما در آن شب همچون سیره جدت امیرمؤمنان □ بود و مرا واقعاً از خواب غفلت بیدار کرد. چند مدتی از واقعه مزبور گذشت تا آنکه مشاهده گردید آن مرد در هر سه نوبت صبح و ظهر و شب در نماز جماعت حرم حضرت فاطمه معصومه 3 شرکت می نمود. روزی هم که فوت کرد، تشییع جنازه باشکوهی از وی به عمل آمد و آیت الله مرعشی هم در این مراسم

حضور داشت.^۱

۳. اقامه نماز

پروردگار مهربان برای اینکه انسان در مشکلات روزمره، وسوسه‌های شیطان، آمال و آرزوهای طول و دراز، خواسته‌های بی‌پایان دل و مانند آن گرفتار نگردد، دقایق و زمان‌های مشخصی را قرار داده تا انسان با شستشوی خود در زلال نماز، غبارهای غفلت را از جان و تن بشوید و پاکیزه و مطهر، به ادامه مسیر بندگی بپردازد. ادای نماز در وقت مقرر و با حضور قلب و توجه به محتوای راز و نیاز و مناجات با خدا، قلب را صیقل داده و زنگار "غفلت" را از آینه روح می‌زداید. نماز، فرصت بسیار خوبی برای بازنگری در اعمال و بازیافتن خویشتن خویش و نجات از چنگال اهریمن "غفلت" است.

امام باقر □ در این رابطه می‌فرمایند: "إِنَّمَا مُؤْمِنٌ حَاقِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَبَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ؛ اگر هر فرد باایمانی، نمازهای واجب را به‌موقع و به‌طور صحیح انجام دهد، از غافلان نخواهد بود."^۲

رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (حفظه الله) نیز در تعبیر زیبایی از نماز می‌فرماید: اینکه نماز را در هر روز گذاشته‌اند و با تناوب گذاشته‌اند، برای این است که ما دچار غفلت نشویم. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا، همین واجب کردن نماز بر ما است. اگر نماز را بر ما واجب نمی‌کردند، ما غرق در غفلت می‌شدیم؛ صبح، از خواب که پا می‌شوید،

۱. گفتگو با دکتر سید محمود مرعشی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۴، مهر ۸۲، ۹.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۰، ۷، ۲.





به یاد خدا؛ ظهر، وسط اشتغالات زندگی و معیشتی، به یاد خدا؛ شب، در پایان یک روزی که در آن تلاش کردید و کار کردید، به یاد خدا. با یاد رویت جای در بستر گرفتم با آرزویت سر ز بستر بر گرفتم

این آن ترتیب و برنامه‌ای است که برای ما در نظر گرفتند. عمل می‌کنیم؟ اگر [عمل] کنیم، آن وقت می‌توانیم مطمئن باشیم که "أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا"^۲ - در دعاهای ما است - می‌توانیم خاطر جمع شویم که سالم از اینجا بیرون خواهیم رفت.^۳

نماز غفيله

شاید به همین دلیل است که در روایات، برای به جا آوردن نماز غفيله سفارش فراوانی شده؛ زیرا غفيله اسم مصغر از غفلت است؛ یعنی غفلت کوچک. یعنی اقامه نماز غفيله - نمازی مستحبی که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود - باعث جدایی و دوری انسان از غبار غفلت‌هایی می‌شود که در طول روز بر اندام دینداری انسان می‌نشیند و چهره ایمان را گردآلود و خاکی می‌نماید.

امام صادق □ از پدرشان امام باقر □ و ایشان هم از پیامبر اکرم □ در خصوص این نماز مستحبی چنین نقل می‌کنند: "صَلُّوا فِي سَاعَةِ الْعَفْلَةِ وَكُوْرُكَعْتَيْنِ فَإِنَّهُمَا تُورِدَانِ دَارَ الْكِرَامَةِ؛ نماز بخوانید در ساعت غفلت؛ اگر چه دو

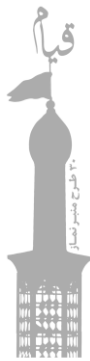
۱. عماد خراسانی.

۲. شیخ طوسی، مصباح‌المتهدج، ج ۱، ص

۰ ۷ ۲.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۶ /

۳ / ۴ ۹.



رکعت باشد، این دو رکعت نماز [شما را] به بهشت وارد می‌کند.^۱ در روایتی دیگر چنین می‌فرماید: "تَنْفَلُوا فِي سَاعَةِ الْعَقْلَةِ وَكُوْرُكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا تُوردَانِ دَارَ الْكِرَامَةِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا سَاعَةُ الْعَقْلَةِ؟ قَالَ: بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ؛ نماز مستحب به جا آورید در ساعت غفلت. اگرچه این نماز دو رکعتی خفیف [و آسان] باشد؛ چراکه همین دو رکعت نماز [شما را] وارد بهشت می‌کند. پرسیده شد ای رسول خدا! ساعت غفلت چه هنگامی است؟ فرمود: بین مغرب و عشا است."^۲

کیفیت نماز غفیله

درباره کیفیت اقامه این نماز مستحبی، امام صادق □ چنین فرموده است: کسی که می‌خواهد بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول بعد از سوره حمد بگوید:

"وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ."^۳

و در رکعت دوم بعد از سوره حمد بگوید:

"وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ."^۴

۱. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۴
۲. همان، ص ۵
۳. انبیاء: ۸ و ۸
۴. انعام: ۹ و ۵

و پس از فراغت از قرائت، دست‌هایش را بلند کند و بگوید:
 "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِفَاتِحَ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِهِ جَاءَ كَذَا وَكَذَا حَاجَاتِ خُودِ رَا بَگُوِيِد و
 سِپِس بَگُوِيِد: "اللَّهُمَّ أَنْتَ وَآلِ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ
 بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا فَضَيْتَهَا لِي."
 خداوند خواسته‌های او را [اگر مصلحت باشد] عطا می‌کند.^۱



۲.

۴

۵

۱. سیدبن طاووس، فلاح السائل، ص



منبر چهارم: نماز؛ نماد زندگی

راهبرد محتوایی

در این نوشتار، ضمن تبیین برخی از درخواست‌های خداوند متعال از بندگان، نماز به عنوان یکی از واجبات مهم الهی که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده و انسان را به اقامه آن دعوت کرده، بررسی شده است.

حکم شرعی

بر مردان واجب است که حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشا بلند بخوانند. البته اگر کسی سهواً یا جهلاً آهسته بخواند، نماز صحیح است، ولی اگر از روی عمد باشد، نماز باطل است.^۱

زنان نیز در صورتی که نامحرم حضور نداشته باشد، می‌توانند حمد و سوره این سه نماز را بلند یا آهسته بخوانند. همچنین، بر مردان و زنان واجب است که حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و تنها

۱. نک: سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س

مستحب است که بسم الله الرحمن الرحيم آن را بلند بگویند.

روایت یا آیه

"وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ".

شأن نزول آیه

شخصی از پیامبر □ پرسید: آیا خدای ما نزدیک است تا آهسته با او مناجات کنیم یا دور است تا با صدای بلند او را بخوانیم؟ آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد که خدا به بندگانش نزدیک است.^۱

مقدمه بحث

استفاده از عنصر تمثیل

وقتی انسان به مهمانی، جشن و مراسمی دعوت می‌شود، به احترام آن شخص و گاهی برای منافی که دارد، پاسخ مثبت داده، دعوت را اجابت نموده و در آن مراسم حضور می‌یابد.

خداوند متعال به عنوان خالق انسان و کسی که همه دار و ندار و هستی انسان به او وابسته است، از انسان دعوت نموده و خواسته است که دعوت حق تعالی را اجابت نماید: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول

۱. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه.



را اجابت کنید، وقتی شما را دعوت می‌کنند به آنچه به شما حیات می‌بخشد و شما را زنده می‌کند.^۱

خدا و رسول به چه چیزهایی دعوت می‌کردند؟

مگر خدا و پیامبران الهی به چه چیزهایی دعوت می‌کردند؟ وقتی به قرآن کریم مراجعه کنیم و آیات نورانی آن را تلاوت نماییم، می‌بینیم که دعوت قرآن و انبیا دعوت به خوبی، احسان، عدالت و مهربانی، دوری از گناه، دوری از حرام‌های الهی، انجام واجبات و توجه به آخرت و دور نگه‌داشتن خود از جهنمی است که با دوری از فرامین الهی و ترک واجبات دامنگیر انسان خواهد شد.

برخی از دعوت‌های خدا و پیامبران

در این مجال به تعدادی از دعوت‌های خدا و پیامبر اشاره می‌کنیم که در قرآن کریم بیان شده است.

۱. خداترسی همه‌جانبه و رعایت تقوا در بالاترین درجه؛ یعنی پرهیز از همه گناهان کوچک و بزرگ و عمل به واجبات الهی: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چنان که سزاوار خداست، تقوا پیشه کنید."^۲

۲. عدالت‌ورزی: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ ای کسانی



۱. انفال: ۴

۲.

۲. آل عمران:

۲

۱.



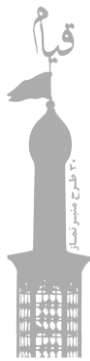
که ایمان آورده‌اید!... دادگری کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است".^۱
۳. انفاق و کمک به دیگران: "وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خدا انفاق کنید... و احسان و نیکوکاری کنید که همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد".^۲

۴. پیروی نکردن از شیطان: "وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ از گام‌های شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست".^۳
انجام عمل شایسته: "يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلِّمْنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛ ای پیامبران! از روزی‌های حلال و پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید".^۴

۵. یاری گرفتن از نماز و صبر: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ای اهل ایمان! از صبر و نماز کمک بگیرید! مطمئناً خداوند با صابران است".^۵

۶. استفاده از مال حلال و شکرگزاری: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را شکر کنید".^۶
۷. اطاعت از رهبر و پیشوا: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

۱. مائده:	۸		
۲. بقره:	۵	۹	۱
۳. بقره:	۸	۶	۱
۴. مؤمنون:	۱	۵	
۵. بقره:	۳	۵	۱
۶. بقره:	۲	۷	۱



وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید.^۱

۸. احسان به والدین و خویشاوندان: "لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به‌پا دارید و زکات را بدهید."^۲

۹. اقامه نماز: خداوند متعال در آیات متعددی به اقامه نماز دستور داده است، از جمله:

"قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ؛ به بندگان من که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند."^۳

"وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و نماز به‌پا دارید و زکات بدهید و با راکعان رکوع کنید."^۴

"حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ؛ بر نمازها، به‌ویژه نماز میانه (ظهر) پایبند باشید."^۵

"أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را برای یاد من به‌پادار."^۶

۱. نساء:	۹	۵.
۲. بقره:	۳	۸.
۳. ابراهیم:	۱	۳.
۴. بقره:	۳	۴
۵. بقره:	۸	۳
۶. طه:	۴	۱.



دعوت پیامبران به نماز

رسولان و پیامبران نیز به اقامه نماز اهتمام داشتند و به آن امر می‌کردند: "وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ؛ وَبِهِ إِيشَانِ اِنجَامِ دَادِنِ كَارِهَائِي نِيكَ وَ بَرِ پَا دَاشْتِنِ نِمَازِ، وَ دَادِنِ زَكَاتِ رَا وَحِي كَرْدِيمِ!"^۱

حضرت اسماعیل □: "وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؛ وَخَانِدَانِ خُودِ رَا بِهِ نِمَازِ وَ زَكَاتِ فِرْمَانِ مِي دَادِ!"^۲

حضرت عیسی □: "وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وَ تَا زَنْدِهَامِ مِرَا بِهِ نِمَازِ وَ زَكَاتِ سَفَارِشِ كَرْدِهِ اسْتِ!"^۳

لقمان حکیم: "يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ اِي پَسِرْكَمِ، نِمَازِ رَا بِهِ پَادَارِ!"^۴

اقامه نماز؛ نشانه اجابت انسان

خدا و رسولش به فضائل انسانی و چیزهایی دعوت می‌کنند که انسان را به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت رهنمون خواهند گردید، به شرط آنکه انسان خریدار این مفاهیم عالی باشد و پاسخی حقیقی به این دعوت خداوند بدهد، لذا خداوند می‌فرماید: کسانی به حرف خدا گوش می‌دهند که: "إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ؛ تَنهَّا كَسَانِي [دَعْوَتِ تَو

۱. انبیاء:	۳	۷
۲. مریم:	۵	۵
۳. مریم:	۱	۳
۴. لقمان:	۷	۱

را] اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند".^۱

برای پاسخگویی به دعوت خداوند، باید از رفتارهای شایسته بهره گرفت و با دوری از گناه و انجام کارهای شایسته و خداپسندانه، لیاقت پاسخ به دعوت الهی را در خود فراهم نمود. بهترین و برترین نشانه این اجابت به دعوت خداوند نیز، اقامه نماز و به‌جا آوردن نمازهایی است که انسان باایمان را از دیگران متمایز و جدا می‌سازد و نشان‌دهنده باورهای زیبایی او به وعده‌های الهی است؛ لذا خداوند می‌فرماید: "الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ؛ آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته‌اند".^۲

پیامدهای اجابت نکردن دعوت الهی

۱. گمراهی: "وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ مَعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مَبِينٍ؛ و هر کس که به این دعوت‌کننده جواب نگوید، نمی‌تواند در روی زمین از خدای بگریزد و او را جز خدا هیچ یآوری نیست و در گمراهی آشکاری است".^۳

۲. بشیمانی بی‌فایده: "رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِيبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ؛ پروردگارا! عذاب را برای ما به تأخیر انداز و مهلت کوتاهی ده تا آنچه فوت‌شده جبران کنیم، ما دعوت تو را اطاعت کنیم و پیغمبر تو را



۱. انعام: ۶
۲. شورا: ۸
۳. احقاف: ۲



پیروی نماییم".^۱

۳. مسیر بدون بازگشت: "اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّجْبَاٍ يُؤْمِنُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز نه برای شما پناهی و نه برایتان [مجال] انکاری هست".^۲

۴. بی یاور ماندن/توسل به توهم: "لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ اِلَّا كِبَاسًا سَمِطًا كَفَّيْهِ اِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ اِلَّا فِي ضَلَالٍ؛ دعوت حق [و راستین] از آن اوست، و معبودهایی را که به جای خدا می خوانند هیچ جوابی به آنها نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب باز کرده که آب به دهانش رسد، اما نمی رسد، و دعوت کافران جز در گمراهی نیست".^۳

۵. جهنمی شدن: "لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحَسَنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدُوا بِهِ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَا وَاوَهُمْ جَهَنَّمَ وَيَسَّ الْمِهَادُ؛ برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند، پاداش بس نیکوست و کسانی که وی را اجابت نکرده اند، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً آن را برای بازخريد خود خواهند داد. آنان به سختی بازخواست شوند و جایشان در

۱. ابراهیم: ۴

۲. شورا: ۷

۳. رعد: ۴

دوزخ است و چه بد جایگاهی است".^۱

۶. سرگردانی و گمراهی در دنیا: "وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ؛ و کیست گمراه‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را می‌خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی‌دهد و آنها از دعای‌شان بی‌خبرند".^۲

نتیجه‌گیری

اگر می‌خواهیم اجابت‌کننده خوبی به دعوت خدا و رسولش باشیم، باید به احکام و دستورهای الهی عمل نماییم و با اقامه نماز و انجام اعمال صالح و نیک، خود را در معرض دریافت لطف و رحمت الهی قرار دهیم.



۱. رعد: ۸

۲. احقاف: ۵



منبر پنجم: نماز؛ مانع نفوذ شیطان

راهبرد محتوایی

شیطان؛ نماد سرکشی، آلودگی و شرارت؛ و نماز؛ نماد بندگی و اطاعت و سعادت است. شیطان با وسوسه‌های خود انسان را به دوری از نماز فرامی‌خواند تا او را در گناهان غرق نماید و از سوی دیگر، آموزه‌های دینی، انسان را به اقامه نماز به عنوان سپری محکم برای مقابله با حملات و وسوسه‌های شیطان دعوت می‌نماید.

حکم شرعی

خانه کعبه که در شهر مکه معظمه می‌باشد، قبله است و باید روبروی آن نماز خواند. کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید طوری بایستد که صورت، سینه، شکم و جلوی پاهای او رو به قبله باشد.

روایت

امام صادق □ می‌فرماید: "قَالَ رَسُولُ اللَّهِ □: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ؛ پیامبر □ فرموده‌اند: تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگذارد، شیطان از او ترسان و گریزان است و چون نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می‌یابد و او را در گناهان بزرگ می‌کشاند."^۱

مقدمه (داستان)

مردی صبح زود از خواب بیدار شد تا نمازش را در مسجد بخواند. لباس پوشید و راهی مسجد شد.

در راه مسجد، زمین خورد و لباس‌هایش کثیف شد. بلند شد، خودش را پاک کرد و به خانه برگشت.

لباس‌هایش را عوض کرد و دوباره راهی خانه خدا شد. در راه مسجد و در همان نقطه مجدداً زمین خورد!

دوباره بلند شد، خودش را پاک کرد و به خانه برگشت. یک بار دیگر لباس‌هایش را عوض کرد و راهی خانه خدا شد.

در راه مسجد، با مردی که چراغ در دست داشت برخورد کرد. مرد پاسخ داد: من دیدم شما در راه به مسجد دو بار به زمین افتادید، از این رو چراغ آوردم تا بتوانم راهتان را روشن کنم.





مرد از او فراوان تشکر کرد و هر دو راهشان را به طرف مسجد ادامه دادند. همین که به مسجد رسیدند، مرد اول از مرد چراغ به دست درخواست کرد تا به مسجد وارد شود و با او نماز بخواند. مرد دوم از رفتن به داخل مسجد خودداری کرد. مرد اول درخواستش را دوباره تکرار کرد و مجدداً همان جواب را شنید.

مرد اول پرسید: چرا نمی‌خواهی وارد مسجد شوی و نماز بخوانی؟ مرد دوم پاسخ داد: "من شیطان هستم". مرد اول با شنیدن این جواب جا خورد.

شیطان در ادامه توضیح داد: من شما را در راه به مسجد دیدم و این من بودم که باعث زمین خوردن شما شدم. وقتی به خانه رفتی، خودت را تمیز کردی و به راه مسجد برگشتی، خدا همه گناهان شما را بخشید. من برای بار دوم باعث زمین خوردن شما شدم و حتی آن هم شما را تشویق به ماندن در خانه نکرد، بلکه به راه مسجد برگشتی. به خاطر آن، خدا همه گناهان افراد خانواده‌ات را بخشید. من ترسیدم که اگر یک بار دیگر باعث زمین خوردن شما شوم، آنگاه خدا گناهان افراد روستا را ببخشد. بنابراین، من از سالم رسیدن شما به مسجد مطمئن شدم.

شیطان

همه ما از شیطان زیاد شنیده‌ایم و سخن‌ها پیرامون آن گفته‌ایم. خیلی وقت‌ها هم که واکنش منفی و ناپسندی از خود بروز داده‌ایم و از رفتار



خود پشیمان شده، شیطان را مقصر دانسته و او را به لعن و نفرین گرفته‌ایم.

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد شیطان این است که با تمام قوا به مبارزه با انسان ادامه خواهد داد تا شاید بتواند از میان دام‌های مختلفی که سر راه او پهن می‌کند، بالاخره ایمانشان را در بند یکی از این گناهان گرفتار نماید.

از این رو خداوند متعال بر ضرورت پایداری در برابر شیطان اشاره نموده و بر چند نکته مهم تأکید می‌فرماید:

۱. شیطان دشمن انسان است: "إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن خود بدانید."^۱
۲. مراقب فریب شیطان باشید: "يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ؛ ای فرزندان آدم! [مراقب باشید] شیطان فریبتان ندهد، چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند."^۲
۳. مراقب حيله‌ها و ابزارهای رنگارنگ شیطان باشید: "و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چراکه او دشمنی آشکار برای شماست."^۳

۱. فاطر: ۶
۲. اعراف: ۷
۳. بقره: ۸



برخی ابزارهای شیطان در گمراه ساختن انسان

۱. به فراموشی انداختن: "وَمَا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، دیگر با ستمکاران منشین".^۱
۲. دشمنی و کینه انداختن در دل‌ها: "إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ؛ به درستی که شیطان می‌خواهد بین شما کینه و دشمنی اندازد".^۲
۳. تزئین اعمال ناپسند: "فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ شیطان کردار ایشان (امت‌های پیشین) را در نظرشان زینت داد، پس او امروز دوستدارشان است و برای آنها عذابی دردناک است".^۳
۴. وعده‌هایی دروغین: "يَعِدُهُمْ وَيَمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا [شیطان] وعده‌شان می‌دهد و به آرزو کردن وادارشان می‌کند و جز فریب، شیطان وعده‌شان ندهد".^۴
۵. ترساندن از فقر: "... الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ؛ شیطان به فقر و تهیدستی وعده‌تان می‌دهد".^۵
۶. وسوسه: "مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ؛ از شر

۱. انعام:	۸	۶.
۲. مائده:	۱	۹.
۳. نحل:	۳	۶.
۴. نساء:	۹.	
۵. بقره:	۸	۶.



وسواس خناس (شیطان) که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند.^۱

۷. یادآوری شهوات، لذت‌های زودگذر و آرزوهای بلند: عن الامام
الرضا □ أَنَّهُ قَالَ: "إِنَّ إبْلِسَ لَهُ خُرْطُومٌ كَخُرْطُومِ الْكَلْبِ وَاضِعَهُ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ
يَذْكُرُهُ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَيَأْتِيهِ بِالْأَمَانِي وَيَأْتِيهِ بِالْوَسْوَسَةِ عَلَى قَلْبِهِ يَشْكُكُهُ فِي رَبِّهِ
فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: "أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ" أَخْرَجَ خُرْطُومَهُ مِنْ قَلْبِهِ؛ برای
شیطان پوزه‌ای است مانند پوزه سگ که آن را در دل آدمی می‌نهد و او
را به یاد شهوات و لذت‌های نفسانی می‌اندازد و او را سرگرم آرزوها می
کند و وسوسه را در قلب او می‌افکند که در نتیجه او را نسبت به
آفریدگارش در شک و تردید واقع کند و هر گاه که آن بنده بگوید: پناه
می‌برم به خداوند شنوای دانا، خرطومش را از قلب او بیرون می‌کند."^۲

ابزار شیطان برای فریب امت پیامبر □

روزی شیطان به صورت پیرمردی درآمد و نزد حضرت سلیمان □ رفت.
حضرت سلیمان □ از او پرسید: "تو با امت موسی □ چه می‌کنی؟"
گفت: "حب دنیا را بر دل‌هایشان می‌اندازم". پرسید: "با امت عیسی □
چه می‌کنی؟" گفت: "آنها را با تثلیث و شرک، اغوا خواهم نمود".
پرسید: "با امت خاتم النبیین □ چه می‌کنی؟" گفت: "آنها را وانمی
گذارم تا درهم (پول و ثروت) و دنیا را برایشان محبوب‌تر از لا اله الا الله

۱. ناس:

۴ و

.۵

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار،

ص ۶، ۷،

۹

.۴

قرار دهم".^۱

دوزخ است ابلیس و دوزخ ازدهاست کو به دریاها نگردد کم و کاست
هفت دریا را در آشامد هنوز کم نگردد سوزشش آن خلق سوز

خطر شیطان در کلام امیرمؤمنان □

امام علی □ شیطان را مایه انحراف از دین دانسته و مؤمنین را از پیروی او باز می‌دارد. آن حضرت وسوسه‌ها و دشمنی‌های شیطان را چنین تشریح می‌کند: "فَاَحْذَرُوا عِبَادَ اللّٰهِ عَدُوَّ اللّٰهِ اِنْ يَّعْدِيْكُمْ بِدَاثِهِ وَاَنْ يَّسْتَفْزِمَكُمْ بِدَاثِهِ وَاَنْ يَّجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجْلِهِ. فَلَعمري لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَاغْرَقَ اَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ، وَرَمَاكُمْ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ؛ اِي بندگان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و به وسیله لشکرهای سواره و پیاده‌اش شما را جلب نماید. به جان خودم سوگند! او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله کمان گذاشته و آن را با قدرت و فشار تا سر حد توانایی کشیده و از نزدیک‌ترین مکان به سوی شما پرتاب کرده است."

آن حضرت در بخش دیگری از بیانات خود، شیطان را بزرگ‌ترین خطر برای دین و دنیا دانسته و به قطع ارتباط با او توصیه می‌کند: "... فَاَصْبِحْ اَعْظَمَ فِی دِيْنِكُمْ حَرَجًا وَاوْرٰی فِی دُنْيَاكُمْ قَدْحًا مِنْ اَلَّذِيْنَ اَصْبَحْتُمْ لَهْمُ مَنَاصِبِيْنَ وَعَلَيْهِمْ مَتَابِيْنَ. فَاَجْعَلُوْا عَلَيْهِ حَدَّكُمْ؛ شیطان بزرگ‌ترین مشکل برای دینتان و زیان‌بارترین و آتش‌افروزترین برای دنیای شما است [او



۶۸

بخش اول: مناظر عمومی

خطرناک‌تر] از کسانی است که دشمن سر سخت آنان هستید و برای درهم شکستنشان کمر بسته‌اید، پس آتش خشم خویش را در برابر او به کار اندازید!"

شیطان و انسان

شیطان پس از اخراج از بهشت و آن‌گاه که از خداوند برای زنده ماندن مهلت گرفت، با کمال صراحت و شدت، انسان را تهدید نمود که "لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ؛ و به یقین در سر راه مستقیم تو، برای گمراه‌سازی آنان می‌نشینم". و اکیداً سوگند بر گمراه کردن انسان یاد کرده است که: "فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ به عزت سوگند، همه آن‌ها را اغوا خواهم کرد و به گمراهی خواهم کشانید"^۲.

سپس شیطان درباره چگونگی عملی ساختن تهدید و اجرای فریب‌های خود، چنین می‌گوید: "لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، ثُمَّ لَأَتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ؛ من بر سر راه راست می‌نشینم و انسان‌ها را از جلو می‌رانم و از پشت تعقیب می‌کنم و از طرف راست و چپ گرفتارشان می‌سازم"^۳.

بی‌شک منظور از جلو، پشت سر، طرف راست و طرف چپ، جهات چهارگانه جغرافیایی نیست، چون حوزه وسوسه شیطان، دل آدمی است.



۱. نهج البلاغه، خطبه
۲. ر.ک: سوره ص: ۲
۳. اعراف: ۶
۸ و سوره حجر: ۹
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳



۷۰

بخش اول: مناظر عمومی

پس منظور شیطان از این سخن چیست؟

امام باقر □ می‌فرماید: اینکه شیطان گفت: از روبه‌رو حمله می‌کنم، یعنی اینکه مسئله مرگ و آخرت را برایشان آسان جلوه می‌دهم و آن‌ها را با خوشی و لذت‌های دنیا مشغول می‌کنم تا آخرت را فراموش کنند تا مبادا به خاطر ترس از آخرت، دست از گناه بکشند.

اینکه گفت: از پشت سرشان حمله می‌کنم، یعنی آن‌ها را به جمع کردن مال و ثروت امر می‌کنم و با وسوسه اینکه به فکر آینده فرزندان خود باشید، آنان را از پرداخت حقوق و واجبات مالی منع می‌کنم.

حملات از طرف راست، معنایش این است که با زینت‌دادن گمراهی و زیبا جلوه‌دادن شبهات، دین‌شان را فاسد می‌کنم و اینکه از چپ حمله می‌کنم، یعنی اینکه با محبوب قراردادن لذت‌ها و غلبه‌دادن شهوات بر قلب‌هایشان، به آنان حمله می‌کنم.^۱

اقامه نماز، راه شکست شیطان

شاید وقتی برخی این حملات همه‌جانبه شیطان را می‌شنوند، با خود بگویند: ای وای بر من! پس من خواسته یا ناخواسته اسیر شیطانم و هر قدر هم تلاش کنم، نمی‌توانم از دام شیطان رها شوم!

اما یک مژده و خبر خوش برای زمین‌گیر کردن و شکست‌دادن شیطان. چون شیطان فکر دو جهت را نکرده بود. نقل شده است: هنگامی که شیطان به خداوند گفت: من از چهار طرف (جلو، پشت،



راست و چپ) انسان را گرفتار و گمراه می‌کنم، فرشتگان پرسیدند: شیطان از چهار سمت بر انسان مسلط است، پس چگونه انسان نجات می‌یابد؟ خداوند فرمود: راه بالا و پایین باز است.

راه بالا نیایش و راه پایین سجده و بر خاک افتادن است. بنابراین، کسی که دستی به سوی خدا بلند کند یا سری بر آستان او بساید، می‌تواند شیطان را طرد کند.^۱

نتیجه‌گیری

راه نفوذ شیطان بر انسان، سجده نکردن است؛ شیطان نیز به واسطه سجده نکردن در درگاه الهی بود که سقوط کرد و به فلاکت و هلاکت افتاد.

شیطان، یعنی هر موجود شریر و بدذاتی که قصد فریب انسان را دارد؛ خواه از طایفه جنیان باشد یا انسان‌ها. هر کسی که به دوری از خدا، باورهای دینی، نماز و عبادت و مانند آن فرا می‌خواند- همانند ماهواره‌ها، دوستان و اقوام و خویشان بی‌دین و ایمان و مانند آن- از یاران و اعوان و انصار شیطان محسوب می‌شوند که با بندگی خدا و برترین جلوه آن یعنی نماز و عبادت مخالفند.

بر این اساس، اگر می‌خواهیم از ترفندها، وسوسه‌ها و مکر و حيله شیطان و شیطان‌نماها در امان بمانیم، باید به هیچ قیمتی نماز و عبادت را ترک ننماییم و برای شکست کامل شیطان، رابطه خود را با نماز

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۰ ۰ ۰



قوی تر کنیم و به تعبیر امام زمان 4: "ما أُرْغَمُ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا وَ أُرْغَمُ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛ بهترین چیز برای به خاک مالیدن بینی شیطان، نماز است، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال".^۱ خداوند نیز در پاسخ شیطان که گفته بود همه انسان‌ها را گمراه خواهم نمود و به جهنم خواهم فرستاد، فرمود: "إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ؛ در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند".^۲ بنابراین، اگر بنده خدا باشیم و اهل نماز، شیطان قدرت فریب ما را ندارد و از امتحان دنیا، سربلند و پیروز خارج خواهیم شد؛ ان شاء الله. همانگونه که امیرالمؤمنین \square فرمودند: "صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمُجَاهِدَةِ وَ اغْلَبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ، تَزَكَّوْا أَنْفُسَكُمْ وَ تَعْلَوْا عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَاتِكُمْ؛ در برابر شیطان که مانع و رهن سیر آدمی به سوی خداست، صف‌آرایی کنید و با همه ساز و برگ نظامی خود به جنگ او بروید. اگر چنین کردید، جان شما تزکیه می‌شود و درجات شما بالا می‌رود".^۳

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ۲۰: ۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴.

۲. حجر: ۲ ۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۶۹، ۹۰؛ علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم و المواعظ،

ص ۲ ۰ ۳.



منبر ششم: نماز؛ درهم‌شکننده تکبیر و غرور

راهبرد محتوایی

در این جلسه به یکی از کارکردها و آثار اقامه نماز، یعنی بحث تکبیر، و نقش نماز در تکبیرزدایی و تأثیرات آن در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته شده است.

حکم شرعی

نمازگزار باید نماز را به ترتیب بخواند؛ یعنی ابتدا نماز ظهر و بعد نماز عصر و نیز ابتدا مغرب و سپس نماز عشا را به‌جا آورد. همچنین نمازگزار باید هر یک از اجزای نماز را در جای خودش به‌جا بیاورد، پس اگر عمداً این ترتیب را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به‌جا آورد، نمازش باطل می‌شود.

روایت

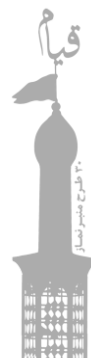
حضرت زهرا³ نیز می‌فرماید: "فَجَعَلَ اللَّهُ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ؛

خداوند متعال نماز را برای دوری از کبر و غرور شما قرار داده است".^۱

مقدمه □ داستان

غرور و خودخواهی و ظلم و ستمی که خان‌ها و مالکان بزرگ ایران بر کشاورزان و روستاییان داشتند، در همه عصرها و تاریخ این سرزمین، شگفت‌آور است. اما این ظلم و ستم در اواخر دوره قاجار صدچندان شد. در آن روزها مردم به طبقات مختلفی از قبیل خان، میرزا، بیگ، ملا، سید و رعیت تقسیم می‌شدند. عُرف و عادت به مرور زمان هر طبقه‌ای را دارای امتیازاتی کرده بود که با دلبستگی به آن امتیازات، غرور و تکبر را نیز برایشان به همراه آورده بود. خان‌ها از هر حیث خود را از رعیت دور می‌کردند و طبقات غیر ممتاز را به حریم خودشان راه نمی‌دادند. رعیت هم حق نداشت خود را به آنان شبیه سازد و در شئون مختلف زندگی از آنان تقلید نماید. خان‌ها به گونه‌ای در این امر پافشاری می‌کردند که گاه داستان‌های مُضحکی روی می‌داد.

از جمله آن داستان‌ها این که نقل شده: در روستایی دهی به نام خوسف، یکی از خان‌ها بر حسب عادت، در نماز به جای سوره توحید (قل هو الله ...)، سوره قدر (انا انزلناه ...) را تلاوت می‌کرد. روزی یک فرد عادی، فارغ از قید خانی و غافل از عادت خان، پهلوی خان به نماز ایستاد و پس از قرائت سوره حمد، انا انزلناه را تلاوت کرد. خان چنان عصبانی شد که او را به باد دشنام و کتک گرفت و گفت: پدر



سوخته! خان "انا انزلنا"، تو هم "انا انزلنا"! تو همان "قل هو الله" آباء و اجدادی خودت را بخوان!

اقسام تکبر

به گفته بزرگان اخلاق، تکبر بر سه قسم است:

۱. تکبر گاهی در مقابل خداوند است، مانند تکبر ورزیدن شیطان در مقابل فرمان خداوند که فرمود بر آدم □ سجده کنید! و شیطان گفت: "لَمْ أَكُنْ لِسُجْدٍ لِّبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ؛ من هرگز برای بشری که از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است، آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد." و گفت: "أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل."^۳
و یا مانند تکبر فرعون که گفت: "أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى؛ من پروردگار برتر شما هستم."^۴ و نیز گفت: "مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي؛ من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم."^۵

۲. گاه تکبر در مقابل انبیا و پیامبران است، بدین صورت که خود را بالاتر از آن می‌دانند که از پیامبران الهی انقیاد و اطاعت کنند، مانند آنچه فرعونیان می‌گفتند: "أَنْ نُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا؛ آیا ما به دو انسان (موسی

۱. محمدحسین محمدی، هزار و یک حکایت اخلاقی، ص

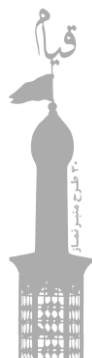
۲. حجر: ۳

۳. اعراف: ۲

۴. نازعات: ۴

۵. قصص: ۸

۶ ۱۰





و هارون) که همانند خودمان هستند، ایمان بیاوریم! ^۱.
و یا قوم نوح □ که به یکدیگر می گفتند: "وَلَيْنَ أُطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ؛ و اگر از بشری همانند خودتان (نوح □) اطاعت کنید، به یقین زیانکارید." ^۲ و می گفتند: "إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا؛ نیستید شما مگر بشری مانند ما." ^۳

۳. گاه تکبر در برابر بندگان دیگر خداست که برخی افراد به بهانه‌های مختلفی همچون مال و ثروت، حسب و نسب خانوادگی، موقعیت و مقام اجتماعی، مدرک و تخصص و... خود را برتر از دیگران پنداشته و در گفتار و رفتار خود، بر دیگران تکبر می‌ورزند.

راهکارهای تکبرزدا

۱. آشنایی با برکات تواضع و فروتنی
امام صادق □ فرمود: "مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ شَرَّفَهُ اللَّهُ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ... وَ لَيْسَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ يَقْبَلُهَا وَ يَرْضَاهَا إِلَّا وَ بَابَهَا التَّوَاضُّعُ؛ و هر کسی برای خدا تواضع کند، خداوند او را بر بسیاری از بندگان شرافت می‌بخشد... و هیچ عبادتی برای خدا مورد رضا و قبول نخواهد بود، مگر اینکه باب آن تواضع است." ^۴

۱. مؤمنون: ۷ ۴.

۲. همان: ۴ ۳.

۳. ابراهیم: ۰ ۱.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱ ۲ ۱.

علی □ فرمود: "بِالتَّوَّاضُعِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ؛ تواضع انسان را بالا می‌برد".^۱ و پیامبر اکرم □ فرمود: "به‌راستی فروتنی باعث بالا رفتن صاحبش می‌شود. پس فروتنی کنید که خداوند شما را بالا برد".^۲

۲. عبرت‌آموزی از عاقبت شوم متکبران

یکی از سنت‌های حتمی پروردگار متعال است که افراد متکبر، دیر یا زود خوار و ذلیل شده، جزای تکبر و غرور نابه‌جای خود را مشاهده خواهند نمود. تاریخ نیز گواه روشنی بر این مدعاست. پیامبر اکرم □ فرمود: "مَنْ يَسْتَكْبِرْ يَضَعُهُ اللَّهُ؛ کسی که تکبر ورزد، خداوند او را ضایع می‌کند".^۳

عاقبت رضاخان

یکی از افرادی که بررسی زندگی‌نامه و عاقبت او درس‌آموز و عبرت‌انگیز است، رضاخان است. او که به قلدری شهرت داشت، خود را اُعلی‌حضرت و در ردیف خدا می‌دید و همین روحیه باعث انجام خیانت‌های متعددی در حق دین و دنیای مردم ایران شد که صفحات تاریخ آن را بیان کرده است.

از نکات قابل تأمل و عجیب زندگی او این است که نقل شده رضاخان در زندگی از دو چیز متنفر بود: سیاه‌پوستان و غارغار کلاغ.



۱.	علی بن محمد الیثی، عیون الحکم، ص ۸	۷
۲.	شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱	۱
۳.	شیخ صدوق، امالی، ص ۵	۹



در اواخر عمر، او را به ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی تبعید کردند و در باغ بزرگی که درخت‌های بسیار بلند با دیوارهای مرتفع و محصور داشت، او را تحت نظر قرار دادند. چند خادم سیاه‌پوست هم به او دادند. او در آنجا شب و روز با غارغار کلاغ‌ها و با آن سیاهان آفریقایی سر و کار داشت.

گاهی به خود اشاره می‌کرد و می‌گفت: منم اعلیٰ حضرت قدر قدرت، قوی شوکت... بعد خودش به دنبال این گفتار چند بار می‌گفت: هی زگی!

ای دل از پست و بلند روزگار اندیشه کن در برومندی ز رعد و برق و باد اندیشه کن از نسیمی دفتر ایام بر هم می‌خورد از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن

۳. آشنایی با عواقب تکبر

پرتگاه بی‌ایمانی؛ قرآن کریم درباره پیامد تکبر شیطان می‌فرماید: "فَسَجِدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ" پس همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید [و به خاطر نافرمانی و تکبرش] از کافران شد.^۲

از امام صادق □ درباره کمترین درجه "الحاد" سؤال شد، حضرت فرمود: "إِنَّ الْكِبْرَ أَدْنَاهُ؛ کمترین درجه کفر و الحاد، تکبر است."^۳ و در

۱. محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ص ۲

۲. بقره: ۴

۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹



حدیثی دیگر از آن حضرت، تکبر به عنوان یکی از پایه‌های سه‌گانه کفر یاد شده است: "أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ؛ ریشه و اساس کفر سه چیز است: حرص، تکبر و حسد".^۱

انزوای خانوادگی و اجتماعی؛ امام صادق □ می‌فرماید: "أَمَقَّتْ النَّاسِ الْأَمْتَكِبَرُ؛ منفورترین مردم، متکبر است".^۲

رسول اکرم □: "کسی که برای خدا فروتنی کند، خدا او را بالا می‌برد. پس او در نزد خویش ناتوان و ناچیز است، ولی در دید مردم بزرگ جلوه می‌کند. و کسی که تکبر ورزد، خدا او را پایین می‌آورد. پس او در چشم مردم کوچک است و در نزد خود [به خیالش] بزرگ جلوه می‌کند".^۳

می‌گویند فرد ثروتمندی سوار بر اسب گران‌قیمتی شده و با تکبر از محله‌ای عبور می‌کرد. او از مقابل فرد ساده و ژنده‌پوشی گذشت و با فخر فروشی به او نگریست. مرد ژنده‌پوش دهانه اسب او را گرفت و گفت: اگر تکبر تو به خاطر حسب و نسب و پدران است، پس برتری از آن آنها می‌باشد، نه برای تو. اگر تکبرت به خاطر لباسی است که پوشیده‌ای، پس شرافتات برای لباس است، نه خودت. و اگر تکبر تو به دلیل مرکب گران‌قیمتی است که سوار شده‌ای، پس این فضیلت

۱. همان، ص ۹ ۸ ۲.
۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۹۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۳۱۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۳، ص ۵ ۵ ۲۶.
۳. متقی هندی، کنز العمال، ح ۷ ۳ ۷ ۵.



برای مرکبت می‌باشد. حال بگو خود چه داری که با آن فخرفروشی کنی؟!^۱

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس‌ای بنده افتادگی کن چو خاک
تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت
به عزت هر آن کو فروتر نشست به خواری نیفتد ز بالا و پست

ذلت دنیایی: قرآن کریم می‌فرماید: "قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ؛ خداوند به ابلیس گفت: از آن [مقام و مرتبه‌ات] فرود آی که تو حق نداری در آن [مقام و مرتبه] تکبر کنی! بیرون رو که تو از افراد پست و کوچکی!"^۲

امام علی نیز در این باره می‌فرماید: "مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ دَلٌّ؛ کسی که فخرفروشی کند، دلیل می‌شود."^۳

ذلت آخرتی: قرآن کریم جایگاه متکبران را دوزخ می‌داند: "قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ؛ به آنان گفته می‌شود: از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید! چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران!"^۴

تکبر، مایه کینه‌توزی: امام باقر : "إِيَّاكَ وَالْكِبْرَ فَإِنَّهُ دَاعِيَةُ الْمُقْتِ وَمِنْ بَابِهِ

۱. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ۱، ۷ ۷ ۳.
۲. اعراف: ۳ ۱.
۳. شیخ کلینی، کافی، ۸، ۱۹. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۸؛ محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۹ ۵ ۶ ۲.
۴. زمر: ۲ ۷: نحل: ۹ ۲.



تَدْخُلُ النَّقْمُ عَلَيَّ صَاحِبِهِ وَمَا أَقَلَّ مَقَامَهُ عِنْدَهُ وَأَسْرَعَ زَوَالَهُ عَنْهُ؛ از تکبر بپرهیز، به درستی که خودبزرگ‌بینی فراخواننده کینه است و از در آن، سختی‌ها به سوی فرد راه می‌یابد و چقدر مدتش کم و زوالش سریع خواهد بود.^۱

تنهایی: علی □ فرمود: "لَيْسَ لِمُتَكَبِّرٍ صَدِيقٌ؛ برای متکبر دوستی وجود ندارد."^۲

بدگویی مردم: علی □ فرمود: "هَرَّةُ الْكِبْرِ الْمَسْبُةُ؛ میوه درخت تکبر، بدگویی است."^۳

محرومیت از دانش‌افزایی: امام کاظم □ فرمود: "زراعت در زمین‌های نرم و هموار می‌روید و روی سنگ‌های سخت هرگز رویش ندارد. همین‌گونه دانش و حکمت در قلب انسان متواضع رویش دارد و در قلب متکبر جبار آباد نمی‌گردد؛ زیرا خداوند تواضع را وسیله عقل و تکبر را از ابزار جهل قرار داده است."^۴

از دست دادن فرصت‌ها: امیرمؤمنان □ در این باره می‌فرماید: "بِكَثْرَةِ التَّكْبَرِ يَكُونُ التَّلَفُ؛ فزونی تکبر مایه تلف [و از دست‌دادن امکانات و فرصت‌ها] است."^۵

-
۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۰۳.
 ۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ۳، ص ۲۶۵.
 ۳. علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم والمواعظ، ۲، ص ۹.
 ۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۶.
 ۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ۳، ص ۲۶۵.



۴. پناه بردن به نماز

بزرگان قبیله‌ای از قبایل عرب به پیغمبر اکرم □ گفتند: ما حاضریم اسلام بیاوریم و جان و مالمان را در اختیار شما قرار دهیم، به شرط اینکه سجده نماز را از ما بردارید! در شأن ما نیست که روی خاک بیفتیم. پیغمبر اکرم □ فرمودند: "لَا خَيْرَ فِي دِينِ لَيْسَ فِيهِ رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ؛ در دینی که رکوع و سجود ندارد، خیری نیست؛ اگر می‌خواهید اسلام را قبول کنید، باید سجده‌اش را هم قبول کنید!"^۱

یکی از اساسی‌ترین راهکارهای شکستن روحیه شیطانی تکبر و غرور، بهره‌مندی از نمازی است که باعث تلطیف روحیه آدمی و یادآوری حقارت و ذلت درونی انسان در پیشگاه پروردگار متعال است. اینکه انسان با نماز به خود یادآوری نماید که حتی اگر به بالاترین درجات دنیایی هم رسیده باشد، باز هم در مقابل عظمت خداوند، ذره‌ای ناچیز است و خداوند اگر اراده نماید، می‌تواند در چشم بر هم‌زدنی، همه دارایی‌ها را از او گرفته، از عزت به ذلت، و از دارایی به فقر و ناداری بیفتد. رسیدن به این حقیقت، در پرتو پذیرش خداوند متعال و خاکساری و فروتنی در پیشگاه الهی است که باعث تلطیف روحیه و کنارزدن پرده‌های نادانی و غرور می‌شود و باعث می‌گردد در مقابل خانواده و اجتماع نیز این روحیه خودپسندی را کنار نهد و به زیردستان خود ظلم و ستم ننماید.

حضرت صدیقه طاهره 3 نیز در خطبه معروف به "فدکيه"، بعد از آنکه

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار،

ص ۱۰۷،

۳

۵.

حمد و ثنای حضرت حق را به جای می آورد، به اهمیت و فلسفه نماز پرداخته و می فرماید: "فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ؛ خداوند متعال ایمان را وسیله پاکی شما از شرک و نماز را برای دوری از کبر و غرور شما قرار داده است".^۱





منبر هفتم: نماز؛ عامل تقویت صبر

راهبرد محتوایی

صبر و تحمل، کیمیایی ناب برای کسب زندگی آرام در ابعاد گوناگون آن است. برای به دست آوردن این گنج پرارزش و بهره‌مندی از ثمرات فراوان آن، تمسک به نماز و اقامه آن به نحو شایسته، برترین شیوه خواهد بود؛ همانگونه که معصومین □ چنین سیره‌ای داشتند.

حکم شرعی

بدن نمازگزار در هنگام نماز و همچنین هنگام خواندن حمد و سوره و دیگر ذکرهای واجب و مستحب، باید آرام و بدون حرکت باشد. اگر هم به‌طور ناخودآگاه حرکتی اتفاق افتاد، باید صبر نماید و دوباره در حال آرامش، آن ذکر را تکرار نماید.

روایت

پیامبر اعظم □: "لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي صَلَاةٍ مَا انْتَظَرَ الصَّلَاةَ؛ بنده مادام که منتظر

نماز است، در حال نماز است."^۱

مقدمه بحث (داستان)

نقل شده است: همسر یکی از حکیمان و فرزندگان با او سر ناسازگاری داشت و پیوسته به ناسزاگویی مشغول بود؛ ولی از طرف حکیم جوابی نمی‌شنید و او همچنان به مطالعه و کار خود مشغول بود.

یک روز آن زن همزمان با ناسزاگویی، مشغول شستن لباس بود، وقتی سکوت حکیم را دید، خشمش بیشتر شد و آب آلوده طشت را روی سر و صورت و کتاب حکیم پاشید، به گونه‌ای که سر و صورت او کاملاً خیس شد.

آن مرد حکیم در این هنگام سر از کتاب برداشت و به زن گفت: تا به حال مثل ابر، رعد و برق داشتی، اکنون باران فرستادی!^۲

مختصری از فضایل صبر (آیات و روایات)

صبر یکی از زیباترین و مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی انسان است. واژه "صبر" از لغاتی است که حدود هفتاد بار در قرآن به کار رفته است. قرآن، صبر را از صفات انبیا می‌داند و می‌فرماید: "اسماعیل، ادريس و ذوالکفل همه از صابران بودند."^۳



۱. نهج الفصاحه، ۲۷، ۵، حدیث ۸
۲. درسهایی از تاریخ، ص ۱
۳. انبیاء: ۵، ۸



در قرآن مجید، صابران در زمره دوستان و محبوبان خدا یاد شده‌اند و خداوند، همراه آنهاست: "وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ"^۱ "وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ"^۲.

یکی از وصایای لقمان حکیم به فرزندش رعایت صبر است: "يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ پسر من! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این (صبر) از کارهای مهم است"^۳.

در روایات فراوانی نیز پیرامون صبر سخن گفته شده که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

امام علی \square می‌فرماید: "الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ مَمْنُونَةُ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ وَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرَ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ؛ نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛ همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می‌گردند"^۴. پیامبر اعظم \square نیز در بیان نشانه‌ها و علائم افراد صبور فرمودند: "عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوْلَاهَا أَنْ لَا يَكْسِلَ وَالثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجُرَ وَالثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ إِذَا كَسَلَ صَبَعَ الْحَقُّ وَإِذَا ضَجَرَ لَمْ يُوَدِّ الشُّكْرَ وَإِذَا شَكِيَ

۱. آل عمران: ۶
۲. انفال: ۴
۳. لقمان: ۷
۴. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۰، ۹.



مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ؛ نشانه صابر سه چیز است: اول آنکه کسل و تنبل [و بی حال و سست] نشود، دوم آنکه بی تابی نکند، و سوم آنکه به درگاه خداوند شکوه ننماید. زیرا اگر سست و بی حال شود، حق را ضایع می کند و چون بی حوصله شود، شکر به جا نمی آورد و آنگاه که لب به شکوائیه از خدایش گشاید، از امرحق سرپیچی می کند.^۱

روی خود گر ترش سازی از بلا خویش را از صابران کردی جدا
در بلا وقتی که صابر نیستی نزد اهل صدق شاکر نیستی
بی شکایت صبر تو باشد جمیل با کسی کم کن شکایت ای خلیل!

امام علی □ در سخن دیگری فرمودند: "الصَّبْرُ أَنْ يَحْتَمِلَ الرَّجُلُ مَا يَنْوِبُهُ وَيَكْظِمُ مَا يُغْضِبُهُ؛ صبر آن است که انسان، گرفتاری و مصیبتی را که به او می رسد، تحمل کند و خشم خود را فرو خورد".^۲

امام کاظم □: "اصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَاصْبِرْ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ؛ فَإِمَّا الدُّنْيَا سَاعَةً، فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُورًا وَلَا حُزْنَ، وَ مَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ، فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ؛ بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش؛ زیرا دنیا لحظه ای بیش نیست. آنچه گذشته، جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری. پس لحظه ای را که در آن به سر می بری، صبور باش، چنان که گویی خوشبخت و خوشحالی".^۳

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱، ص ۶

۲. علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۶

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷۵، ۱

۱، ۳، ح ۱

۳

۲

۵

۱



رسول اعظم □: "إِنَّ الْمَعُونَةَ تَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤَوَّنَةِ وَإِنَّ الصَّبْرَ يَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ؛ بهراستی که کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می‌رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه گرفتاری می‌آید."^۱

امام علی □: "إِنَّكَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَأَنْتَ مَا جُورُ، وَإِنْ جَزَعْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَأَنْتَ مَا زُورُ؛ اگر صبر کنی مقدرات الهی بر تو جاری می‌شود و اجر خواهی بُرد و اگر بی‌تابی کنی، باز هم مقدرات خداوند بر تو جاری می‌شود و گناهکار خواهی بود."^۲

انواع صبر

بنا بر روایات نقل شده از پیامبر اکرم □، صبر دارای سه گونه است؛^۳

اول: "صبر بر مصائب"؛ یعنی شکیبایی انسان در برابر حوادث تلخ و ناگوار مثل خسارات مالی، مرگ عزیزان، بیماری و... . قرآن کریم از آن این گونه یاد کرده است: "وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ"^۴

دوم: "صبر بر طاعت"؛ یعنی انجام تکالیف و واجباتی که خدای

۱. متقی هندی، متقی هندی، کنز العمال، ۶، ۴۷، ۳.
۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ۲، ص ۱، ۳، ۴.
۳. قال رسول الله □: "الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمُعْصِيَةِ؛ صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترك گناه". شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱، ۹، ح ۵، ۱.
۴. بقره: ۶، ۵، ۱.



متعال بر عهده بندگان قرار داده است. این تکالیف گاه با دشواری‌هایی همراه است، لذا ممکن است انسان در انجام آن کوتاهی کرده و آن را ترک کند. مانند روزه‌داری در گرمای تابستان و همراه با کار و تلاش روزانه یا مانند پرداخت واجبات مالی همانند خمس و زکات یا مثل بیدارشدن از خواب برای اقامه نماز صبح و مانند آن. از این رو قرآن کریم انسان‌ها را به صبر بر امتثال وظایف دینی توصیه کرده است و می‌فرماید: "رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ".
سوم: سومین مرتبه "صبر در معصیت" است؛ یعنی هنگامی که موقعیت گناه برای انسان فراهم است، به خاطر جلب رضای الهی، در برابر خواسته‌های دل ایستادگی نماید و خود را از آلودگی به گناه و معصیت دور نگاه دارد.

نماز؛ عامل صبر

در هنگام بحران‌ها و حوادث سخت زندگی، نماز و عبادت خالصانه، بهترین پشتیبان و پناهگاه تمام انسان‌های پاک و انبیای بزرگ الهی در طول تاریخ بوده است. خداوند متعال در قرآن کریم، نماز را پناهگاه اهل ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: "وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ از صبر و نماز (در حوادث سخت و کارهای مهم) یاری جویند (و از دریای بیکران قدرت الهی نیرو بگیرند) و این کار، جز برای خاشعان، گران است"^۱ و در آیه دیگری می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ای اهل ایمان! از صبر و نماز کمک بگیرید! مطمئناً خداوند با صابران است." □

امام صادق □ در تفسیر آیات فوق فرمود: "هنگامی که با غمی از غم‌های دنیا روبه‌رو شوید، وضو بگیرید و به مسجد رفته، نماز بخوانید و از خدا دفع آن اندوه را بخواهید؛ زیرا خداوند فرموده است: "اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ"^۱.

کلمه "استعانت" به معنای طلب کمک است، از آنجایی که در حقیقت یآوری به جز خدای سبحان وجود ندارد، پس مهم‌ترین نیرویی که می‌تواند انسان را در امور و حوادث مهم یاری کند؛ مقاومت، خویشتن‌داری، استقامت و ارتباط بنده با خداوند است که در صبر و نماز تجلی می‌یابد. اینکه در آیات نورانی قرآنی کریم به مؤمنین سفارش شده است در مشکلات و سختی‌ها از صبر و نماز یاری بجوئید، حکایت از آن دارد که صبر، هر بلا یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال به خدا، و التجا به اوست، روح ایمان را زنده می‌سازد و به انسان یادآوری می‌کند که تکیه‌گاهی استوار را برگزیده و به ریسمانی ناگسستنی اتصال یافته است.

در نمازهای روزانه نیز بارها این آیه را تکرار کرده و یادآور می‌شویم که معبود و کمک‌رسانی جز خداوند نیست: "ایاک نعبد و ایاک نستعین".
علامه طباطبایی □ درباره راز این دستور می‌فرماید: "چون انسان

۱. بقره: ۳ ۵ ۱.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه.

به تنهایی نمی‌تواند گرفتاری‌های مهم خود را برطرف سازد، و یآوری حقیقی به جز خدای سبحان در این عالم نیست، مقاومت و خویشتن‌داری به همراه ارتباط صمیمی با خدا، بهترین راه حل مشکل است و این همان صبر و نماز است.^۱

نگاهی به سیره پیامبر، ائمه □ و بزرگان

هرگاه پیامبر اکرم □ با مشکلی روبه‌رو می‌شدند که باعث اندوه ایشان می‌شد، از نماز و روزه مدد می‌گرفتند. در آیات قرآن بارها به این شاخصه حضرت اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: "إِنَّا سَأَلْنَا عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا * إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا * وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا؛ در حقیقت ما به تو گفتاری گران‌بها القا می‌کنیم. مسلماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و بااستقامت‌تر است و تو در روز، تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل بند."^۲

امام ششم، حضرت صادق □ فرمود: "هنگامی که برای حضرت علی □ مشکل مهمی پیش می‌آمد، به نماز برمی‌خاست، سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود: "اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ".^۳

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲ ۵ ۱.

۲. نک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱، ۵۸؛ شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۱، ۹۴؛

علامه طباطبایی، سنن النبی، ۱، ۳۲؛ شیخ کلینی، کافی، ۳، ۸۰، ح ۳.

۳. مزمل: ۵ - ۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۲۰. هنگام خاکسپاری





به همین جهت بود که پس از شهادت حضرت فاطمه 3 و لحظات خاکسپاری بدن دختر پیامبر □ که بر حضرت امیر □ بسیار سخت و دشوار بود، آن حضرت از نماز مدد گرفت. ابن عباس گوید: چون شب فرا رسید، حضرت علی □ پیکر مقدس حضرت فاطمه 3 را غسل داد و در میان تابوت نهاد و به امام حسن □ فرمود: ابوذر را بیاور! هنگامی که ابوذر آمد، بدن مبارک آن بانوی مظلومه را به محل نماز آوردند و بر آن نماز خواندند. "فَصَلِّ عَلَيْهَا ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَى هَذِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ أُخْرِجْتَهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ پس از نماز میت، حضرت علی □ دو رکعت نماز خواند و سپس دست‌های مبارک خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! این جنازه دختر پیغمبر توست که او را از دنیای ظلمانی به طرف نور بردی...".^۱

در سخنی دیگر، امام صادق □ چنین سفارش می‌فرمود: "هنگامی که اندوهی از اندوه‌های این جهان بر دل شما نشست، وضو بسازید و به مسجد بروید و در آنجا دو رکعت نماز بخوانید و از خدای گره‌گشا بخواهید که گرفتاری و اندوه شما را برطرف سازد. مگر نشنیده‌اید که

...→

حضرت علی □، امام مجتبی و امام حسین □ از نماز مدد گرفتند و هر کدام در کنار قبر آن حضرت دو رکعت نماز خواندند. (شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۳). همچنین اباعبدالله الحسین □ در شب و روز و ظهر عاشورا از نماز مدد گرفت و حضرت زینب کبری □ هم در شب عاشورا و در شب یازدهم محرم و در راه شام، از نماز یاری جست.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۴۳، ص ۵ ۱ ۲.

خدا فرمود: "از شکیبایی و نماز یاری بجویید؟"^۱

سیره بزرگان

کسانی که در سایه ایمان و با استعانت از نماز صبور و مقاوم شدند، در هنگامه مشکلات و میدان عمل نیز این اثرگذاری نماز و ارتباط خالصانه و حقیقی با خداوند متعال را به منصفه ظهور رساندند و به همگان ثابت کردند که اگر کسی به معنای واقعی کلمه با خدا در ارتباط باشد و نماز کامل و بی نقص اقامه کند، قطعاً در مشکلات نیز مقاوم خواهد بود.

امام خمینی ۱؛ الگوی بردباری

"... صبر و حلم امام در برخورد با مشکلات و مسائل شهره آفاق است. به عنوان نمونه می توان صبر ایشان در شهادت آقا مصطفی □ را مثال زد که ثمره عمری تهجد و تهذیب ایشان می باشد و خود، استوانه ای از علم و معرفت به شمار می رفته است. ایشان با شنیدن خبر شهادت آقا مصطفی □ خم به ابرو نمی آورد و حتی درس خود را هم تعطیل نمی کند."^۲

صبر کاشف الغطا در نماز

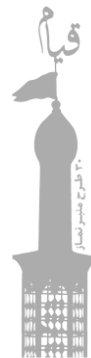
روزی شیخ جعفر کاشف الغطا (یکی از علمای بزرگ شیعه)، مبلغی پول



۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۸، ص ۹
۲. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، ص ۱

۳. ۸

۱.



که از وجوهات شرعی نزد او بود، بین فقرای اصفهان تقسیم کرد و سپس به نماز جماعت ایستاد. بین دو نماز که مردم مشغول خواندن تعقیبات بودند، سید فقیری آمد و خود را به شیخ جعفر رسانید و گفت: ای شیخ! مال جدم (خمس) را به من بده!

شیخ جعفر گفت: کمی دیر آمدی، متأسفانه چیزی باقی نمانده است. آن سید باکمال جسارت و بی ادبی آب دهان خود را به ریش او انداخت.

شیخ جعفر نه تنها هیچ گونه عکس العمل خشونت آمیزی از خود نشان نداد، بلکه برخاست و در حالی که دامن لباس خود را به دست گرفته بود، میان صفوف نمازگزاران گردش کرد و گفت: هر کس ریش شیخ را دوست دارد، به این سید کمک کند.

مردم که ناظر این صحنه بودند، اطاعت کردند و لباس شیخ را پر از پول کردند. شیخ هم همه پول ها را به آن سید تقدیم کرد و آن گاه به نماز عصر ایستاد.^۱

خواجه نصیر

در حالات خواجه نصیر الدین طوسی آورده اند که وقتی شخصی به خدمت خواجه آمد و نوشته ای از دیگری تقدیم وی کرد که در آن نوشته به خواجه بسیار ناسزا گفته و دشنام داده شده و نویسنده نامه، خواجه را کلب بن کلب خوانده بود، خواجه در برابر ناسزاهای وی، با

۳.

۳

۸

۱. رضا مختاری، سیمای فرزندانگان، ج ۳، ص



زبان ملاطفت‌آمیزی این‌گونه پاسخ گفت: اینکه او مرا سگ خوانده است، درست نیست؛ زیرا که سگ از جمله چهارپایان و عوعو کننده و پوستش پوشیده از پشم است و ناخن‌های دراز دارد. این خصوصیات در من نیست؛ قامت من راست است و تنم به پشم [پوشیده نیست] و ناخنم پهن است و ناطق و خندانم و فصول و خواصی که مراست، غیر از فصول و خواص سگ است و آنچه در من است، متناقض است با آنچه صاحب‌نامه درباره من گفته است. و بدین‌گونه او را پاسخ گفت، با این زبان نرم، بی‌آنکه کلمه درشتی بر زبان راند یا فرستاده او را برنجاند.^۱

رمز و راز این صبوری نیز همان است که امام علی \square فرمود: "کسی که از خدا بترسد، در هنگام خشم انتقام نمی‌گیرد".^۲
حسن ختام بحث با دعای امام سجّاد \square : "اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... صَعْفِ الصَّيْرِ...؛ خداوندا! به تو پناه می‌برم از ضعیف بودن صبر و شکیبایی".^۳

۱. محمد رضا حکیمی، بیدارگران اقالیم قبله، ص ۲۱۸؛ شیخ عباس قمی، فوائد الرضویه، ص ۶۰۹.
۲. من خاف الله لم يشف غيظه. (علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم و المواعظ، ۳ ۴ ۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ۶ ۱، ص ۴ ۶ ۲).
۳. صحیفه سجّادیه، دعای ۸.



منبر هشتم: برکات نماز اول وقت

راهبرد محتوایی

بزرگان و پیشوایان دین، بر اقامه نماز در اول وقت آن تأکید ویژه داشته و انسان را به بهره‌مندی از آثار و برکات فراوان مادی و معنوی آن ترغیب می‌نمودند. این ترغیب و تشویق، با آگاهی و شناخت بهتر از چگونگی و شرایط و آثار آن میسر خواهد شد که در این نوشتار بدان پرداخته شده است.

حکم شرعی

یکی از واجبات نماز که رکن هم محسوب می‌شود، نیت است. معنای نیت، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است. لازم نیست انسان نیت را در دل خود بگذراند یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم **قربۃ** الی الله. همین که نمازگزار بداند چه نمازی می‌خواند، کافی است.

روایت

رسول اکرم □: "لِلْمُصَلِّي حَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدَىٰ وَإِيمَانٌ وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ وَبَرَكَهٌ فِي الرَّزْقِ؛ برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است."^۱

مقدمه بحث

جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت: سه قفل در زندگی ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم.

قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم؛

قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد؛

و قفل سوم اینکه دوست دارم عاقبت به‌خیر شوم.

شیخ بزرگوار فرمود:

برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان.

برای قفل دوم، نمازت را اول وقت بخوان.

و برای قفل سوم هم، نمازت را اول وقت بخوان.

جوآن عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟!

شیخ نخودکی فرمود: نماز اول وقت، شاه‌کلید است.^۲



۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲ ۲ ۲

۲. علی میرخلف زاده، داستان‌هایی از نماز اول وقت، ص ۱ ۱۲



اهمیت نماز اول وقت

یکی از اسرار مهم نماز، توجه و اهمیت دادن به نماز اول وقت است که در روایات هیچ عملی مقدم بر آن دانسته نشده است.

قرآن کریم بر محافظت از اوقات نماز تأکید کرده و این محافظت از نماز را از اوصاف مؤمنان شمرده و می‌فرماید: "وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ"^۱.

در طرف مقابل، بی‌اعتنایی به نماز اول وقت و عدم رعایت اوقات نماز، مورد نکوهش قرآن کریم قرار گرفته است: "قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ پس وای بر آن نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگارند"^۲.

این سهل‌انگاری، در روایات به سبک‌شمردن و اهمیت‌ندادن به اوقات نماز تفسیر شده است، چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَشْعَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ دَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: "الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ" يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا؛ هیچ عملی در نزد خداوند، محبوب‌تر از نماز نیست. پس نباید هیچ کار دنیایی شما را از اوقات نماز مشغول کند، خداوند در آیه: "الذین هم عن صلاتهم ساهون"، گروهی از مردم را سرزنش کرده است، چون آنان به وقت نماز اهمیتی نمی‌دهند"^۳.

۱. مؤمنون: ۹.

۲. ماعون: ۴ و ۵.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ۲۱، ۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۸۰، ۳، ۱.



امیرمؤمنان □ در نامه‌ای که به محمد بن ابوبکر نوشته‌اند، چنین فرموده‌اند: "ارْتَقِبْ وَقْتَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا لَوْ قَتِيهَا وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْهُ لِشُغْلٍ مُنْتَظَرٍ وَقْتُ نَمَازٍ بَاشْ وَ نَمَازٌ رَا دِرْ وَقْتِشْ بَگِذَارْ وَ قَبْلَ از وَقْتِ نَمَازِ، بَرَايِ نَمَازِ عَجَلِهْ وَ شَتَابِ نَکْنِ وَ اَن رَا از وَقْتِشْ بَه خَاطِرِ کَارِ وَ شَغْلَتِ بَه تَاخِيرِ نَبِنْدَاز".^۱

سیره معصومین □ و علما

امام علی □ درباره روش پیامبر اسلام □ می‌فرمایند: "كَانَ رَسُولُ اللَّهِ □ لَا يُؤَثِّرُ عَلَى الصَّلَاةِ عِشَاءً وَ لَا غَيْرَهُ وَ كَانَ اِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا كَانَهُ لَا يَعْرِفُ اَهْلًا وَ لَا حَمِيمًا؛ رَسُولِ اَكْرَمِ □ چِيزِي مِثْلِ شَامِ وَ غَيْرِ اَن رَا بَرِ نَمَازِ مَقْدَمِ نَمِي دَاشْتَنْدِ وَ هَنْگَامِي كِه وَقْتِ نَمَازِ مِي رَسِيْدِ، گوِيِي كِه هِيْجِ يَكِ از اهل خانه و دوستان را نمی‌شناختند".^۲

روش بزرگان و امامان معصوم □ نیز بر اقامه نماز در اول وقت و سفارش دیگران به انجام آن بوده است. این دقت و توجه تا بدان جا بود که امام رضا □ زمانی که در یکی از مجالس مناظره با "عمران صابی" که از دانشمندان برجسته بود، مشغول بحث درباره توحید بودند و او هر سؤالی که مطرح می‌کرد، امام با استدلال محکم جواب او را می‌داد و بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود، وقتی هنگام نماز ظهر شد، امام رضا □ به مأمون فرمود: "الصلاة قد حَضَرَتْ؛ وقت نماز فرا رسید".

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴، ص

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۲، ۶ ۱ ۶ ۲.



عمران صابی گفت: "یا سیدی لا تقطع علی مسألتی فقد رُق قلبی؛ ای آقای من! دنباله بحث و بررسی و پاسخ به سؤال مرا قطع نکن [بنشین بعد از پایان بحث، برای نماز برو]، همانا دلم نرم شده [نزدیک است که اسلام را بپذیرم]."

امام رضا تحت تأثیر احساسات عمران صابی قرار نگرفت و نماز اول وقت را فدای بحث و بررسی نکرد و باکمال قاطعیت فرمود: "نُصَلِّ وَ نَعُودُ؛ نماز می‌خوانیم و باز می‌گردیم". امام، با همراهان برخاستند و نماز خواندند. پس از نماز به همان مجلس بازگشته و به بحث و بررسی ادامه دادند.^۱

روز عاشورا

در اهمیت نماز اول وقت همین بس که در گرماگرم حادثه عاشورا، زیباترین صحنه اقامه نماز اول وقت به نمایش درآمد. آن هنگام که "ابو ثمامه" به امام عرض کرد: دوست دارم نمازی را که وقتش نزدیک است بخوانم، سپس به لقاء پروردگار برسم.

امام سر به سوی آسمان برافراشت و فرمود: "ذکرت الصلاة جعلك الله من المصلین الذاکرین! نعم هذا اول وقتها. ثم قال: سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلي؛ یاد از نماز کردی، خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد! آری اول وقت نماز است! سپس فرمود: از دشمن بخواهید دست نگهدارند تا نماز بخوانیم".^۲

۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، ۱، ص ۲

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱

۱. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، ۱، ص ۲

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱

امام خمینی □

مرحوم حاج احمد آقا □، یادگار گرامی حضرت امام □، می‌گوید: روزی که شاه فرار کرد، ما در پاریس در نوفل لوشاتو بودیم، پلیس فرانسه خیابان اصلی نوفل لوشاتو را بست، تمام خبرنگاران کشورهای مختلف آنجا بودند.

خبرنگاران خارجی از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا، و شاید ۱۵۰ دوربین فقط صحبت امام را مستقیم پخش می‌کردند.

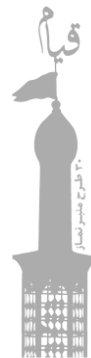
برای اینکه خبر بزرگ‌ترین حادثه سال را مخابره می‌کنند، شاه رفته بود و می‌خواستند ببینند که امام چه تصمیمی دارند، امام بر روی صندلی ایستاده بودند. در کنار خیابان، تمام دوربین‌ها بر روی امام زوم (متمرکز) شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند و مسائل خودشان را گفتند. من کنار امام ایستاده بودم. یک مرتبه برگشتند و گفتند: "احمد ظهر شده؟" گفتم: بله، الان ظهر است. بی‌درنگ امام گفتند: "والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته".

شما ببینید در چه لحظه‌ای امام صحبت‌هایشان را رها کردند، برای اینکه نمازشان را اول وقت بخوانند، یعنی جایی که تلویزیون‌های سراسری که هر کدام میلیون‌ها آدم بیننده دارد C.N.N بود، B.B.C بود، تمام تلویزیون‌ها چه در آمریکا و چه در اروپا بودند. خبرگزاری‌ها همه بودند؛ آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر و تمام خبرنگاران روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، در چنین موقعیت حساسی، امام حرفشان را قطع کردند و رفتند سراغ نماز.^۱



۱۰۱

منبر هشتم: برکات نماز اول وقت



ابتکار شهید رجایی

نقل شده که "شهید رجایی" عادتش این بود که در هر شرایطی، نمازهای واجبش را سر وقت آن برپا می‌داشت. یکبار شهید رجایی، در حال پرسش و پاسخ با مسئولان بود که صدای اذان بلند شد. شهید رجایی خطاب به حضار و آن جمع گفت: اگر خبر داده باشند برای مدت بیست دقیقه ضرورت دارد ارتباط تلفنی با مرکزی برقرار کنم، آیا اجازه هست که همین‌جا صحبت را متوقف و ادامه آن را به بعد از تلفن موکول کنیم؟

حاضران که از پیشنهاد غیرمنتظره شهید رجایی غافل‌گیر و شگفت‌زده شده بودند، گفتند: اختیار دارید. بله قربان!

او گفت: هم‌اکنون دستگاه بی‌سیم الهی (اذان) خبر از انجام فریضه‌ی ظهر داده است. ما فعلاً وظیفه داریم با اقامه نماز، این ارتباط را برقرار کنیم. لحظه‌ای بعد شهید رجایی در برابر نگاه ناباورانه حضار، با جمعی به نماز ایستاد و این تکلیف الهی را سر وقت انجام داد.^۱

عاشقان روی او را خانه و کاشانه نیست مرغ بال و پر شکسته فکر باغ و لانه نیست
گر اسیر روی اوئی، نیست شو، پروانه شو پای‌بند ملک هستی در خور پروانه نیست^۲

۱. گلبرگ، شهریو

۳

۱۳۸، شماره

۴

۵

۲. امام خمینی:.

برگی از برکات نماز اول وقت

مقید بودن به نماز اول وقت، آثار و برکات فراوانی برای انسان به ارمغان خواهد آورد که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم.

۱. خشنودی خداوند

پیامبر می‌فرمودند: "أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ؛ نماز اول وقت باعث خشنودی خداوند است."^۱

۲. به دست آوردن برترین چیز

امام صادق تأکید فرمودند: "فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا؛ برتری نماز اول وقت بر نماز آخر وقت مانند برتری آخرت است بر دنیا."^۲

۳. دور شدن شیطان

پیامبر اکرم فرمودند: "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ؛ تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگذارد، شیطان از او ترسان و گریزان است و چون نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می‌یابد و او را در گناهان بزرگ می‌کشاند."^۳



۱۰۴

مِنْبَرُ هَشْتَمْتُمْ: برکات نماز اول وقت

۱. محمدبن احمد انصاری قرطبی، تفسیر قرطبی، ۲، ۶۵؛ ۱؛ متقی هندی، کنز العمال، ۷،

۱۴، ۴، ج ۶، ۷، ۵، ۹، ۱.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵، ۷، ۲.

۳. همان، ص ۹، ۶، ۲.

۴. رفع غم و اندوه

پیامبر اعظم □: " ما من عَبدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ المَوْتِ، وَ انْقِطَاعَ الهمومِ وَ الأَحْزَانِ، وَ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ؛ هَيْجَ بِنْدِهِ أَيْ نِيست که به اوقات نماز و مواضع خورشید اهتمام ورزد، مگر اینکه آسودگی هنگام مُردن، و از بین رفتن غم و اندوه‌ها، و نجات از آتش را برایش ضمانت کنم."^۱

۵. مشمول دعای خیر نماز/ نماز، دعاگوی انسان

امام صادق □: " اِنَّ العَبْدَ اِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ لِوَقْتِهَا، وَ حَاقَطَ عَلَيْهَا ارْتَفَعَتْ بَيَاضَ نَقِيَّةٍ، تَقُولُ: حَفَظْتَنِي حَفَظَكَ اللهُ، وَ اِذَا لَمْ يُصَلِّهَا لِوَقْتِهَا، وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا رَجَعَتْ عَلَيْهِ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةٍ، تَقُولُ: صَدَّعْتَنِي صَدَّعَكَ اللهُ؛ هر که نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند، فرشته آن را پاک و درخشان به آسمان رساند و آن نماز فریاد زند: خدا تو را حفظ کند، چنان که حفظم کردی و تو را به خدا سپارم چنان که مرا به فرشته‌ای کریم سپردی. و هر که بدون عذر بعد از وقتش، آن را بدون دقت و ارتباط معنوی لازم بخواند، فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد: خدا ضایعت کند، چنان که ضایعم کردی و رعایتت نکند، چنان که رعایتم نکردی."^۲



۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۰، ص ۸، ص ۹.
۲. شیخ کلینی، کافی، ۳، ص ۲۶۸؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴، ص ۱۰۸.



۶. معیار انتخاب دوست

امام صادق ع فرمود: "اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ يَخْصَلْتَنِي فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَإِلَّا فَأَعَزُّبْ ثُمَّ اعَزَّبْ ثُمَّ اعَزَّبْ مُحَافِظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ؛ برادران دینی خود را با دو خصلت بسنجید! اگر این دو علامت در آنها بود، با آنان همراهی کنید وگرنه هر چه می‌توانید، از آنان فاصله بگیرید! [آن دو نشانه عبارت است از: ۱. محافظت بر نماز در وقت فضیلت آن؛ ۲. نیکی به برادران دینی در سختی و راحتی]"^۱.

۷. شناسایی اهل ایمان

امام صادق ع: "يُعْرَفُ مَنْ يَصِفُ الْحَقَّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: يُنْظَرُ إِلَى أَصْحَابِهِ مَنْ هُمْ؟ وَإِلَى صَلَاتِهِ كَيْفَ هِيَ؟ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ يُصَلِّيهَا؟؛ کسی که از حق دم می‌زند با سه ویژگی شناخته می‌شود: ببینید دوستانش چه کسانی هستند؟ نمازش چگونه است؟ و در چه وقت آن را می‌خواند؟"^۲.

۸. برکت یافتن زندگی

رسول اکرم ص: "لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدَى وَ إِيْمَانٌ وَ نُورٌ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ؛ برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است"^۳.

و فرمود: "ثَلَاثٌ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِنَّ مَا أُخِذْنَ إِلَّا بِسَهْمَةٍ حَرِصًا عَلَى مَا فِيهِنَّ

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۲

۳. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲

مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَةِ: اَلْتَّذِيْنُ بِالصَّلَاةِ وَ التَّهَجِيْرُ بِالْجَمَاعَاتِ وَ الصَّلَاةُ فِي اَوَّلِ الصُّفُوْفِ؛
سه چیز است که اگر مردم آثار آن را می‌دانستند، به جهت حریص بودن
به خیر و برکتی که در آنها هست، به قرعه متوسل می‌شدند: اذان نماز،
شتاب برای شرکت در نماز جماعت و نماز در صف اول".^۱





منبر نهم: نماز همراه با حضور قلب

راهبرد محتوایی

یکی از نکات پراهمیت نماز، آمادگی روحی و قلبی برای اقامه نماز است. در روایات نیز مقدار قبولی نماز به مقدار آمادگی و همراهی قلب نمازگزار مشروط شده است. در این نوشتار به برخی از عوامل نداشتن حضور قلب و نیز راه‌های تحصیل آن، اشاره شده است.

حکم شرعی

لباس نمازگزار چند شرط دارد از جمله اینکه: پاک باشد (یعنی نجس نباشد)؛ مباح باشد (یعنی غصبی نباشد)؛ برای مردان از جنس طلا یا ابریشم خالص نباشد؛ از اجزاء مردار (حیوان مرده) نباشد؛ از حیوان حرام گوشت نباشد.

روایت

امام صادق □: "مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ؛ هر کس دو رکعت نماز بگزارد و بداند که چه می گوید، نماز را به پایان می برد، در حالی که بین او و خداوند گناهی باقی نمانده است."^۱

مقدمه

روزی جناب سیدهاشم - امام جماعت مسجد سردزک - پس از نماز درباره حضور قلب در نماز و اهمیت آن مطالبی بیان کرد. از جمله صحبت های او این بود که گفت: روزی در این مسجد، پدرم می خواست نماز جماعت بخواند. من هم جزو حاضران بودم که ناگاه مردی در هیئت و شکل افراد دهاتی وارد شد و از صفوف جماعت عبور کرد تا صف اول پشت سر پدرم قرار گرفت.

نمازگزاران از اینکه یک نفر دهاتی در جایی قرار گرفته بود که باید اهل فضل حضور داشته باشند، ناراحت شدند. اما آن مرد اعتنایی نکرد. نماز آغاز شد. در رکعت دوم، هنگام قنوت، آن مرد قصد فرادا نمود و نمازش را تمام کرد و عجیب تر اینکه همان جا نشست و سفره ای را که همراه خود داشت، باز کرد و شروع به خوردن نان کرد. وقتی نماز تمام شد، مردم از هر طرف به او اعتراض کردند؛ ولی او هیچ نمی گفت.

پدرم متوجه مردم شد و گفت: چه خبر است؟ گفتند: امروز این مرد



۱۰۸

بخش اول: مناظر عمومی

دهاتی جاهل به مسئله، آمده صف اول پشت سر شما اقتدا کرده، آن گاه وسط نماز قصد فرادا کرده و بعد هم نشسته و مشغول خوردن است! پدرم به آن شخص گفت: چرا چنین کردی؟ در جواب گفت: سبب آن را آهسته به خودت بگویم یا در این جمع بگویم؟

پدرم گفت: در حضور همه بگو.

گفت: من وارد این مسجد شدم به امید اینکه از فیض نماز جماعت با شما بهره‌ای ببرم. چون اقتدا کردم در اواسط سوره حمد، دیدم که شما از نماز بیرون رفتید و در این خیال بودید که من پیر شده‌ام و از آمدن به مسجد عاجزم. الاغی لازم دارم که سواره حرکت کنم؛ پس به میدان الاغ‌فروش‌ها رفتید و خری را انتخاب کردید. در رکعت دوم در خیال تدارک خوراک الاغ و تعیین جای او بودید که من عاجز شدم و دیدم بیش از این سزاوار نیست و نمی‌توانم با شما باشم. برای همین نمازم را تمام کردم.

پیرمرد این را گفت و سفره‌اش را جمع کرد و حرکت نمود. پدرم بر سر خود زد و ناله نمود و گفت: او مرد بزرگی است؛ او را نزد من بیاورید. ولی وقتی مردم به دنبال او رفتند، ناپدید شده بود و دیگر کسی او را ندید.^۱



۱۰۹

منبر نهم: نماز همراه با حضور قلب

دو نکته

نکته اول

اولین نکته‌ای که از این داستان می‌آموزیم، این است که انسان حق ندارد هیچ کسی را کوچک و حقیر بشمارد و نسبت به او بی‌اعتنایی نماید؛ زیرا که همه بنده خدایند و جز خداوند متعال، هیچ کس از حقیقت و باطن دیگران باخبر نیست، از این رو پیامبر عظیم الشان اسلام □ فرمودند: "لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ؛ نباید کسی از مسلمانان را کوچک شماری، زیرا کوچک آنها نیز نزد خدا بزرگ است."^۲

و امیرمؤمنان علی □ در روایتی زیبا و قابل تأمل فرمودند: "ان الله تبارك و تعالی أخصی أربعة فی أربعة: أخصی رضا فی طاعته فلا تستصغرن شیئا من طاعته فریما وافق رضا و أنت لا تعلم و أخصی سخطه فی معصيته، فلا تستصغرن شیئا من معصيته؛ فریما وافق سخطه و أنت لا تعلم و أخصی إجابته فی دعواته فلا تستصغرن شیئا من دعائه فریما وافق إجابته و أنت لا تعلم و أخصی ولیه فی عبادته؛ فلا تستصغرن عبدا من عبادة الله؛ فریما یكون ولیه و أنت لا تعلم؛ خداوند تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز مخفی و پنهان کرده است: یک: رضایتش را در طاعتش پنهان کرده، پس هیچ طاعتی را کوچک نشمار، چراکه ممکن است رضایت خدا در همان باشد و تو ندانی؛



۱. "اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ" (هود): ۱

۳.

۲. مسعود بن عیسی، ورام، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ۱، ۳



دو: خشم خود را در نافرمانی از خود مخفی کرده است، پس هیچ گناهی را کوچک نشمار، زیرا ممکن است خشم خدا در همان گناه باشد و تو ندانی؛

سه: اجابت خود را در ادعیه پنهان کرده است، پس هیچ دعایی را کوچک نشمار، چراکه ممکن است اجابت در همان دعا باشد و تو ندانی؛ چهار: و دوست خود را در میان بندگان پنهان کرده است، پس هیچ بنده‌ای از بندگان خدا را کوچک نشمار، چه بسا همان کس دوست خدا باشد و تو ندانی".^۱

نکته دوم

اهمیت و ضرورت حضور قلب در نماز بر کسی پوشیده نیست. اگر انسان بخواهد نمازهایش مورد قبول پروردگار متعال واقع شود، باید هنگام اقامه نماز، فکر و ذکرش را معطوف به نماز نماید و از افکار متشتت و آشفته پرهیز نماید؛ زیرا به فرموده معصومین □، تنها آن بخش‌هایی از نماز مورد قبول قرار می‌گیرد که انسان با توجه و حضور قلب به جا آورده باشد. امام باقر □ فرمود: "عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهَا يُحَسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ؛ در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می‌شود که با توجه خوانده شود".^۲

و رسول خدا □ فرمودند: "لَيْسَ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا أَحْضَرْتَ فِيهِ قَلْبُكَ؛ فقط

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۲۰۹؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱، ۱۱۶.

۲. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۴، ۵، ۳.



قسمت‌هایی از نماز که در آن حضور قلب داری، جزء نماز محسوب می‌شود.^۱ و فرمود: "إِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا؛ از نماز بنده، تنها به آن اندازه‌ای که می‌فهمد، ثواب نوشته می‌شود."^۲

امام رضا علیه السلام نیز درباره نشانه‌های یک نماز کامل فرمود: "نمازی است که با حضور قلب و فراغت اعضا و انکسار و فروتنی در حضور خداوند تبارک و تعالی باشد. بهشت را در طرف راستش، و آتش جهنم را در طرف چپش، و صراط را پیش روی خود و خداوند را در مقابل خود ببیند."^۳

اگر بخواهیم تعبیری ساده و عامیانه در این باره داشته باشیم، شاید بتوان گفت نمازی در پیشگاه الهی مورد قبول است که نه تنها جسم، بلکه قلب هم با نمازگزار همراه باشد؛ زیرا به همان اندازه که اقبال و توجه و همراهی قلب باشد، به همان مقدار نیز نماز مورد قبول واقع خواهد شد. همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَإِحْضَرٍ - قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ؛ خداوند نماز کسی را که قلبش در کنار بدنش حضور ندارد، نمی‌پذیرد."^۴

مرا غرض ز نماز آن بود که یک ساعت حدیث درد فراق تو با تو بگزارم
و گرنه این چه نمازی بود که من بی تو نشسته روی به محراب و دل به بازارم

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۹
۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷
۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۶
۴. احمد بن محمد خالد برقی، المحاسن، ج ۳، ص ۵

برخی از عوامل نداشتن حضور قلب

۱. محبوب نبودن نماز

اگر انسان به خالق خویش عشق بورزد و نسبت به او شناخت مناسب داشته باشد، هیچ‌گاه از هم‌صحبتی با او و نماز خواندن خسته و ملول نمی‌شود و با سرعت زیاد و ردیف کردن کلمات پشت سر هم، نمازش را به پایان نمی‌برد. به‌راستی انسان چگونه می‌تواند با این سرعت در ادای کلمات نماز و به‌جا آوردن ارکان و واجبات آن، حضور قلب بیابد؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "هنگام نماز از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو و تمام توجه خودت را به خدا قرار ده و به یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می‌گیری."^۱

۲. وسواس

گاهی وسواس که عملی است شیطانی، فکر و دل نمازگزار را از یاد خدا در نماز باز می‌دارد و باعث می‌شود حضور قلب از او گرفته شود و با دقت بیش از حد به درستی یا نادرستی جزئیات نماز خود، از حقیقت نماز، غافل شود. شخصی که در نماز، پیایی در رکعت‌ها و رکن‌های نماز شک می‌کند و همه‌توجهش را در درست به کار بردن واژه‌ها صرف می‌کند، خود را از فیض درک محضر پروردگار محروم می‌سازد و از برکت و روشنی نماز نصیبی نمی‌گیرد.



۱. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۱، ص

۲

۸

۳



۳. گناه و معصیت

بدون شک قلب و دلی که در طول شبانه‌روز از یاد خدا خالی باشد و در مسیر مخالف رضایت الهی گام بردارد، هنگام نماز نیز حال معنوی چندانی برای لذت بردن از نماز و ایجاد حضور قلب نخواهد داشت و تنها به تکرار قسمت‌های مختلف نماز می‌پردازد. نقل شده که روزی نبی اکرم مردی را دید که موقع خواندن نماز با ریش خود بازی می‌کرد. آن حضرت فرمود: "أما إنَّه لو خشع قلبه لخشعت جوارحه؛ همانا او اگر قلبش خاشع بود، اعضایش هم خاشع می‌شد."^۱

۴. موانع ظاهری

برخی موانع مانند پرخوری یا گرسنگی، پر خوابی، کسالت و خستگی، نیاز به دستشویی و... باعث عدم تمرکز و از دست رفتن حضور قلب می‌شوند، لذا باید این موانع را نیز برطرف نمود. امام باقر می‌فرماید: "هنگام نماز با دست و سر و صورت خود بازی مکن، زیرا همه این کارها سبب نقص نماز می‌شود و در حالت کسالت، خواب‌آلودگی و سنگینی مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی از آن منافقان است..."^۲

۵. القانات و مزاحمت‌های شیطان

از مهم‌ترین عوامل حواس‌پرتی، وسوسه شیطان در نماز است که تلاش می‌نماید حواس نمازگزاران را به چیزهای مختلفی مشغول نماید تا از

۱. عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۸

۵۲

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴

۷



یاد خداوند غافل گردند. حضرت علی \square با اشاره به همین نکته، این حرکت شیطان را نوعی اختلاس و دزدی از جانب شیطان دانسته می‌فرماید: "الْإِتْفَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِيَّاكُمْ وَالْإِتْفَاتُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَإِذَا التَّمَّتْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ثَلَاثَةَ فَإِذَا التَّمَّتْ الرَّابِعَةَ أُعْرِضَ اللَّهُ عَنْهُ؛ بی‌توجهی در نماز اختلاسی است از شیطان، پس بپرهیزید از بی‌توجهی در نماز، زیرا که خداوند تبارک و تعالی روی می‌آورد به بنده در هنگامی که نماز می‌خواند، و وقتی بی‌توجه شد، خدا می‌گوید: ای فرزند آدم! از چه کسی روی بر می‌گردانی؟ سه مرتبه این سخن تکرار می‌شود و آن‌گاه که مرتبه چهارم بنده بی‌توجهی کرد، خداوند از او اعراض می‌کند".^۱

"سید نعمت الله جزایری" در کتاب "انوار نعمانیه" می‌نویسد: یکی از دوستان مورد اعتماد و عادل گفت: با خود فکر کردم که در حدیث وارد شده: هر کس دو رکعت نماز او قبول شود، عذاب نمی‌شود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم به مسجد کوفه بروم، در آنجا دو رکعت نماز با حضور قلب بخوانم و خود را از وساوس شیطان خالی نمایم. ناگاه به خاطرم گذشت که مسجد کوفه مناره ندارد، اگر کسی بخواهد مناره‌ای برای آن بسازد از کجا سنگ و گچ تهیه کند. بالاخره به فکرم رسید که از فلان محل بهتر می‌شود، تهیه نمود. کم‌کم تعیین کردم که در چند روز این مناره تمام می‌شود و سر مناره را چگونه می‌سازند. همین که دو رکعت نماز تمام شد، متوجه شدم من هم از ساختمان مناره

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص

۹

۳

۲.



فارغ شده‌ام. فهمیدم به مسجد کوفه آمدم برای ساختن مناره، نه برای دو رکعت نماز با حضور قلب.^۱
خرم آن روی که در روی تو باشد همه عمر وین نباشد مگر آن وقت که رای تو بود
ذره در همه اجزای من مسکین نیست که نه آن ذره معلق به هوای تو بود

چند راهکار برای ایجاد حضور قلب

۱. احساس در محضر الهی بودن

هنگام نماز انسان در محضر خالق ایستاده که ذره ذره وجودش از اوست و لحظه لحظه‌های زندگی‌اش محتاج به لطف و عنایت اوست. خداوندی که انسان را بدون آنکه به او احتیاجی داشته باشد آفرید و فرصت زندگی در دنیا به او داد تا لیاقت زندگی برتر را کسب نماید. رسول اکرم \square می‌فرماید: "خدا را عبادت کن، آن چنان که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند".^۲ بزرگی می‌گفت: روزی به قصد تشریف به مسجد الحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس، از خانه خارج شدم. در اثنای راه، خطری پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد و با کمال سلامتی از آن خطر به مسجد آمدم. نزدیک در مسجد، خربزه زیادی روی زمین ریخته و صاحبش مشغول فروش آنها بود. قیمت آن را پرسیدم، گفت آن قسمت، فلان قیمت و

۱. موسی خسروی، پند تاریخ، ج ۵، ص ۱

۲

۲

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۴، کتاب الروضه، باب ۴، حدیث ۳

قسمت دیگر ارزان تر و فلان قیمت است.

گفتم: پس از برگشت از مسجد مقداری می خرم و به منزل می برم. پس به مسجد الحرام رفتم و مشغول نماز شدم. در حال نماز با خود فکر کردم که از قسمت گران آن خریزه بخرم یا قسمت ارزان تر آن! اصلاً چه مقدار بخرم؟

خلاصه تا آخر نماز در این خیال بودم. وقتی نماز به پایان رسید و خواستم از مسجد بیرون بروم، شخصی از در مسجد وارد شد و نزدیک من آمد و در گوشم گفت: خدایی که امروز تو را از خطر مرگ نجات بخشید، آیا سزاوار است که در خانه او نماز خریزه‌ای بخوانی؟! فوراً متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم، خواستم از او کمک بخواهم، اما دیگر او را نیافتم.^۱

۲. آخرین فرصت نماز

راه دیگر ایجاد حضور قلب و توجه هنگام نماز، این است که انسان هر نمازی را که به جا می آورد، این تصور را داشته باشد که شاید پس از این نماز، دیگر فرصت و امکان خواندن نماز دیگری را نیابد و چه بسا لحظاتی دیگر چراغ عمرش خاموش گردد و حسرت خواندن دو رکعت نماز با حضور قلب برای همیشه بر دلش بماند. به همین سبب رسول خدا ﷺ فرمودند: "صَلِّ صَلَاةَ مَوْدَعٍ تَرَى أَنَّكَ لَأَنْصَلِي بَعْدَ مَا صَلَاةَ ابْدَا؛ آن چنان نماز بگذار که گویی آخرین نماز توست و دیگر هرگز نمازی نخواهی



۱. سیدعبدالحسین دستغیب، داستان‌های شگفت، ص



خواند."۱

این گونه نماز گزاردن، شیوه معصومین □ بوده است، همانگونه که امام باقر □ درباره حالات نماز پدر بزرگوارشان می فرماید: "كَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ مُوَدَّعٍ يَرِي أَنَّهُ لَا يُصَلِّي بَعْدَهَا أَبَدًا؛ امام سجاد □ همواره مانند کسی که آخرین نماز خود را به جای می آورد، نماز می گزارد. او چنین می دید که پس از آن هیچ گاه نماز نمی گزارد."۲

فرد مؤمن هم با تبعیت از پیشوایان خود، یاد گرفته که این گونه نماز بخواند: "اِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةَ قَرِيضَةٍ فَصَلِّ لِقَوْتِهَا صَلَاةَ مُوَدَّعٍ تَخَافُ أَلَّا تَعُودَ إِلَيْهَا؛ نماز واجب را در وقت خودش بخوان، مانند کسی که نماز وداع می خواند و می ترسد که بعد از این توفیق و فرصت نماز خواندن نیابد."۳

۳. اهمیت ویژه حضور قلب

اهمیت مسئله حضور قلب تا بدانجاست که مقدار قبولی نماز بر آن وابسته است و از نماز انسان، تنها همان مقداری که با توجه و حضور قلب بوده، پذیرفته خواهد شد. همانگونه که امام باقر □ فرمود: "عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ؛ در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که با توجه خوانده شود"۴

و رسول الله □ فرمود: "لَيْسَ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا أَحْضَرْتَ فِيهِ قَلْبُكَ؛ نیست

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۴

۲. همان، ص ۶

۳. فیض کاشانی، محجة البيضاء، ۱، ص ۰

۴. همان، ص ۳

۵. همان، ص ۴



برای تو از نماز، مگر قلب تو در حال نماز باشد."۱ و فرمود: "إِنَّمَا يَكْتَبُ
لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا؛ از نماز یک بنده، تنها به آن اندازه‌ای که
می‌فهمد، ثواب نوشته می‌شود."۲
مرا غرض ز نماز آن بود که یک ساعت حدیث درد فراق تو با تو بگزارم
وگرنه این چه نمازی بود که من بی‌تو نشسته روی به محراب و دل به بازارم

۴. مراقبت‌های قبل از نماز

نماز گزاری که می‌خواهد در پیشگاه الهی حاضر شود، اگر بخواهد بهره
کافی و کاملی از این ضیافت ببرد و مدال بندگی را دریافت نماید، باید
زمینه‌های آن را هم مهیا ساخته، لیاقت خود را به بهترین شیوه ممکن
به معرض نمایش بگذارد.

برای شخص نماز گزار، مهم‌ترین مراقبت، دوری از گناه و معصیت
است که باعث نزول برکات و فرود آمدن توفیق الهی برای پذیرش حق
و چشیدن حلاوت و شیرینی گفت‌وگوی با پروردگار مهربان خواهد شد.
لذا پیامبر ﷺ فرمودند: "رَكَعَتَانِ مِنْ رَجُلٍ وَرِعٍ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكَعَةٍ مِنْ مَخْلَطٍ؛
دو رکعت نماز انسان باتقوا، برتر از هزار رکعت نماز فرد لاابالی است"۳
در این راستا، دائم الوضو بودن، گفتن اذکار، حضور در مسجد پیش از
اذان، به دست آوردن رضایت والدین و احترام به آنان، کنترل زبان و

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج

۳. نهج الفصاحه، ج

۹ ۵ ۲

۳، ص ۷ ۵

۷ ۶ ۱

دوری از بدزبانی، کنترل و مراقبت از چشم و هر آنچه مایه تقرب به
خدا و کسب رضای اوست، می‌تواند مؤثر باشد.





منبر دهم: آشنایی با مفاهیم نماز

راهبرد محتوایی

در این جلسه با زبانی ساده و با اغماض از مباحث تفسیری، عرفانی و لغوی، به شرح و تبیین برخی اجزای نماز - تا پایان سوره - پرداخته شده است.

حکم شرعی

بر نمازگزاران واجب است تا آنجایی که می‌توانند قرائت صحیح حمد و سوره و نیز اذکار نماز را بیاموزند تا نمازشان به طور صحیح اقامه گردد.

روایت

حضرت علی علیه السلام: "فَإِيَّاكُمْ وَالْإِلْتِقَاتِ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ".

مقدمه بحث

وقتی انسان با کسی در حال گفت‌وگو باشد، یکی از لوازم ضروری برقراری ارتباط و هم‌صحبتی با مخاطب، داشتن زبانی است که با درک



۱۲۲

بخش اول: مناظر عمومی

سخنان یکدیگر، به نتیجه دلخواه برسند و ارتباط آنان شکل بگیرد؛ از این رو سران کشورها، وزرا و دیگر افراد مرتبط، همواره یک مترجم همراه خود دارند تا سخنان آنان را ترجمه نماید.

زبان دین ما، زبان عربی است و چه بسا بسیاری از مردم زبان عربی را به خوبی نمی‌دانند؛ از این رو، هنگام نماز آن چنان که باید نمی‌توانند با مفاهیم والای نماز ارتباط برقرار کنند.

در این جلسه به زبان ساده، بخش‌هایی از فرازهای مختلف نماز را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم تا با حقیقت نماز و مفاهیم نهفته در آن، بیشتر آشنا گردیم.

نیت

اولین بخش مهم نماز که جزء ارکان نماز هم به شمار می‌آید، نیت است. یعنی انگیزه و هدفی که انسان برای اقامه نماز خود انتخاب می‌کند. نیت، اصل و اساس عمل است. مقدس‌ترین کارها به خاطر نیت بد فاسد می‌شود و ساده‌ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می‌کند. خداوند نیز می‌فرماید: "صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ رنگ‌آمیزی خدا را [بپذیرید] و چه رنگی زیباتر از رنگ خدا و ما فقط بر او عبادت کننده‌ایم."^۱



الله اکبر

نماز با کلمه مبارکه "الله اکبر" شروع می‌شود. الله اکبر آغاز ارتباط با خداوند و هم‌سخن شدن با پروردگار متعال است. کلمه "الله" اسم خاص برای خداوند است و به همین جهت، این نام جز بر خدا اطلاق نمی‌شود، در حالی که نام‌های دیگر خداوند معمولاً اشاره به یکی از صفات جمال و جلال اوست، مانند عالم، خالق و رازق و غالباً به غیر او نیز اطلاق می‌شود (مانند رحیم و کریم و عالم و قادر).

این نام مقدس، قریب هزار بار در قرآن مجید تکرار شده و هیچ اسمی از اسماء مقدس او این اندازه در قرآن نیامده است.^۱ مردی نزد امام صادق □، الله اکبر گفت؛ امام فرمود: "خدا بزرگ‌تر از چیست؟" آن مرد جواب داد: از هر چیز. امام صادق □ فرمود: "خدا را محدود کردی؟" عرض کرد: چگونه بگویم؟ امام فرمود: "بگو خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود."^۲

یک نکته

گاهی پرسیده می‌شود: چرا هنگام نماز دست‌ها بالا برده می‌شود؟ پاسخ این پرسش در سخنی شنیدنی از امام رضا □ نقل شده است. آن حضرت فرمود: "دست‌ها به هنگام تکبیر بالا برده می‌شود، زیرا بالا بردن دست‌ها نوعی توجه به خدا و فروتنی است. خدا دوست دارد بنده

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱،

۱ - ۲ - ۲

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص

۳ - ۱ - ۳



هنگام ذکر خدا دارای توجه، تواضع و تضرع باشد و همچنین در بالا بردن دست‌ها انسانیت خود را حاضر کرده، قلبش بر گفته‌اش روی می‌آورد.^۱

امیرالمؤمنین □ نیز فرمود: "جبرئیل به پیامبر □ گفت: برای هر چیزی زینتی است و زینت نمازگزار بالا بردن دست‌ها به هنگام گفتن هر تکبیری است."^۲ امام صادق □ فرمودند: "تکبیر، کلید نماز است."^۳ می‌دانیم که مستحب است دست‌ها در تکبیرة الاحرام به موازات گوش‌ها بالا بیاید. وقتی نمازگزار می‌گوید "الله اکبر"، یعنی برای من، چیزی بزرگ‌تر و با عظمت‌تر از خداوند وجود ندارد و در حال نماز و اکنون که در پیشگاه الهی حاضر شده‌ام، تمام دنیا را پشت گوش می‌اندازم و با تمام وجود و حضور قلب با خداوند به راز و نیاز می‌پردازم.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

مستحب است انسان در همه حالات از شر وسوسه‌های شیطان به خدا پناه ببرد. قبل از شروع قرائت نیز مستحب است، استعاذه گفته شود، یعنی: "أعوذ بالله من الشيطان الرجيم"؛ پناه می‌برم به خدا، از شر شیطان رانده‌شده. این استحباب، برگرفته از آیه قرآن است که فرمود: "فاذا قرأت"

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج، ص ۷ ۲ ۷

۲. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۱۰، ص ۵ ۵ ۰

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج، ص ۷ ۱ ۴

الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ".^۱

زیرا به فرموده روایات، شیطان در حال نماز نیز تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا حواس انسان را پرت نموده، لذت عبادت و هم‌صحبتی با خداوند را از نمازگزار سلب نماید.

حضرت علی می‌فرماید: "الْإِتِقَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلاَسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِيَاكُمْ وَالْإِتِقَاتُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَإِذَا تَنَفَّتْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ثَلَاثَةَ فَإِذَا تَنَفَّتْ الرَّابِعَةَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ؛ بی‌توجهی در نماز اختلاسی است از شیطان، پس پرهیزید از بی‌توجهی در نماز، زیرا که خداوند تبارک و تعالی روی می‌آورد به بنده در هنگامی که نماز می‌خواند، و وقتی بی‌توجه شد، خدا می‌گوید: ای فرزند آدم! از چه کسی روی بر می‌گردانی؟ سه مرتبه این سخن تکرار می‌شود و آن‌گاه که مرتبه چهارم بنده بی‌توجهی کرد، خداوند از او اعراض می‌کند".^۲

سوره حمد

این سوره از سوره‌های بسیار با عظمت و دارای آثار ویژه است. رسول خدا درباره این سوره فرمود: "هرکس سوره حمد را بخواند، به او آن‌چنان پاداش می‌دهند که گویی دو ثلث قرآن را خوانده و بر هر



۴. "پس چون قرآن می‌خوانی از شیطانِ مطرود به خدا پناه ببر"، (نحل: ۶۸).

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۹ ۳ ۲



مؤمن و مؤمنه صدقه داده است".^۱

همچنین فرمودند: "سوره مبارکه حمد، شفای هر درد و بیماری است، جز مرگ".^۲ یکی دیگر از رازهای عظمت این سوره این است که سوره‌های دیگر همه از زبان خداوند است، ولی این سوره از زبان بندگان خداوند است.^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از آنکه نمازگزار از شر شیطان به خدا پناه برد، با ذکر مقدس و پر ارزش "بسم الله الرحمن الرحيم"، قرائت سوره حمد را آغاز می‌نماید. در اهمیت بسم الله همین بس که انسان باایمان باید تمام کارهایش را با نام و یاد خدا آغاز نماید تا عاقبت خوش و بابرکتی داشته باشد. خداوند متعال نیز آغاز رسالت پیامبر خویش را با ذکر و یاد خود قرین می‌سازد و می‌فرماید: "إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...؛ با نام پروردگارت بخوان و آغاز کن".^۴

الرحمن الرحيم

پروردگار، یک رحمت عام دارد و یک رحمت خاص. با رحمت عام خودش همه موجودات - از جمله انسان - را آفریده است. رحمان، اشاره به آن رحمت بی‌حسابی است که همه جا کشیده و مؤمن و کافر و حتی

۱. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴

۲. همان.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲.

۴. علق: ۱.

انسان و جماد و نبات و حیوان ندارد؛ ولی "رحیم"، اشاره به رحمت خاص است که به انسان‌های مطیع و فرمانبردار اختصاص دارد.^۱

الحمد لله

بعد از "بسم الله" که آغازگر سوره بود، نخستین وظیفه بندگان آن است که به یاد مبدأ بزرگ عالم هستی و نعمت‌های بی‌پایانش بیفتند؛ همان نعمت‌های فراوانی که سراسر وجود ما را احاطه کرده و راهنمای ما در شناخت پروردگار و انگیزه ما در راه عبودیت است.^۲

رب العالمین

"رب" به معنای پروردگار^۳ و مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و از آنجا که پروردگار و صاحب‌اختیار تمام جهان، خداوند متعال است؛ می‌گوییم: الحمد لله رب العالمین؛ یعنی شکر و حمد الهی، مختص به پروردگار جهانیان است.^۴

مالک يوم الدين

خداوند متعال نه تنها صاحب‌اختیار و ربّ دنیای انسان‌ها و تمام مخلوقات است، بلکه صاحب‌اختیار و مالک روز قیامت نیز هست و در



۱. ر.ک: مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲.
۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷، ۲.
۳. ر.ک: شیخ طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه.
۴. ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ۱، ۴؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱، ۷، ۲.



آن جهان، همگی به پیشگاه الهی حاضر شده و پاسخگوی اعمال خود خواهند بود. خداوند می‌فرماید: "يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ؛ آن روز که آنان ظاهر گردند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی‌ماند. امروز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار است."^۱

بر این باور، جمله "مالک یوم الدین"، انسان را به یاد حسابرسی قیامت می‌اندازد تا مراقب باشد و هر روز چندین بار با خود تکرار نماید که دنیا به پایان رسیده و روز حسابی فرا خواهد رسید. امام سجاد □ وقتی در نماز به این جمله می‌رسیدند، آن را آن قدر تکرار می‌کردند که نزدیک بود روح از بدن ایشان پرواز کند.^۲

ایاک نعبد و ایاک نستعین

به فرموده قرآن، دلیل آفرینش انسان، عبادت و بندگی حق تعالی است: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا پرستند."^۳ و حضرت علی □ پیرامون جایگاه عبادت فرمودند: "الْعِبَادَةُ قَوْزٌ؛ عبادت رستگاری است."^۴ و فرمودند: "إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَحَبَّهُ حَسَنُ الْعِبَادَةِ؛ وقتی خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، خوب عبادت کردن را

۱. غافر: ۶

۲. علی بن جمعه العروسی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۹

۳. ذاریات: ۶

۴. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۳، ص ۶

به او می‌آموزد".^۱

نمازگزار وقتی خدا را شناخت و به عبادت او پرداخت، با نماز به خداوند نزدیک شده، جلوه‌ای زیبا از عبادت و بندگی خود را ظاهر می‌سازد و رفع تمام مشکلات و گرفتاری‌ها را از او می‌طلبد: "ایاک نستعین".

اهدنا الصراط المستقیم

هدایت در فرهنگ عرب، به معنای "ارشاد و راه نمودن" است و به کسی که پیشاپیش مردم حرکت می‌کند و آنان را راه می‌نماید، "هادی" گفته می‌شود. "صراط" هم به معنای راه روشن و گسترده است.^۲

جابر بن عبدالله می‌گوید: روزی پیامبر □ بر روی زمین جلوی خود خطی کشید و فرمود: "این راه خداست"، سپس خط‌هایی در اطراف آن کشید و فرمود: "اینها هم راه‌هایی است که بر سر هر یک شیطانی قرار دارد که به آن دعوت می‌کند". سپس دست خود را بر خط میانی گذاشت و این آیه را تلاوت کرد: "وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ، فَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما

۱. همان.

۲. علي □: "ما تقرب متقرب بمثل عبادة الله؛ هیچ چیز مانند عبادت انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند". (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸ ۳ ۱).

۳. ر.ک: شیخ طبرسی، مجمع البیان، همان.





را از طریق حق، دور می‌سازد. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!"^۱

حقیقت صراط مستقیم

از امام صادق \square روایت شده است: "صراط، عبارت از امیرالمؤمنین علی \square است"، یا اینکه "عبارت از شناخت و معرفت علی \square است" و در روایت دیگری آمده: "ماییم صراط مستقیم (منظور اهل بیت \square است)"^۲.

پس معنی آیه این‌گونه می‌شود: به ما بشناسان امام به‌حق را، تا متابعت و پیروی او کنیم و به راهی که او رفته برویم و امور خود را تسلیم اوامر او نماییم و دستور او را بپذیریم و محبت او را در دل بگیریم تا در آخرت با او محشور شویم.

صراط الذین أنعمت علیهم

این آیه، در حقیقت تفسیر روشنی است برای "صراط مستقیم" که در آیه قبل بیان شده است. می‌گوید: "مرا به راه کسانی هدایت فرما که آنان را مشمول انواع نعمت‌های خود قرار دادی". در حقیقت چون ما آشنایی کامل به راه و رسم هدایت نداریم، خدا به ما دستور می‌دهد که

۱. انعام: ۳ ۵ ۱.

۲. صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد، ج ۹، ص ۱۴ و با اندکی تفاوت در تفسیر المیزان، ج ۷،

ص ۷ ۸ ۵.

۳. امام صادق \square فرمود: "وَاللَّهِ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ". ترجمه تفسیر صافی، ۱، ۲، ۱۰.

در این آیه، طریق و خط پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و نیکوکاران را خواهیم که مشمول نعمت و الطاف او شده‌اند.^۱

غیر المغضوب علیهم و لالضالین

"المغضوب علیهم" کسانی هستند که از صراط مستقیم خارج شده و در گمراهی به سر می‌برند که بر اساس برخی روایات، به اعتقاد مفسران، منظور از کسانی که خداوند بر آنان خشم گرفته است، یهودیان بدانندیش و مراد از گمراهان، مسیحیان هستند.^۲

سوره (بعد از حمد)

واجب است که پس از قرائت سوره حمد، سوره دیگری - غیر از سوره‌هایی که سجده واجب دارند - انتخاب و خوانده شود. در نمازهای واجب، بهترین سوره‌ای که بعد از فاتحه خوانده می‌شود، سوره قدر و توحید است.

مضامین سوره مبارکه قدر آن چنان با ولایت اهل بیت □ گره خورده که خداوند متعال آن را نسبت و شناسنامه پیامبر و اهل بیتش نامیده،^۳ هم‌چنان که سوره توحید را شناسنامه و نسبت خود خوانده است.

۱. "وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ". نساء: ۹

۲. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ۴، ۷۸، ۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ۲، ۸، ۱.

۳. "أَفْرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِإِنَّهَا نَسَبَتُكَ وَنَسَبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ". شیخ کلینی، کافی، ۳، ص ۶، ۸، ۴.



بخش دوم
قیام
منابر بانوان

در این بخش ۱۰ طرح منبر مباحث
نماز برای جلسات بانوان آمده است





۱۳۴

بخش دوم: منابر بانوان

منبر اول: ده دلیل برای نماز خواندن

راهبرد محتوایی

در این جلسه با مروری بر آیات و روایات، به ده دلیل از دلایل لزوم اقامه نماز اشاره شده است.

حکم شرعی

یکی از واجبات نماز، سلام نماز است که پس از تشهد پایانی نماز، سه سلام داده می‌شود. سلام نخست، به رسول خدا ﷺ: **الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**. سلام دوم، به خود ما و بر بندگان شایسته خدا: **الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**. سلام سوم به همه فرشتگان، مؤمنان و...: **الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**.

روایت

امیر مؤمنان ﷺ: **"وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِمَلَاكَتِكَ"**.

چند دلیل برای نماز خواندن

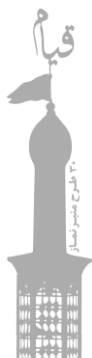
یک: پنج دلیل قرآنی

۱. واجب قطعی

به فرموده قرآن، نماز فریضه‌ای واجب بر عهده انسان است که جایگزینی ندارد و هر مسلمانی به حکم الهی، موظف به اقامه آن می‌باشد: "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا؛ نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است."^۱

۲. به یاد خدا بودن

انسان با نماز به یاد خدا می‌افتد؛ خدایی که آفریننده او و مالک و صاحب اختیار اوست و انسان با توجه به ضعف و نیازمندی خود، همواره وابسته به عنایت پروردگار متعال است و با نماز، توجه الهی را به سوی خود جلب می‌نماید: "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را برای یاد من به‌پادار."^۲ و انسانی که به یاد خدا باشد، قلبی آرام و مطمئن به وعده‌های الهی داشته، امنیت و آرامش را در زندگی تجربه می‌نماید: "أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرام می‌یابد."^۳



۱. نساء:	۳	۰	۱.
۲. طه:	۴	۱.	
۳. رعد:	۸	۲.	



۳. نشانه ایمان

هر چیزی نشانه و پرچمی دارد که با دیدن آن، انسان‌ها به یاد محتوا، اهداف و باورهای آن می‌افتند. نماز نیز علامت ایمان و پرچم دینداری انسان مؤمن است که در ساعات مشخصی این بندگی را به محضر الهی اعلام می‌نماید: "وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ و نماز را بر پا دارید و از مشرکان نباشید".^۱

۴. زندگی سعادت‌مندانه

یکی از علت‌های اقامه نماز و در واقع یکی از آثار و برکات نماز این است که نمازگزار خود را بنده خداوند دانسته و رفتار و کردار خویش را تحت نظارت و نگاه الهی می‌بیند و می‌داند که همه کارهایش ثبت و ضبط شده و خوبی یا بدی رفتارها و گفتارهایش در زندگی او تأثیرگذار خواهد بود؛ از این رو برای دوری از خطا و گناه تلاش نموده و در انجام کارهای نیک و پسندیده، رغبت و اشتیاق پیدا می‌کند. خداوند نیز می‌فرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ و نماز را به‌پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می‌دارد".^۲

نکته: پدر و مادری که فرزند خود را به نمازخواندن تشویق می‌نمایند، در واقع فرزندان خود را از اشتباه و گناه و از خطرات دور نگه می‌دارند و باعث می‌گردند آنان راه صحیح زندگی را برگزیده و زندگی خداپسندانه و همراه با معنویت و دوری از زشتی‌ها و گناهان داشته باشند؛ همانگونه

۱. روم: ۱

۲

۳

۲. عنکبوت:

۵

۴

که لقمان حکیم به فرزندش چنین سفارش می‌کرد: "یا بُنَّیَّ اَقِمِ الصَّلَاةَ...؛ پسر من! نماز را برپا دار."^۱

۵. رهایی از جهنم

بی‌اعتنایی به نماز، بی‌توجهی به دستور خدا و مقابله با خواست الهی است و خداوند سرکشان و کفار را به جهنم خواهد فرستاد. "فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ - عَنِ الْمُجْرِمِينَ - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ - قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ بهشتیان سؤال می‌کنند چه چیزی شما را جهنمی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم."^۲

دو: پنج دلیل روایی

۱. نماز؛ اساس دینداری

در روایات و سخنان بزرگان دین، تعابیر زیبا و هشداردهنده‌ای برای نماز ذکر شده است که نشان از اهمیت و جایگاه والای نماز دارد. از جمله اینکه نماز همانند سر برای بدنه ایمان ذکر شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: "وَ لِيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالْدِّينِ؛ بیشترین همت و قصدت نماز باشد، زیرا نماز پس از اقرار به دین، رأس اسلام است."^۳



۱. لقمان: ۷

۱

۲. مدثر: ۰

-۴

۳

۴

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص

۸

۲

۱



۲. شرط قبولی اعمال

اگر انسان بخواهد نامه یا چیزی را برای جایی ارسال کند، بدون نوشتن آدرس، به مقصد نمی‌رسد و برگشت خواهد خورد. اعمال انسان هم بدون نماز مقبول درگاه خداوند نمی‌گردد؛ همانگونه که رسول اعظم \square فرمودند: "إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ وَهِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ فَإِنْ صَحَّتْ نَظَرَ فِي عَمَلِهِ وَإِنْ لَمْ تَصِحَّ لَمْ يُنْظَرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ؛ همانا ستون دین نماز است و نخستین چیزی است که در روز قیامت از عمل فرزند آدم، ملاحظه می‌شود که اگر صحیح باشد، در سایر اعمال او نظر خواهد شد و اگر صحیح نباشد، در باقی اعمالش نظر نمی‌شود".^۱

و امیرمؤمنان \square فرمودند: "وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِمَلَاتِكَ؛ بدان که تمام اعمالت تابع نمازت خواهند بود".^۲

۳. بخشش گناهان

انسان در اثر عوامل مختلفی ممکن است مرتکب گناه شود و روح خدایی خود را آلوده نماید. نماز فرصت زیبایی است برای بازگشت به سوی خدا و شست‌وشوی جسم و جان از غبارهای گناه؛ همانگونه که رسول خدا \square فرمودند: "إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَهُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغُسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ لَمْ تَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ؛ نمازهای پنجگانه به نهر جاری گوارایی می‌مانند که بر در خانه‌هایت روان است و هر

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵

۲. همان، ص ۱ ۶ ۱

روز پنج بار خود را در زلال آن شست و شو می‌دهید و دیگر هیچ پلبیدی باقی نمی‌ماند.^۱

امام صادق \square نیز فرموده است: "مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا، انْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا عَفَرَهُ لَهُ؛ هر کس دو رکعت نماز بگذارد که می‌داند در آنها چه می‌گوید، در حالی از نماز فارغ می‌شود که بین او و خدای عزوجل گناهی نیست، مگر آنکه آن را برایش آمرزیده است."^۲

۴. برآورده شدن حاجات

همه انسان‌ها حاجات و درخواست‌هایی دارند و به دنبال آن هستند که خواسته‌هایشان برآورده شود و دعاهایشان مستجاب گردد. یکی از بهترین زمان‌ها برای درخواست دعا، پس از اقامه نماز است که امام صادق \square فرمودند: "إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْهِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ حَوَائِجَكُمُ عَقِيبَ قِرَائَتِكُمْ؛ همانا پروردگار، نماز را در محبوب‌ترین وقت‌ها نزد خود واجب کرد؛ پس، حاجت‌های خود را پس از [اقامه] نمازهایتان طلب کنید."^۳ و فرمودند: "مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِي أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ؛ هر کس نماز واجبی را به‌جا آورد، در پی او دعای



۱. محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۲، ۷۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷، ۲۰؛ ۲.

متقی هندی، کنز العمال، ۷، ۲۹۱ حدیث ۱، ۱۸۹۳.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۸۱، ص ۵، ۷، ۳.

۳. همان، ص ۴، ۲، ۳.



مستجابی دارد".^۱

همچنین آن حضرت فرمودند: پدرم امام باقر □ درباره آیه: "فَإِذَا قَرَعْتَ قَائِصًا وَ إِلَى رَبِّكَ قَارِعًا" می فرمود: "إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ، بعد از اینکه نمازت را خواندی و سلام دادی، "وَأَنْتَ جَالِسٌ"، در حالی که نشسته‌ای و هنوز بلند نشده‌ای، "فَانصَبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ در دعا کردن برای امور دنیا و آخرتت بکوش"، "فَإِذَا قَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ قَارِعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ؛ و وقتی که از دعا فارغ شدی، مُلْتَمِسًا از خدا بخواه که نمازت را از تو بپذیرد!."^۲

جالب آنکه در روایتی دیگر، رسول خدا □ فرمود: "إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ يَبْدُ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ يَبْدِي؛ وقتی بنده‌ای نماز خود را با عجله و شتاب به پایان می‌برد و آن را کوتاه می‌کند، خدا به ملائکه می‌فرماید: آیا نمی‌بینید بنده من چگونه نماز خود را کوتاه می‌کند؛ گویا می‌پندارد که بر آوردن حوائجش به دست غیر من است (که این گونه عجله می‌کند)، آیا نمی‌داند بر آوردن حوائجش به دست من است؟"^۳

۱. همان، ص ۷ ۴

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، ص ۱ ۳ ۴

۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۹ ۶ ۲

۵. پیروی از پیامبر و اهل بیت □

هشام بن حکم از امام صادق □ پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می‌گیرد و هم انسان را به زحمت می‌اندازد؟ امام فرمود: "پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده‌ای هم دین آنان را پذیرفتند؛ اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام □ زنده بماند و این از طریق نماز امکان‌پذیر است."^۱

اللهم صل علی محمد و آل محمد



۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، ۲، ص ۷
۱
۳.



منبر دوم: نماز؛ مظهر ذکر خدا

راهبرد محتوایی

یکی از خصلت‌های زیبای مؤمنان، آراستگی آنان به ذکر و یاد خداوند است که باعث تحول درونی در انسان و متنعم‌شدن به برکات فراوان آن می‌گردد. نماز، برترین و کامل‌ترین مصداق ذکر عملی است که پایبندی به آن، آثار و برکات فراوانی را در زندگی نمایان می‌سازد.

حکم شرعی

- در هر رکعت، بعد از قرائت یک رکوع واجب است. رکوع یعنی خم‌شدن به اندازه‌ای که انسان بتواند دست‌ها را به زانو بگذارد.
- ذکر واجب در رکوع عبارت است از یک‌بار گفتن "سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ" یا سه بار گفتن "سُبْحَانَ اللَّهِ".
- در رکوع هنگامی که ذکر واجب را می‌گوییم، باید بدن آرام باشد.

روایت

پیامبر اعظم ﷺ: "ذِكْرُ اللَّهِ عِلْمُ الْإِيمَانِ وَبَرٌّ مِنَ النِّفَاقِ وَحِصْنٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَحِرْزٌ مِنَ النَّارِ".

مقدمه

فکر و ذهن انسان همواره در حال اندیشیدن به اتفاقات و حوادث کوچک و بزرگ زندگی یا شنیده‌ها، رفتارها و واکنش‌های دیگران است که ذهن را درگیر آن مسائل می‌گرداند.

مؤمنان و خداپاوران حقیقی نیز همواره فکر و ذهنشان معطوف به خداوند متعال و اندیشیدن به عظمت الهی بوده، از ذکر و یاد خدا غافل نمی‌گردند.

اهمیت و ضرورت ذکر خدا

نشانه ایمان و دینداری

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید."^۱

یاد خدا در همه حالات

"وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً؛ پروردگارت را در نفس خود از روی



۱۴۳

منبر دوم: نماز، مظهر ذکر خدا

زاری و ترس یاد کن" ۱.

ذکر خدا در هر شکل

"الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ کسانی که خداوند را یاد می‌کنند، در حالی که ایستاده، نشسته و خوابیده‌اند و در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند" ۲.

آثار و برکات ذکر خدا

۱. یاد کردن خدا از بنده

اولین اثر یاد خدا، ایجاد دوستی با پروردگار متعال است و اینکه انسان با یاد خدا، محبت الهی را به دست آورده و پروردگار بزرگ نیز از او یاد خواهد کرد؛ همانگونه که فرمود: "فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم" ۳.

این یاد کردن از خدا نیز باید در همه حالات - اعم از خوشی و ناخوشی، دارایی و ناداری و مانند آن - باشد. به فرموده رهبر معظم انقلاب (حفظه الله): "یاد خدا نباید اختصاص داشته باشد به دوران‌های شدت و محنت و زحمت و فشار؛ نه، در دوران راحت، در دورانی که انسان دغدغه و نگرانی مادی هم ندارد، این یاد خدا را باید در دل نگه



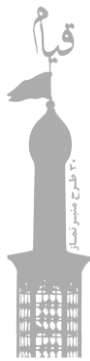
۱۴۴

بخش دوم: منابر بانوان

۱. اعراف: ۵

۲. آل عمران: ۱

۳. بقره: ۲



دارد. وقتی سختی‌هایی به ما افراد بشر روی می‌آورد، به یاد خدا می‌افتیم. فرمود: "فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ".^۱ در حین بلا، انسان به خدا متوجه می‌شود؛ وقتی بلا برطرف شد، انسان یادش می‌رود. در جاهای مختلف قرآن، این گلابه را خدای متعال از انسان‌ها می‌کند که وقتی دچار شدت می‌شوید، توجه پیدا می‌کنید؛ وقتی شدت برطرف شد، غفلت پیدا می‌کنید".

۲. آرامش دل‌ها

دومین دستاورد بزرگ ذکر و یاد خدا، آرامش درونی است که در ظاهر و زندگی او نیز جلوه‌گر خواهد شد: "أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد".^۲

۳. توفیق انجام کارهای شایسته

حضرت علی ؑ فرمود: "مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ ذِكْرِهِ حَسَنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ؛ هر کس دلش را به دوام یاد خداوند آباد نگه دارد، رفتار و

۱. هنگامی که بر کشتی سوار شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند! عنکبوت: ۶۵ و نک: "وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضَّرَّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضَرِّ مَسَّهُ؛ هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می‌خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می‌رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود،

نخوانده است!" یونس: ۲

۲. رعد: ۸



کردارش در پنهان و آشکار نیکو می‌شود".^۱

۴. دژی مستحکم در برابر شیطان

پیامبر اعظم □ فرمود: "ذِكْرُ اللَّهِ عِلْمُ الْإِيمَانِ وَبِرِّهِ مِنَ النِّفَاقِ وَحِصْنٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَحَرِّزٌ مِنَ النَّارِ؛ یاد خدا نشانه ایمان و بی‌زاری از نفاق و حصارِ محکم در برابر شیطان و حافظی است از آتش".^۲

۵. بخشش گناهان

از آثار و ثمرات اخروی یاد خداوند، مغفرت الهی است که شامل حال یادکنندگان خدا می‌گردد و اضافه بر آن، خداوند وعده اجر و پاداش بزرگ نیز به ایشان داده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: "وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مردان و زنانی که بسیار یاد خدا کنند، خدای متعال برای آنان آمرزش و پاداش بزرگ آماده نموده است".^۳

۶. روشنی دل

از دیگر برکات ذکر خداوند متعال، نورانی شدن قلب و بیداری دل‌ها و بازگشت از رفتارهای ناپسند گذشته است؛ از این رو حضرت علی □ می‌فرماید: "ان الله تعالى جعل الذكر جلاءً للقلوب تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعاندة؛ خداوند متعال یاد خویش را جلای

۱. علی بن محمد الیثی، عیون الحکم و المواعظ، ص

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵

۳. احزاب: ۵

۸ ۴۵

۸ ۲

قلب‌ها قرار داده که در اثر آن گوش، پس از سنگینی می‌شنود و چشم پس از کم‌سویی می‌بیند و بدین وسیله پس از لجاجت و دشمنی منقاد و رام می‌گردد.^۱

می‌دانیم که یکی از مصادیق ذکر، قرآن کریم است، همانگونه که خداوند می‌فرماید: "وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ".^۲ بر این باور، قرآن نیز باعث نورانیت دل و بیرون آمدن از سرگستگی و رفتارهای ناپسند است و قلب انسان، با نور قرآن منور می‌گردد.

داستان فضیل عیاض

"فضیل بن عیاض" مردی بود که به صورت آشکار گناه می‌کرد. او بر سر راه کاروان‌های تجارتنی و مسافرتی قرار می‌گرفت و با زور و تهدید، اموال کاروانیان را به غارت می‌برد. دزدی قهار و چیره‌دست بود و تمام مردم او را با همان صفاتش می‌شناختند.

او که از راه دزدی، اموال فراوانی را به دست آورده بود و از وضع مالی مناسبی برخوردار بود، شبی برای دزدی به خانه‌ای وارد شد. صاحب منزل در حال قرائت قرآن بود که فضیل با طرح و نقشه قبلی روی دیوار منزل قرار گرفت، همین که خواست وارد خانه شود، قرائت قرآن صاحب منزل توجهش را جلب نمود. صاحب‌خانه این آیه را تلاوت کرد که: "إِذْ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ؛ آیا وقت آن نرسیده



۱. نهج البلاغه، خطبه

۲. نحل: ۴

۲

۲

۲



است که قلب‌های کسانی که ایمان آورده‌اند، با یاد خدا خاشع شود؟^۱ فضیل بن عیاض با شنیدن این آیه تمام وجودش شعله‌ور شد و از دیوار پایین آمد و مثل آنکه آیه بر او نازل شده باشد، تحت تأثیر قرار گرفت و روش زندگی خود را تغییر داد و جزء خوبان قرار گرفت. او تا جایی که صاحبان اموال به دست آمده از راه دزدی را می‌شناخت، راضی کرد و اموال آنان را بازگرداند.^۲

انواع ذکر

ذکر خداوند با این همه آثار و برکات، به دو طریق انجام می‌پذیرد:

الف: زبانی

یعنی انسان اذکار و جملاتی را بر زبان جاری کند. ذکرهای فراوانی وجود دارند که در روایات و سخنان بزرگان ما وارد شده و به برکات فراوان آن اشاره کرده‌اند. از جمله این ذکرها، ذکر صلوات بر محمد و آل محمد □ است.

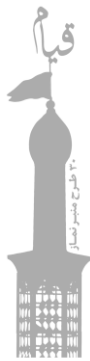
پیامبر اعظم □ فرمودند: "هر کس بر من یک بار درود فرستد، خداوند بر او ده بار درود خواهد فرستاد و ده خطا را از او برطرف خواهد ساخت و ده درجه برایش بالا خواهد برد."^۳ و فرمودند: "هر کس در هر روز

۱. حدید: ۶

۲. نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ۵۸، ۳؛ شهید مطهری، گفتارهای معنوی،

ص ۱ ۶ ۲.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ۶، ص ۰ ۹ ۳.



سه بار و در هر شب سه بار از روی محبت و اشتیاق بر من درود فرستد، بر خدای عزوجل حق است که گناهان آن شب و روز را برایش بیامرزد".^۱

امام صادق □ به شخصی به نام اسحاق می‌فرماید: "ای اسحاق هر کسی ۱۰ مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند متعال و ملائکه او، بر آن شخص، صد مرتبه درود و رحمت می‌فرستند و هر کس بر محمد و آل محمد ۱۰۰ مرتبه صلوات بفرستد، خداوند و ملائکه‌اش بر او هزار مرتبه صلوات می‌فرستند".^۲

یا مثلاً درباره ذکر "لا اله الا الله" ثواب‌های بسیاری ذکر شده است که ترنم زبان و دل به این ذکر نورانی، باعث تقویت ارتباط انسان با خداوند می‌گردد و انسان را از پاداش‌های فراوانی بهره‌مند می‌سازد، به گونه‌ای که امام باقر □ فرمود: "هیچ چیز نیست که ثوابش بیشتر باشد از گواهی به اینکه بگوید: لا اله الا الله، یعنی گواهی دهد به یگانگی خدا".^۳

و امام صادق □ فرمود: "عمل کسی که صد بار لا اله الا الله بگوید، برتر از اعمال سایر مردم در آن روز است، مگر عمل کسی که بیش از این گفته باشد".^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۹
۲. شیخ کلینی، کافی، ۲، ۹۳ و ۹۴، ۱۴، ذیل آیه
۳. همان، ج ۶، ص ۳
۴. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱



از دیگر اذکار مهم و گره‌گشا، ذکر استغفار است که به فرموده رسول خدا ﷺ: "هر کس زیاد استغفار کند، خداوند گِره غم‌های او را بگشاید و از هر تنگنایی بیرونش بَرَد و از آنجا که گمانش را هم نمی‌برد، روزی-اش را می‌رساند."^۱

امام باقر ﷺ نیز به فرزندش می‌فرماید: "یا بَنِي إِذَا انْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَقُلْ "الْحَمْدُ لِلَّهِ" وَ إِذَا حَزَنَكَ أَمْرٌ فَقُلْ "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" وَ إِذَا أَبْطَأَ عَنْكَ الرِّزْقُ فَقُلْ "اسْتَغْفِرُ اللَّهَ"؛ فرزندم! هر گاه خداوند به تو نعمتی ارزانی داشت بگو: "الحمد لله" و هر گاه امری و حادثه‌ای تو را غمگین و ناراحت نمود، بگو: "لا حول ولا قوة الا بالله" و زمانی که احساس نمودی روزی تو به کندی و سختی می‌رسد، بگو: "استغفر الله."^۲

ب: ذکر عملی

نوع دیگر ذکر، ذکر است که انسان در عمل بدان پایبند می‌شود. بدون شک، برترین و کامل‌ترین ذکر عملی، اقامه نماز است. خداوند متعال نیز می‌فرماید: اگر می‌خواهید ذکر مرا با خود داشته باشید و به یاد من باشید، نماز را برپا دارید. "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"؛ برای یاد من نماز برپا دارید."^۳

۱. ابن فهد حلی، عده الداعی، ص؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳.

۲. ابوالحسن اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳ ۶ ۳

۳. طه: ۱ ۴



منبر سوم: دستاوردهای نماز

راهبرد محتوایی

در این بحث ضمن اشاره به فلسفه و کارکردهای نماز، به پاسخ شبهه عدم پایبندی برخی نمازگزاران به نماز و تأثیر نپذیرفتن از نماز خود پرداخته شده است.

حکم شرعی

– نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده کند، و سجده آن است که پیشانی را از روی خضوع بر زمین بگذارد.

– دو سجده در یک رکعت، مجموعاً "رکن" است، بدین معنی که اگر عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند یا دو سجده دیگر به آن اضافه کند، نماز باطل می‌شود.

– در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد: پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو، دو سر انگشت بزرگ پا.

- ذکر واجب در سجده عبارت است از یک‌بار گفتن "سَبَّحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ" یا سه بار گفتن "سَبَّحَانَ اللَّه".

روایت

امام صادق □: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ".

مقدمه بحث

انسان هنگام مبادرت به انجام هر کاری، نیم‌نگاهی به ثمره آن دارد و دوست دارد که بهترین نتیجه را به دست آورد؛ در کارهای کشاورزی، در تحصیل و علم‌آموزی، در همنشینی و دوستی با دیگران و مانند آن. همین قاعده در مورد نماز نیز وجود دارد و انسان دوست دارد نتایج و ثمرات نماز خود را مشاهده نماید که در این مجال، چند مورد از آثار و برکات نماز را مرور خواهیم کرد.

۱. نزدیکی و انس با خدا

هر انسان باایمانی دوست دارد که جایگاه ویژه و بالایی از جهت معنوی داشته باشد و پروردگار جهان از او راضی و خشنود باشد. بدون شک یکی از راه‌های رسیدن به این هدف، انجام کارهایی است که خداوند دوست دارد و می‌پسندد.

شخصی از امام صادق □ پرسید: أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبُّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ؟ پر بهاترین و ارزشمندترین طاعت و عبادتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب‌تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟



امام فرمود: "مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِقَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ؛ بَعْدَ از شناخت خدا، هیچ طاعتی را با ارجح‌تر و پربه‌تر از نماز نمی‌شناسم."^۱

۲. آرامش

یکی از آثار گرانقدری که در پرتو اقامه نماز و پایبندی حقیقی به آن نصیب انسان می‌شود، آرامش و طمأنینه‌ای است که در سایه سار ارتباط عمیق و انس و دوستی با پروردگار عالم، برای انسان به ارمغان آورده می‌شود؛ از این رو در چهره دینداران و کسانی که با قرآن، عبادت، نماز و ذکر و دعا انس دارند، آرامش و وقاری است که کمتر جایی می‌توان نظیر آن را یافت. خداوند نیز می‌فرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را برای یاد من به پا دار."^۲ و در جای دیگر، ثمره این به یاد خدا بودن را چنین بیان می‌کند: "الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آنها کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌گیرد، آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش پیدا می‌کند."^۳

پیامبر اعظم ﷺ نیز همزمان با وقت نماز، با شنیدن صدای اذان نشاط و سرزندگی می‌یافت و به مؤذن پاک‌دل خویش می‌فرمود: "جَعَلَتْ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَكَانَ يَقُولُ أَرْحَمًا يَا بِلَالُ؛ روشنایی دیدگانم در نماز است و پیوسته هنگام اذان می‌فرمود: راحت ساز ما را ای بلال."^۴

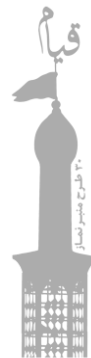
۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱، ص

۲. طه: ۴

۳. رعد: ۸

۴. محقق بحرانی، الحدائق الناضرة، ۶، ۳ ۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ۸۰، ۶ ۱؛ علی‌بن





۳. بخشش گناهان

"وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ؛ نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پادارید و نیز در ساعت تاریکی شب، که البته خوبی و نیکوکاری‌های شما، زشتی و بدکاری‌هایتان را نابود می‌سازد."^۱

سلمان فارسی می‌گوید: روزی زیر درختی در محضر پیامبر ﷺ نشسته بودم که حضرت شاخه خشک درخت را گرفتند و تکان دادند. وقتی تمام برگ‌هایش فرو ریخت، فرمودند: سلمان نپرسیدی چرا این کار را انجام دادم؟

عرض کردم: منظورتان از این کار چه بود؟ فرمودند: وقتی مسلمان وضویش را به خوبی بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهان او فرو می‌ریزد، همچنان که برگ‌های این درخت فرو ریخت.^۲ و در مثالی دیگر فرمود: "نمازهای پنجگانه به نهر جاری گوارایی می‌مانند که بر در خانه‌هایتان روان است و هر روز پنج بار خود را در زلال آن شست‌وشو می‌دهید و دیگر هیچ پلیدی باقی نمی‌ماند."^۳

→

۱. عمر دار قطنی، علل الدار قطنی، ۴، ص ۱ ۲ ۱
۱. هود: ۴ ۱ ۱
۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴، ص ۳ ۰ ۱
۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷، ۲۰، ۲؛ کنز العمال، ۷، ۲۹۱، ۲ حدیث ۱۸۹۳۱.

۴. دوری از منکرات و زشتی‌ها

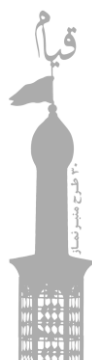
از دیگر دستاوردهای نماز، ایجاد انگیزه برای دوری از گناه و زشتی‌هاست که همین مسئله باعث می‌شود انسان از بسیاری از خطرهای دور بماند و حیثیت و آبروی او نیز مصون و محفوظ باشد. قرآن می‌فرماید: "اِنَّ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛ آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپادار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد."^۱

پاسخ به یک شبهه

به فرموده قرآن، نماز انسان را از فحشا و منکرات نهی می‌کند، در حالی که ما بسیاری از نمازگزاران را می‌بینیم که از ارتکاب گناهان بزرگ پروایی ندارند؛ چرا نماز آنان بازدارنده از فحشا و منکرات نیست؟ به عبارت دیگر، اگر نماز بازدارنده از بدی‌هاست، بدرفتاری و عدم تأثیرگذاری نماز در برخی نمازگزاران چگونه توجیه می‌شود؟ خیلی وقت‌ها مشاهده می‌کنیم که فلان شخص اهل نماز و مسجد، از گناه و معصیت ابایی ندارد، اهل دروغ و پارتی‌بازی، کلاهبرداری و تقلب و... هم هست.

پاسخ

قرآن که می‌فرماید نماز بازدارنده از گناه است، معنایش این نیست که





آدم نمازخوان، دیگر نمی‌تواند گناه کند و قدرت ارتکاب گناه از او گرفته می‌شود! خیر، منظور این است که طبیعت نماز باعث دوری از گناه می‌شود؛ زیرا انسانی که خود را در محضر الهی می‌بیند و برای بنده خوب خدا بودن تلاش می‌نماید، به‌خوبی می‌داند که انجام گناه و ارتکاب زشتی‌هایی مانند دروغ، غیبت، تهمت، فحاشی و بدزبانی، کینه‌توزی، بی‌حجابی، استفاده از مال حرام، فریب دیگران و هر آنچه مورد نهی خداوند است، باعث دوری او از خداوند و کم‌اثر شدن نماز می‌گردد؛ از این رو تلاش می‌کند با ترک گناه و انجام واجبات الهی، رضایت خداوند را کسب نماید.

به گفته یکی از بزرگان، یاد خدا (نماز) و موانعی که از آن اثر جلوگیری می‌کنند، مانند دو کفه ترازو هستند؛ هر وقت کفه یاد خدا سنگین شود، نمازگزار گناه نمی‌کند و هر جا کفه آن موانع سنگین شود، یاد خدا ضعیف شده، در نتیجه شخص مرتکب گناه می‌شود.^۱

ترک گناه؛ نشانه نماز مقبول

به همین دلیل است که گفته شده: نشانه اینکه ما بفهمیم نماز ما تا چه حدی مقبول درگاه خداوند واقع شده، همین است که ببینیم چه مقدار روی رفتار و کردار ما تأثیرگذار بوده و جلوی گناهان و انحرافات ما را گرفته است.

لذا امام صادق علیه السلام فرمود: "من احب ان يعلم اقبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر

۱. نک: سید محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج. ۳، ص ۱۳۳- ۱۳۷.



هل منعته صلاته من الفحشاء و المنکر فبقدر ما منعته قبلت منه؛ هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شد یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.^۱

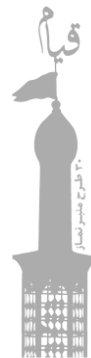
و رسول خدا ﷺ فرمود: "لا صلاة لمن لم يطع الصلاة و طاعة الصلاة ان تنهى عن الفحشاء و المنکر؛ کسی که از نماز اطاعت نکند، نمازش واقعی نیست. معنای فرمان بردن از نماز این است که از فحشا و منکر باز ایستی و خویشتن را از گناه حفظ کنی."^۲

پس اگر کسی غیر از این بود، یعنی نماز خواند و از گناه دوری نکرد، باید در نماز خود شک نماید و به فکر اصلاح باشد. چون "إِنَّ الصلوة تَنهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز، جلوی بدی‌ها و گناهان را می‌گیرد."^۳ حالا چرا بعضی‌ها نماز می‌خوانند و در آن‌ها اثر نمی‌گذارد، باید عیب را در خودشان جست‌وجو کنند. مانند اینکه شما، شارژر موبایل را به برق وصل می‌کنید، برق هم قطع نیست، ولی با این همه، موبایل شارژ نمی‌شود.

کمترین دستاورد نماز

البته نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که بسیاری از کسانی که به این شبهه عمل می‌نمایند، در واقع دنبال دستاویز و راه فراری برای

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱۶، ص ۵
۲. همان، ۷، ص ۱۹۸؛ محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۲، ص ۱۶۲۸.
۳. عنکبوت: ۵، ۴.



ترک نماز هستند. وگرنه اصل نماز که ربط به اشخاص ندارد و حکمی الهی است که بر فرد فرد افراد واجب است و نباید دین و ایمان خود را معلق و مشروط به رفتارهای دیگرانی کرد که ادعای مسلمانی دارند.

ضمن اینکه اگر به رفتار بعضی از افرادی که مسلمان هستند و در عین حال نماز نمی‌خوانند توجه کنیم، می‌بینیم این افراد به خاطر نخواندن نماز، روزه را هم می‌خورند، به حج هم نمی‌روند و زکات هم نمی‌دهند، و سایر واجبات را هم ترک می‌کنند، و هیچ فرقی بین پاک و نجس و حلال و حرام نمی‌گذارند، و خلاصه در راه زندگی از هیچ عمل ناپسند و آلوده‌ای رویگردان نیستند.

اگر حال چنین اشخاصی را با حال کسانی مقایسه کنیم که نماز می‌خوانند، و در نمازشان به حداقل آن، یعنی آن مقداری که تکلیف از گردنشان ساقط شود اکتفا می‌کنند، خواهیم دید که آنها از بسیاری از کارهایی که افراد بی‌نماز از آن پروا نداشتند، پروا دارند. به همین ترتیب، نمازگزارانی که در نمازشان اهتمام بیشتری دارند، از گناهان بیشتر پروا دارند و هر چه نماز کامل‌تر باشد، خودداری از فحشا و منکرات بیشتر خواهد بود و چه بسا همین نماز ظاهری نیز روزی او را از گناه و زشتی باز دارد.

در روایت آمده است: جوانی از انصار نمازش را با پیامبر می‌خواند، ولی گناه و محرّمات را نیز انجام می‌داد. جریان را به پیامبر گفتند. پیامبر اعظم فرمود: "بالاخره نمازش روزی او را از بدی و زشتی باز

می‌دارد". طولی نکشید که آن جوان توبه کرد و دست از کارهای بد و زشتش برداشت.^۱



۱۵۹

منبر سوم: دستاوردهای نماز

۱.. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ۳، ص ۴۲؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة،

ج ۵، ص ۳۷۱، ح ۴ ۵ ۲ ۰ ۱.



منبر چهارم: نماز و عبادت؛ راهکار آرامش و صبر

راهبرد محتوایی

یکی از دستاوردها و کارکردهای مهم نماز و عبادت، ایجاد آرامش و ارتقای روحیه استقامت و پایداری در انسان است که این ویژگی مهم با توجه به فراوانی کارهای خانه و ارتباط با فرزندان، نمود بیشتری دارد و بانوان با استفاده از فرمول نماز می‌توانند به این خصلت مهم نائل گردند.

حکم شرعی

– مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز، اذان و اقامه بگویند، و این استحباب در مورد نمازهای صبح و مغرب مخصوصاً نماز جماعت، مورد تأکید است.

– گفتن "أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ" (گواهی می‌دهم علی □ ولی خدا بر همه خلق است) جزء اذان و اقامه نیست، ولی به عنوان شعار تشییع، خوب و مهم است و باید به قصد قربت مطلقه گفته شود.

- اذان زن برای مردان نامحرم کفایت نمی‌کند و برای مردان محرم محل اشکال است (یعنی اگر مردی که محرم اوست، اذان زن را بشنود، به احتیاط واجب اذان از او ساقط نمی‌شود).

روایت

رسول خدا ﷺ: "اصبروا علی الصلوات الخمس... لعلکم تفلحون".^۱

مقدمه بحث (داستان)

شخصی به نام "اصمعی" که وزیر مأمون لعنت الله علیه بود، می‌گوید: روزی برای صیادی به سوی بیابان روانه شدیم. من از جمع دور شدم و در بیابان گم شدم. در حالی که تشنه و گرسنه بودم، به این فکر بودم که کجا بروم و چکار کنم. چشمم به خیمه‌ای افتاد. به سوی خیمه روان شدم، دیدم زنی جوان و باحجاب در خیمه نشسته. به او سلام کردم، او جواب سلامم را داد و تعارف کرد و گفت: بفرمایید. بالای خیمه نشستیم و آن زن هم در گوشه دیگر خیمه نشست. من خیلی تشنه بودم، به او گفتم: یک مقدار آب به من بده.

دیدم رنگش تغییر کرد و زرد شد. گفت: ای مرد، من از شوهرم اجازه ندارم که به شما آب دهم (یکی از حقوقی که مرد بر زن دارد این است که بدون اجازه‌اش نباید در مال شوهر تصرف کند)، اما مقداری شیر دارم. این شیر برای نهار خودم است. این شیر را به شما می‌دهم. شما



۱. جلال‌الدین سیوطی، الدرالمختور، ۲، ص ۳ ۱ ۱



بخورید، من نهار نمی‌خورم.

شیر را آورد و من خوردم. یکی دو ساعت نشستم، دیدم سیاهی از دور پیدا شد. زن، آب را برداشت و رفت خارج از خیمه. پیرمردی سیاه، سوار بر شتر آمد. پاها و دست و صورتش را شست و او را برداشت و آورد در بالای خیمه نشانید. پیرمرد، بداخلاقی می‌کرد و نق می‌زد، ولی زن می‌خندید و تبسم می‌کرد و با او حرف می‌زد.

این مرد از بس به این زن بداخلاقی کرد، من دیگر نتوانستم در خیمه بمانم و آفتاب داغ را ترجیح دادم. بلند شدم و خداحافظی کردم. مرد خیلی اعتنا نکرد، با روی ترش جواب خداحافظی را داد، اما زن به مشایعت من آمد. وقتی آمد مرا مشایعت کند، مرا شناخت که اصمعی وزیر مأمون هستم. من به او گفتم: خانم، حیف تو نیست که جمال و زیبایی و جوانی خود را به پای این پیرمرد سیاه بداخلاق فنا کردی؟ آخر به چه چیز او دل خوش کردی، به جمال و جوانی‌اش؟! ثروتش؟! تا این جملات را از من شنید، رنگش تغییر کرد. این زنی که این همه بااخلاق بود، با عصبانیت به من گفت: حیف تو نیست می‌خواهی بین من و شوهرم اختلاف بیندازی؟ ای اصمعی! دنیا می‌گذرد، خواه وسط بیابان باشم، خواه در قصر، خواه در رفاه و آسایش، خواه در رنج و سختی. اصمعی، امروز گذشت. من که در بیابان بودم، گذشت و اگر وسط قصر هم می‌بودم، باز می‌گذشت. اصمعی، یک چیز نمی‌گذرد و آن آخرت است. جناب اصمعی، من یک روایت از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم و می‌خواهم به آن عمل کنم. آن حضرت فرمود: "الایمان نصفه الصبر و"

نِصْفُهُ الشُّكْرُ". مَنْ دَر بِيَابَانِ بَه بَدَاخْلَاقِي وَ تَنَدَخْوِي وَ زَشْتِي شُوهرَم صَبْر مِي كَنَم وَ بَه شُكرَانَه جَمَال وَ جَوَانِي وَ سَلَامَتِي كَه خُدا بَه مَن عَنَايَت فَرمود، بَه اِين مَرَد خُدْمَت مِي كَنَم تَا اِيْمَانَم كَامَل شُود.^۲

نقش صبر در ترمیم مشکلات خانوادگی

زنان معمولاً در طول زندگی خانوادگی خود با برخی مشکلات مواجه می‌شوند که گاهی تحمل آنها برایشان سخت و طاقت‌فرسا می‌شود. زن خانه و مادر فرزندان همواره در تلاش است تا مدیریت فضای خانه به بهترین شکل انجام گیرد و کمبودها و کاستی‌ها به چشم نیاید. اصولاً یکی از ویژگی‌های زن این است که خداوند او را لطیف و مهربان آفریده و روحیه گذشت و فداکاری مادران، با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست.

اگر زن بر مشکلات کوچک و بزرگ زندگی خانوادگی صبر نماید، می‌تواند پاداش‌های فراوانی را که خداوند متعال برای صابران در نظر گرفته است، به دست بیاورد، اجر و پاداش‌هایی مانند:

بشارت و مژده الهی: (بَشْرُ الصَّابِرِينَ)^۳

۱. این روایت در منابع چنین آمده است: "الإيمانُ نصفان؛ نصفُ في الصبرِ و نصفُ في الشُّكرِ؛ ایمان دو نصف است؛ نیمی از آن صبر است و نیمی از آن شکر". علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷، ۴، ۵۱؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸، ۴. ۲. حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج ۱ و ۲، ص ۱۱۳؛ محمد رحمتی، گنجینه معارف، ۸۰، ۵، با تلخیص.

۳. بقره: ۱۰۵.





محبت و دوستی پروردگار: (وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ)^۱
نصرت و همراهی خداوند: (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)^۲
کسب بهشت: (أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا)^۳
به دست آوردن پاداش بی حساب: (إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)^۴

صبر در روایات

در روایات به تعبیرات ارزشمندی درباره صبر برمی‌خوریم، مانند:

۱. پیامبر اکرم □: "الصَّبْرُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؛ صبر گنجی از گنج‌های بهشت است."^۵
۲. علی □: "الصَّبْرُ عَوْنٌ عَلَيَّ كُلِّ أَمْرٍ؛ صبر به [پیشرفت] هر کاری کمک می‌کند."^۶
۳. امام سجاد □ می‌فرماید: "الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ مِثْلُ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ؛ صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن، پس همان‌گونه که هر وقت سر برود، تن هم می‌رود، هم‌چنین هرگاه صبر برود ایمان می‌رود."^۷

۱. آل عمران: ۶
۲. بقره: ۳
۳. فرقان: ۵
۴. زمر: ۰
۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷، ۹، ص ۷
۶. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ۲، ۷
۷. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲، ۹، ۸



۴. امام صادق علیه السلام درباره آثار صبر فرمودند: "الصَّبْرُ يُظَهِّرُ مَا فِي بَوَاطِنِ الْعِبَادِ مِنَ النُّورِ وَالصَّفَاءِ، وَالْجَزَعُ يُظَهِّرُ مَا فِي بَوَاطِنِهِمْ مِنَ الظُّلْمَةِ وَالْوَحْشَةِ؛ صبر، آنچه را که در درون بندگان از نور و صفا وجود دارد، آشکار می‌سازد، و ناشکیبایی، آنچه را که در درون آنها از ظلمت و وحشت است، ظاهر می‌سازد."^۱

۵. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: "بِالصَّبْرِ تُدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ؛ با صبر می‌توان به مقامات بالا رسید."^۲

ثواب کار زن در خانه

اگر زن در خانه کارها را به نیت رضای خداوند انجام دهد، اجر و پاداش فراوانی از سوی خداوند نصیب او می‌گردد که باعث خوشحالی و سعادت او خواهد گشت. به عنوان مثال: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم به استقبال می‌آید، و چون از خانه بیرون می‌روم بدرقه‌ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: اگر برای رزق و روزی [و مخارج زندگی] غصه می‌خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند [و بیشتر به فکر آخرت باشی]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: "إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ. لَهَا نِصْفُ أَجْرِ شَهِيدٍ؛ برای خدا کارگزارانی [در روی زمین] است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۰، ح ۴

۲. علی بن محمد اللیثی، عیون الحکم و المواعظ، ۸، ۱

شهید است".^۱

شهری در بهشت خدا

امام صادق □ می‌فرماید: "ما مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءِ الْإِثْمَانِ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ، صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ يَبْنِي اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ عَقْرُهَا سِتِّينَ خَطِيئَةً؛ هر زنی که به شوهرش مقداری آب دهد، برای او بهتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشد و شب‌هایش عبادت کند. و خداوند به جای هر مقدار آبی که به شوهرش بنوشاند، شهری در بهشت برایش می‌سازد و شصت گناهش را می‌آمرزد".^۲

رحمت خدا بر زنان خانه‌دار

ام‌سلمه درباره ارزش زنان در خدمتگزاری به همسرانشان از پیامبر □ پرسید؛ حضرت □ فرمود: "أَيُّ امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاَحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا تَمَّ يَعْدُبُهُ؛ هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را برای سامان دادن وضع خانه جابه‌جا کند، خداوند نظر [رحمت] به او می‌کند. و هر کس مورد نظر [رحمت] خدا قرار گیرد، خدا عذابش نمی‌کند".^۳



۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷، ۱.
۲. همان، ص ۳، ۲، ۱.
۳. همان، ج ۵، ص ۱، ۵، ۷، ۱.

یک نکته

این سخن به این معنا نیست که مردان در خانه همسران خود همیاری و همکاری نکنند. آنچه از روش زندگی اهل بیت □ وارد شده این است که آن بزرگواران نیز به همسران خود کمک می‌کردند.

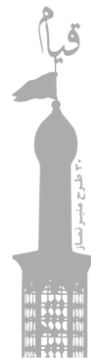
به عنوان مثال: امیرمؤمنان □ هیزم می‌آورد و از چاه آب می‌کشید و منزل را جاروب می‌کرد و حضرت فاطمه زهرا 3 آرد را خمیر کرده، نان می‌پخت.^۱

روزی پیامبر اکرم □ وارد خانه علی □ شدند و ایشان و فاطمه □ را در حال آسیاب کردن گندم دیدند. رو به آن دو کرده، فرمودند: کدام یک از شما خسته‌ترید؟ علی □ فرمودند: فاطمه □ بیشتر خسته شده. پیامبر □ به فاطمه □ فرمود: بلند شو. آن‌گاه در جای فاطمه نشست، به علی □ در کار آسیاب کردن کمک کردند.^۲

نتیجه اینکه: اصل بر صفا و صمیمیت و همدلی بین زن و شوهر است، ولی اگر به هر دلیلی این اتفاق نیفتاد، زن نباید دلسرد شود و به نیت کسب رضایت خداوند، کارهای خانه را انجام دهد و در این راه می‌تواند علاوه بر صبر و استقامت، از یک نیروی ویژه به نام "نماز و یاد خدا" نیز بهره ببرد.



۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۴ - ۷
۲. گلبرگه مرداد ۹ ۷
۳. شماره ۱۳
۴. ۰
۵. ۰



نماز و عبادت؛ راهکار آرامش و صبر

گاهی انسان فواید و برکات فراوان صبر و تحمل را می‌داند و دوست دارد با تمسک به صبر، از پاداش الهی برخوردار گردد و زندگی خود را نیز حفظ نماید، ولی گاهی کار مشکل می‌شود و در مواردی مانند بداخلاقی شوهر، توقعات نابجا، سختی و مشقت کار خانه و... انسان کلافه و خسته می‌شود و دنبال راه حل می‌گردد.

راه حل قرآنی این مشکل، استعانت از نماز و تقویت ارتباط با پروردگار متعال است. خداوند متعال در قرآن کریم، راز اساسی آرامش و سکون قلب را ذکرالله می‌داند و می‌فرماید: "أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرام می‌یابد."^۱

و به تعبیر قرآن و روایات، بالاترین مصداق ذکر، نماز است؛ همانگونه که پروردگار متعال فرمود: "إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ من الله هستم، معبودی جز من نیست، مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به‌پادار."^۲

و فرمود: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ای اهل ایمان! از صبر و نماز کمک بگیرید! مطمئناً خداوند با صابران است."^۳

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست هر جا که صفا هست در آن نور خدا هست

۱.رعد:	۸	۲.	
۲. طه:	۴	۱.	
۳. بقره:	۳	۵	۱.

استقامت در اقامه نماز

یکی دیگر از مصادیق صبر، استقامت و پافشاری بر اقامه نماز است؛ زیرا گاهی حتی در محیط خانه نیز ممکن است کسی با نماز مخالف باشد، یا فشار کارها به گونه‌ای زیاد باشد که انسان را از اقامه نماز غافل نماید. از این رو در قرآن کریم می‌خوانیم: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! استقامت کنید و [در برابر دشمنان] پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و خداترس باشید، شاید رستگار شوید."^۱

امام صادق □ در تفسیر این آیه فرمود: "اصبروا علی الفرائض؛ در برابر واجبات صبر کنید"^۲!

رسول خدا □ نیز فرمودند: "اصبروا علی الصلوات الخمس... لعلکم تفلحون"؛ بر نمازهای شبانه‌روزی پایداری کنید... تا رستگار شوید"^۳. انشاءالله همگان با الگوی گیری از صابره کربلا حضرت زینب 3 که در سخت‌ترین ساعات حادثه کربلا، یعنی شب شام غریبان از نماز یاری جست، از نماز یاری بجوییم و نماز ما نیز باعث رفع مشکلات و برقراری آرامش در خانه و خانواده گردد.



۱. آل عمران:

۰

۰

۲.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج

۲، ص

۱

۸.

۳. جلال‌الدین سیوطی، الدرالمختور، ۲، ص

۳

۱

۱.



منبر پنجم: الگوهای نماز گزار

راهبرد محتوایی

آشنایی با الگوهای نمازگزار و پیشوایانی که خداوند متعال در قرآن کریم آنان را ستوده و به پیروی از ایشان دستور داده است، انگیزه بخش نمازگزاران برای اقامه هر چه بهتر نماز خواهد بود. در این نوشتار، ضمن آشنایی با سیره پیامبر ﷺ، به روش نمازگزار و عبادت حضرت زهرا³ و نقش آن در تربیت فرزندان اهل نماز اشاره شده است.

حکم شرعی

- نیت در نماز واجب است و منظور از آن، قصد انجام نماز معین برای اطاعت از دستور خداوند است.

- نیت که در نماز واجب است، همان قصد انجام نماز برای خداست و لازم نیست در دل خود یا به زبان مثلاً بگوید: چهار رکعت نماز ظهر می خوانم
قربة الی الله.

– لازم است نمازگزار بداند که چه نمازی می‌خواند، بنابراین اگر مثلاً نیت چهار رکعت نماز بکند، اما معین نکند که نماز ظهر یا عصر است، نماز او باطل است.

روایت

پیامبر اعظم □: "صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي".

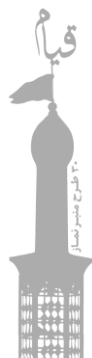
مقدمه بحث

همانگونه که انسان برای رفتن به مسافرت نیازمند راننده و راهنماست تا مسیر را اشتباه نرود، در مسیر بندگی نیز انسان نیازمند الگو و راهنمایی است تا او را به مقصد برساند.

یکی از افتخارات ما این است که پیرو آخرین پیامبر و فرستاده خدا حضرت محمد مصطفی □ و اهل بیت ایشان هستیم؛ کسانی که خداوند آنان را مورد تأیید خود قرار داده، بر درستی گفتار و رفتارشان مهر تأیید زده است.

– "مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ پیامبر کسی است که هرگز سخنی از روی هوا و هوس نمی‌گوید."^۱

– "مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ، وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آنچه پیامبر برایتان آورده برگزید و از آنچه نهی کرده، باز ایستید."^۲



۱. نجم: ۳.

۲. حشر: ۷.



- "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَدَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند."^۱

- "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای ایمان آوردگان! خدا را فرمان برید و پیامبرش و صاحبان امر را اطاعت نمایید."^۲

- "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ همانا خداوند اراده کرد که شما خاندان اهل بیت را از هر گناه و اشتباهی دور نگه دارد."^۳

و آیات فراوان دیگری که همگی به پیروی از پیامبر و به تبع ایشان، از اهل بیت □، فرا می‌خواند.^۴

نماز خوبان / سیره پیامبر و اهل بیت □

اینکه چگونه باید نماز بخوانیم و چه چیزهایی را مراعات نماییم، اینکه

۱. احزاب: ۱ ۲.

۲. نساء: ۹ ۵.

۳. احزاب: ۳ ۳.

۴. نک: "وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ (مائده: ۹۲)؛ و أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ (آل عمران: ۳۲)؛

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال: ۱)؛ و ما كان لمؤمن و لا مؤمنة اذا قضي الله ورسوله أمراً

أن يكون لهم الخيرة من أمرهم و من يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبيناً (احزاب: ۳۶)؛ ان

كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله (آل عمران: ۱) و (۳) و....



حالات این الگوهای همیشگی در نماز چگونه بوده و هنگام نماز چه حالات معنوی و زیبایی داشتند، آگاهی و اطلاع از این موارد، باعث می‌شود سعی نماییم خودمان را به ایشان نزدیک نماییم و نمازی مشابه نماز این بزرگواران اقامه نماییم. اکنون به برخی از حالت‌های پیامبر □ و ائمه □ در نماز اشاره می‌کنیم.

پیامبر اعظم □ می‌فرمودند: "صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي؛ همان‌گونه که من نماز می‌خوانم، شما نیز بخوانید". یعنی شکل نماز و کیفیت را باید از ایشان آموخت تا نماز مقبول و مطابق دستور خدا اقامه نماییم و از نماز خود، بهترین توشه‌های معنوی را برداشت نماییم.

در حالات پیامبر گرامی اسلام □ می‌خوانیم که آن قدر برای نماز و عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد، آن قدر نماز شب می‌خواند که چهره‌اش زرد می‌شد و آن قدر در حال عبادت می‌گریست که بی‌حال می‌گشت. شخصی به آن حضرت عرض کرد: مگر نه این است که خداوند گناه گذشته و آینده تو را بخشیده است، چرا خود را این‌گونه زحمت می‌دهی؟ حضرت در پاسخ فرمود: "افلا اکون عبدا شکورا؛ آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم؟"^۲

نقل شده است که چون وقت نماز می‌رسید، چنان منقلب می‌شد که گویا از مدت‌ها قبل منتظر فرا رسیدن چنین وقتی بوده و در این حال نه

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ۱، ۵۵؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ۸،

ص ۵.

۲. شیخ کلینی، کافی، ۲، ص ۹۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱۰، ۴.



او کسی را می‌شناخت و نه کسی او را.^۱ روزی به ابوذر غفاری فرمود: ای اباذر! خداوند متعال، نماز را محبوب دل من ساخته، همان‌گونه که غذا را محبوب دل گرسنگان و آب را مطلوب تشنگان قرار داده است؛ ولی گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می‌شوند، اما من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.^۲ همسر پیامبر گفته است: با یکدیگر سخن می‌گفتیم، همین‌که موقع نماز می‌شد، رسول خدا حالتی به خود می‌گرفت که گویی نه او ما را می‌شناخته و نه ما او را می‌شناخته‌ایم.^۳

نماز مولای متقیان

حضرت علی انس عجیبی با نماز داشت و همواره نمازی عاشقانه و عارفانه به‌جا می‌آورد. آن حضرت در عبادت، عابدترین مردم بود؛ نماز و روزه‌اش از همگان بیشتر بود و مردم نماز شب و ملازمت بر اذکار و مستحبات را از او آموختند.^۴

نمونه‌ای از نماز و عبادت علی

"ابو درداء" در مسجد مدینه خطاب به مردم گفت: آیا به شما بگویم، پارساترین و عابدترین مردم کیست. گفتند: چه کسی است؟

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، کتاب الصلاة، باب ۲، حدیث ۱۷.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۴ و ۳۰۶ از ابواب صوم مندوب.

۳. همان، ص ۲۶؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۷.



پاسخ داد: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب □. آن‌گاه خاطره‌ای نقل می‌کند: ما و تعدادی از کارگزاران با علی □ در یکی از باغ‌های مدینه کار می‌کردیم. به هنگام عبادت علی □ را دیدم، که از ما فاصله گرفت و در لابه‌لای درختان ناپیدا شد. با خود گفتم: شاید به منزل رفته است. چیزی نگذشت که صدای حزن‌آور علی □ را در حال عبادت شنیدم که با خدا راز و نیاز می‌کند.

به دنبال آن حضرت رفتم تا به آن حضرت رسیدم و در کناری بی‌حرکت ایستادم، پس حضرت در دل شب چند رکعت نماز خواند و مشغول دعا و گریه و انابه شد تا اینکه دیگر صدای حضرت را نشنیدم و دیدم بی‌حرکت افتاده و آن قدر گریه کرده که بدن او بی‌حرکت شده است. با خود گفتم: شاید از خستگی کار و شب‌زنده‌داری خواب رفته است، کمی صبر کردم، خواستم او را بیدار کنم. هرچه تکانش دادم، بیدار نشد. خواستم او را بنشانم، نتوانستم. با گریه گفتم: "إنا لله و انا الیه راجعون" به خدا علی بن ابیطالب مُرد. فوراً به منزل فاطمه 3 رفتم و گریان و شتاب‌زده خبر را گفتم.

حضرت زهرا 3 فرمود: ابو درء به خدا علی □ مانند همیشه در عبادت از خوف خدا بی‌هوش شده است.

آب بردم و به صورت امام □ پاشیدم، به هوش آمد. وقتی مرا گریان دید، فرمود: پس چه حالی پیدا می‌کنی، اگر هنگامی که مرا در قیامت برای حساب فرا می‌خوانند، مشاهده کنی.

ابو درء می‌گوید: به خدا سوگند که این حالت را در هیچ کدام از

یاران رسول خدا □ ندیدم.^۱

الان...؟

هنگامی که امام علی □ در "جنگ صفین" سرگرم نبرد بود، در میان هر دو صفِ کارزار، مواظب آفتاب بود (تا ببیند هنگام نماز فرارسیده یا نه؟).

"ابن عباس" به ایشان عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! در این هنگام که مشغول جنگ هستیم، این چه کاری است که انجام می‌دهی؟
حضرت فرمودند: منتظر زوال هستم تا نماز بخوانم؟ ابن عباس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! آیا در این هنگام که سرگرم جنگ هستیم، وقت صحبت از نماز است؟ امیرالمؤمنین □ فرمودند: "ما برای چه با اینان جنگ می‌کنیم؟ ما به خاطر برپایی دین خدا و نماز با آنان می‌جنگیم."^۲
در حالات حضرت علی □ چنین آمده: به هنگام نماز، رنگ و رخسارش تغییر می‌کرد و بدن مبارکش به لرزه می‌افتاد و می‌فرمود: وقت ادای امانتی است که خداوند آن را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نموده ولی آنها از قبول آن خودداری کردند و انسان آن را قبول کرد و حال آنکه من ضعیف هستم و نمی‌دانم خوب می‌توانم آن امانت را ادا کنم یا خیر."^۳



۱۷۶

بخش دوم: منابر بانوان

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴
۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳
۳. همان، ج ۱، ص ۸

نماز حضرت زهرا 3

درباره روش زندگی و سیره نمازی آن حضرت نقل شده است: "كَانَتْ فَاطِمَةُ تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خَيْفَةِ اللَّهِ تَعَالَى؛ حضرت فاطمه 3 در نمازش از ترس خدا نفس نفس می‌زد [و گریه در گلویش می‌شکست]"^۱.

حضرت فاطمه □ هنگامی که به عبادت می‌ایستاد، بدنش از ترس مقام خداوند می‌لرزید و با تمام وجود به عبادت روی می‌آورد و موجب فخر خداوند بر فرشتگان بود. نقل است که حضرت از خوف خداوند در نماز نفس نفس می‌زد.^۲

امام حسن مجتبی □ می‌فرماید: "در شب جمعه، مادرم را دیدم که تا صبح در حال رکوع و سجود بود، به او گفتم: ای مادر! چرا همان طوری که برای دیگران دعا کردی برای خود دعا نکردی؟ فرمود: "الجار ثم الدار؛ اول همسایه، سپس خانه خود."^۳

معنویت و نماز حضرت آن چنان بود که به فرموده امام صادق □: "حضرت زهرا 3 هرگاه در محراب عبادت می‌ایستاد، نورش برای اهل آسمان می‌درخشید، همچنان که ستارگان برای ما زمینی‌ها درخشش دارند."^۴

نکته جالب آنکه حضرت زهرا 3 به عنوان مادر خانه، با این روش نه



۱. ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۳۹؛ علامه مجلسی، علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۴۰۰.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۵ ۸ ۲.

۳. همان، ج ۴۳، ص ۱ ۸، روایت ۳.

۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ۱، ۱ ۸ ۱؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۲ ۱.



تنها خودشان نسبت به نماز اهتمام داشتند، بلکه به فرزندان خود نیز آموزش نماز می‌دادند و این شیوه‌الگویی برای همه مادران است که با خواندن نماز در منزل، فرزندان را نیز به نماز تشویق نمایند.

نماز فرزندان حضرت زهرا³

فرزند اول حضرت زهرا³، امام حسن مجتبی نیز هرگاه برای نماز برمی‌خاست، بهترین لباس خود را می‌پوشید و می‌فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛^۱ و زمانی که به سوی مسجد حرکت می‌کرد، وقتی به در مسجد می‌رسید، سرش را به سوی آسمان بلند می‌کرد و با خشوع مخصوص می‌گفت: "الهی ضیفک بابک، یا محسن قد اتاک المسیة، فتجاوز عن قبیح ما عندی بجمیل ما عندک یا کریم؛ خدایا! مهمان تو به در خانه آمده‌ای نیکوبخش! گنه‌کاری به محضرت بار یافته، پس به لطف و کرم، از گناهانم بگذر، ای خدای بزرگوار!"^۲

نقل شده: هرگاه صدای مؤذن را می‌شنید، رخسارش متغیر می‌شد و رنگشان به زردی می‌گرایید. وقتی از آن بزرگوار علت آن را پرسیدند، فرمود: "خدای متعال، مؤذن را به سوی من فرستاده که از من بخواهد خدمت ویژه نماز را انجام دهم و من نمی‌دانم آیا آن خدمت و عمل را از من می‌پذیرد یا نه؟ اکنون چگونه رنگم متغیر نگردد!"^۳

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴، ص

۲. شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص

۳. نماز و عبادات حضرت امام حسن مجتبی ، ص

.۴

۵

۵

.۲

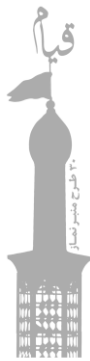
۶

۷

.۱

۷

ص



فرزند دیگر حضرت زهرا 3 یعنی امام حسین □ نیز حالات ویژه‌ای در نماز داشت و در هیچ حالت و موقعیتی، نماز خود را ترک ننمود؛ حتی در روز عاشورا و در آن کارزار حق و باطل، نماز خویش را بجا آورد. نقل شده: هرگاه امام حسین □ وضو می‌گرفت، رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد. به ایشان عرض کردند: "چرا چنین حالتی به شما دست می‌دهد؟" حضرت فرمود: "سزاوار است بر آن کسی که می‌خواهد بر خداوند وارد شود که حالش چنین باشد!"^۱

نماز دختر حضرت زهرا 3

حضرت زینب کبری 3 نیز در خضوع و خشوع و عبادت و بندگی، وارث مادرش حضرت فاطمه 3 بود و اکثر شب‌ها به تهجد صبح می‌کرد و دائماً قرآن تلاوت می‌فرمود. برخی از مورخین می‌نویسند: تهجد و شب زنده‌داری حضرت زینب کبری 3 در تمام عمرش ترک نشد، حتی شب یازدهم محرم سال ۶۱ هجری، با آن همه فرسودگی و خستگی و دیدن آن مصیبت‌های دلخراش. حضرت سجاد □ می‌فرماید: آن شب دیدم که عمه‌ام حضرت زینب کبری 3 در محراب عبادت، مشغول نماز است. امام زین العابدین □ همچنین فرمود: "عمه‌ام با این همه مصیبت و سختی‌های وارده از کربلا تا شام، نوافلش را ترک نکرد و در یکی از منازل دیدم نشسته می‌خواند، علت این کار را پرسیدم، پاسخ داد: به خاطر شدت گرسنگی و ضعف، سه شبانه‌روز است که دیگر نمی‌توانم

ایستاده نماز بخوانم؛ زیرا حضرت، غذای خود را بین کودکان تقسیم می‌کرد؛ چون دشمن به هر کدام ما در شبانه‌روز فقط یک قرص نان می‌داد."

و نیز روایت است: امام حسین □ برای وداع با حضرت زینب کبری 3 آمدند و فرمودند: "يَا أُخْتَاهُ لَا تَنْسِينِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ؛ خواهرم! مرا در نماز شب فراموش مکن!"^۱



۱۸۰

بخش دوم: منابر بانوان



منبر ششم: والدین و نماز فرزندان

وظایف و نقش مادران در ترغیب به نماز

راهبرد محتوایی

دوران کودکی، دوران بی‌بدیلی برای آموزش و نهادینه‌کردن آموزه‌های دینی و تشویق فرزندان به انجام فرائض الهی و به‌ویژه نماز است. در این راستا، وظیفه مادران بیشتر و تأثیرگذارتر است و آنان با فراگیری برخی از اصول، به راحتی می‌توانند عشق به نماز و عبادت را در فرزندان خود به وجود آورده، نمازگزاران حقیقی تربیت نمایند.

حکم شرعی

یکی از مستحبات نماز، قنوت است و اگر انسان آن را قبل از رکوع فراموش کرد، مستحب است بعد از رکوع قضا نماید و اگر در سجده یادش آمد، بعد از سلام آن را قضا کند.

قنوت، دعای خاصی ندارد و انسان می‌تواند هر دعایی بخواند، چنان‌که لازم هم نیست دعا به عربی باشد و می‌توان در قنوت، حاجات



خود را به زبان فارسی هم بیان کرد. البته روشن است که دعاهای قرآنی و یا دعاهایی که معصومین □ در قنوت خود می‌خوانده‌اند، از فضیلت و اولویّت خاصی برخوردارند.^۱

روایت

امام صادق □: "كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اِسْتِغْمَامٍ".

مقدمه بحث

هر پدر و مادری دوست دارد ثمره یک عمر زحمات خود را ببیند و فرزندی صالح، خوش‌رفتار، باخلاق، دیندار و اهل نماز و عبادت و مسجد داشته باشد؛ زیرا چنین فرزندی که بر اساس ایمان به خدا تربیت شده باشند، از بداخلاقی‌ها، انحراف‌ها و رفتارهای ناپسند و آلوده دوری می‌کنند و در دنیا و آخرت باعث خوشحالی و سعادت پدر و مادر می‌گردند. یکی از بهترین راههای تربیت فرزندان و سوق دادن آنان به سوی خوبی‌ها و معنویات، تلاش برای نمازخوان شدن است؛ زیرا نماز نماد دین و نشانه تقوا، پاکی و اهل دین بودن است و فرزندی که اهل نماز باشد، خودبه‌خود بسیاری از رفتارهای خوب را نیز می‌آموزد و در زندگی به کار می‌بندد؛ رفتارهایی مانند رعایت بهداشت؛ چون نمازگزار باید از نجاسات و آلودگی‌ها پاک باشد؛ از این‌رو انسان نمازگزار نیز بدن و لباسی پاک، حلال و پاکیزه خواهد داشت.

۱. محسن قرائتی، تفسیر نماز، ۱۵۸- ۹ ۵ ۱.

همچنین فرزند نمازخوان، یاد می‌گیرد که اهل نظم باشد و با خدای خود در ارتباط بوده، هیچ‌گاه او را فراموش ننماید.

اهمیت تربیت

دوران کودکی، برترین دوران برای تربیت است و به فرموده حضرت علی \square : "إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ كُلُّ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ؛ قلب بچه همچون زمین خالی است که هر چه (هر بذری) در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد."^۱

بر این باور، پدر و مادر وظیفه دارند که با کودک خویش به عنوان امانت الهی رفتار شایسته‌ای داشته باشند. آنان مانند یک باغبان باید این نونهال را پرورش داده و در حد توان خود، او را از آفات و گزندهای مادی و معنوی حفظ نموده، برای پرورش اخلاق، معنویت و صفات پسندیده در او، تلاش نمایند.

در این میان، مادر نقش حساس‌تر و فوق‌العاده‌ای را باید ایفا کند و زمینه را برای تقویت و رشد معنوی کودک آماده سازد و از جهات مختلفی همانند تغذیه حلال، ایجاد فضای معنوی در خانه و... بستر تربیت معنوی و گرایش به معنویات را در فرزند خویش فراهم سازد؛ زیرا تربیت دینی، بهترین هدیه و میراثی است که خانواده برای فرزند برجای می‌گذارد؛^۲ همان‌گونه که حضرت علی \square فرمود: "عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ

۱. نهج البلاغه، نامه

۱

۳ (نامه حضرت علی به امام حسن \square).

۲. "خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءَ لِأَبْنَائِهِمُ الْآدَبُ؛ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند،

←





أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ؛ خوبی را به خود و خانواده خویش بیاموزید و آنها را با ادب پرورش دهید".^۱

حضرت امام زین العابدین \square در خصوص انجام این مسئولیت حسّاس و سرنوشت ساز از پیشگاه قادر متعال استعانت می‌طلبد و از درگاه حی یگانه خواسته است: "وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرَّهِمْ؛ [پروردگارا] مرا در پرورش و ادب نمودن فرزندان و نیکی به آنها یاری فرما".^۲

برخی از راهکارهای تشویق فرزندان به نماز

چگونه می‌توان فرزندان را به نماز تشویق کرد و آنان را با این فریضه الهی مأنوس نمود؟

برای دستیابی به این مهم، چند راهکار پیشنهاد می‌شود که ان شاءالله با رعایت آنها، فرزندان اهل نماز تربیت خواهند شد.

۱. آشنایی با اهمیت دوران کودکی

اولین نکته آن است که بدانیم دوران کودکی، بهترین دوران یادگیری و آموزش است و هرچه کودک در این دوران یاد بگیرد، برای همیشه در ذهن او خواهد ماند؛ اگر چه معنای کلمات را نفهمد.

→

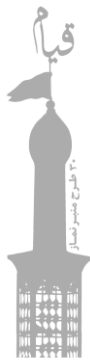
ادب است.^۱ (شیخ کلینی، کافی، ۸، ص ۰ ۰ ۰ ۱).
۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱، ص ۵۶؛ جلال‌الدین سیوطی، الدرالمختور، ج ۶، ص ۴ ۴ ۴
۲. صحیفه سجّادیه، دعای ۵ ۰ ۲.

یک نمونه

روزی خانمی فرانسوی، تحت عمل جراحی قرار گرفت، زمانی که تیغ جراح به عصبی از اعصاب مغز او رسید، در حالت بی‌هوشی، شروع به خواندن سرودی آلمانی کرد. گروه جراح شگفت‌زده شدند و شگفتی آنان زمانی بیشتر شد که بعد از عمل جراحی فهمیدند این خانم اصلاً زبان آلمانی بلد نیست. بعد از بررسی روشن شد وقتی این خانم نوزاد بوده، سربازان آلمانی به فرانسه حمله کرده بودند و وارد محل سکونت این نوزاد شده بودند و در آن لحظه سرود می‌خواندند و این سرود در ضمیر ناخودآگاه کودک نقش بسته است.^۱

برای همین اسلام سفارش کرده است که پس از تولد نوزد، اولین کلماتی که در گوش او گفته می‌شود، ذکر اذان و اقامه باشد تا با کلماتی مانند خدا (الله اکبر، لا اله الا الله)، نماز (حیّ علی الصّلاه)، پیامبر اسلام (اشهد ان محمدا رسول الله)، رستگاری و فلاح (حی علی الفلاح)، انجام کار خوب (حی علی خیرالعمل) و مانند آن آشنا شود و این کلمات در روح و جان نوزاد بنشیند تا وقتی بزرگ شد، وقتی این کلمات به او گفته شد، احساس انس و آشنایی داشته و به نماز، عبادت و خداپرستی علاقه‌مند گردد.

بنابراین، برای آشنایی فرزندان با نماز باید مقدمات آن را از همان سال‌های اولیه آغاز نمود. این‌گونه نیست که انتظار داشته باشیم ما هیچ



۱. نک: حسین دهنوی، نسیم مهر، ۱، ۶ و ۶۷؛ محمدعلی کریمی‌نیا، الگوهای تربیت

کودکان و نوجوانان، ص ۰ و ۴ و ۱ و ۴.



عملی انجام ندهیم، بعد دختر یا پسر ما به محض آنکه به سن تکلیف رسیدند، خودبه‌خود اهل نماز باشند. چنان‌که برای آموزش مسائل دیگری مانند حجاب نیز باید از همان دوران کودکی شروع کنیم، وگرنه بچه‌ها هرچه بزرگ‌تر شوند، ترک عادت گذشته برای آنان مشکل‌تر خواهد بود و چه بسا چنین تغییری ناممکن باشد. بنابراین، برای آموزش عبادت و نماز باید از همان سنین اولیه، کار آشنایی انجام گیرد تا جرقه‌های اولیه انس با نماز در فرزند شکل بگیرد و پس از آن که به بلوغ رسیدند، نماز خواندن برای آنان کار مشکل و سختی به نظر نیاید.

۲. رعایت تدریج

این آموزش به صورت تدریجی و مرحله به مرحله باشد و در سنین مختلف و متناسب با درک و فهم کودک، برخی آداب دینی به او آموزش داده شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: "هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، "لا اله الا الله" را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است)! وقتی هفت ماه دیگر گذشت، "محمد رسول الله" را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن‌گاه "صلوات" فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده، بگویید سجده کند.

آن‌گاه او را تا شش سالگی واگذارید؛ فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید که نماز بخواند تا هنگامی که نه ساله شد، وضو و نماز را به



نیکی فرا آموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت، خداوند پدر و مادر او را به خاطر این آموزش آنها خواهد آمرزید.^۱

حضرت علی \square نیز تأکید کرده‌اند: "وقتی کودک به پنج سالگی رسید و دست چپ و راست خود را شناخت او را در برابر قبله ننگه داشته و دستور دهید سجده کند، در شش سالگی رکوع و سجود را به او بیاموزید و در هفت سالگی شستن دست و صورت و مراسم نماز را به او یاد دهید و در نه سالگی وضو را کاملاً به وی بیاموزید و وادار کنید نماز بخواند."^۲

۳. روش الگویی

بچه‌ها روحیه تقلید بالایی دارند و به آنچه پدر و مادر انجام می‌دهند، با دقت و تمرکز نگاه کرده، سپس خود نیز آن را تکرار می‌کنند.

بچه‌ای که در خانه‌ای زندگی می‌کند که بزرگ‌ترها اهل نماز بوده، با شنیدن صدای اذان آماده نماز می‌شوند و از دیگر کارها دست کشیده و به اقامه نماز می‌پردازند، به طور طبیعی او نیز چنین روشی را می‌آموزد و خود در زندگی به کار می‌بندد.

اگر چنین شود، خود بهترین آموزش است. در غیر این صورت، گفته‌هایشان هیچ‌گونه اثری نخواهد داشت. به قول معروف: خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از آن صفت آب‌دهی

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳

۱.

۹

۳

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴

۲.

۵



حضرت صادق □ می فرماید: "كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با غیر زبانتان [با عملتان به سوی خدا] بخوانید."^۱

یک داستان آموزنده

روزی از سهل شوشتری که اهل کرامت بود پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ ایشان پاسخ دادند: من در کودکی نزد دایی‌ام زندگی می‌کردم، وقتی هفت ساله بودم، یک نیمه شبی از خواب بیدار شدم برای قضای حاجت. وقتی که برگشتم بخوابم، دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته و عبايي به دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آنگاه از من پرسید: پسر چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب!

گفتم از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایی‌ام به من گفت: برو بخواب. گفتم دوست دارم هرآنچه شما می‌گویید من هم تکرار کنم. دایی‌ام مرا روبه قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو یا حاضر و یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر و یا ناظر را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را هم آموختم و پس از آنکه وضو می‌گرفتم، هفت مرتبه می‌گفتم: یا حاضر و یا ناظر. بالاخره کار به جایی رسید که من بدون

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص

۶

۴

۲.



اینکه نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می‌کردم و از این کار بی‌نهایت لذت می‌بردم. اکنون رسیدن به این مقام را از لطف رفتار دقیق و منصفانه دایی‌ام در آن دوران حساس زندگی می‌دانم.

این داستان حقیقی به ما می‌فهماند که طرز رفتار مناسب با فرزندان در هر دوره‌ای، بهترین عامل مؤثری است، برای آنکه فرزندانمان در آینده، شب‌زنده‌داران واقعی به حساب آیند و ذخیره معنوی برای ما باشند.^۱

وقتی فردی همانند دایی خانواده چنین تأثیری می‌تواند داشته باشد، بی‌تردید، مادر و پدر، برادر و خواهر نقش بسیار بیشتری خواهند داشت.

۴. صبر و حوصله

مادران خیلی وقت‌ها از کار زیاد خانه خسته می‌شوند؛ از پخت و پز و مسئولیت‌های ریز و درشت خانه که بر عهده آنها نهاده شده است، بی‌حوصله و کم صبر می‌شوند. اما مادران به‌خاطر مهر و عاطفه‌ای که به فرزندان خود دارند، حاضر نیستند گرسنگی و سختی بچه‌ها را تحمل نمایند، از این‌رو همواره غذاهای متنوع و مختلفی برای آنان مهیا می‌کنند تا در رشد آنان مشکلی ایجاد نگردد.

همین روحیه را مادران باید درباره تغذیه معنوی فرزندان انجام دهند و با صبر و حوصله‌ای مضاعف، آنان را به ارتباط با خدا، اقامه نماز و رعایت

۱. ۳۸.

۶

۱. اصغر محمدی همدانی، توشه‌ای از خرمن نماز، ص ۱۲۵، بلا



آداب بندگی دعوت نمایند و بستر رشد معنوی آنان را فراهم سازند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ خانواده‌ات را به نماز سفارش کن و بر انجام آن شکیبا باش".^۱ اگر پیامبر عظیم الشان اسلام □ را بهترین الگوی خویش می‌دانیم، باید با صبوری زیبا در برابر نافرمانی و ناسازگاری‌های اولیه فرزندان در تن ندادن آنها به تکالیف دینی و با تفکر و تأمل برای کشف راه‌های مناسب و شیوه‌های مؤثر در برخورد با این‌گونه مشکلات، راه را در هموار کردن پیدایش حس دینی آنها باز کنیم.^۲

دو داستان از روش پیامبر □

امام صادق □ می‌فرماید: "روزی پیامبر □ در حال نماز خواندن بود و امام حسین □ (که هنوز به خوبی زبانش باز نشده بود) در کنار حضرتش ایستاده بودند. پیامبر □ برای شروع نماز، تکبیره الاحرام گفتند، امام حسین □ نیز سعی کردند که الله اکبر بگویند اما نتوانستند. پیامبر □ دوباره تکبیر گفتند و امام تلاش می‌کردند که الله اکبر بگویند اما باز نتوانستند. پیامبر □ تا هفت بار گفتن تکبیره الاحرام را تکرار کردند، تا اینکه در تکبیر هفتم زبان امام حسین □ باز شد و **تکبیره الاحرام** را درست ادا کردند. امام صادق (علیه السلام) در پایان فرمودند: از این رو بود که هفت تکبیر سنت شد".^۳

۱. طه: ۲

۳

۱.

۲. نک: عبد العظیم کریمی، نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان، ۷۰.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۰، ۲.



همچنین روزی پیامبر □ در مسجد مشغول نماز خواندن بود، وقتی که آن حضرت به سجده رفتند، امام حسین □ که در آن هنگام خردسال بودند، بر پشت پیامبر □ سوار شدند و شروع به بازی نمودند. هنگامی که رسول خدا □ می‌خواست سر از سجده بردارد، او را می‌گرفتند و به زمین می‌نهادند.

یک نفر یهودی ناظر این صحنه بود، پس از نماز به پیامبر □ عرض کرد: به راستی شما با کودکانتان این‌گونه رفتار می‌کنید؟ ما هرگز اینگونه محبت به کودکان نشان نمی‌دهیم.

پیامبر □ به او فرمودند: اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشتید، این‌گونه به کودکان خود محبت می‌نمودید. همین شیوه مهرانگیز رسول خدا □، آن‌چنان آن یهودی را به اسلام جذب کرد، که او همان لحظه مسلمان شد.^۱

۵. تشویق و جذاب‌سازی

تشویق، اثر معجزه‌آسایی برای تداوم کار و انجام دوباره آن دارد، به ویژه در کودکان و نوجوانان که روحیه‌ای عاطفی و قلبی مهربان و حساس دارند، با این نوع برخورد، اثرات ماندگاری در ذهن آنان نقش خواهد بست و باعث اشتیاق بیشتر آنان به خواندن نماز خواهد شد. در این راستا می‌توان علاوه بر تشویق، از خوشایندسازی محیط نیز استفاده کرد و فضای نماز را برای آنان جذاب و دلپذیر نمود؛ مانند تهیه کردن

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۲، ۴، ص

۶

۹

۲.



جانماز، مهر، تسبیح، لباس سفید، قبله‌نما، گرفتن جشن تکلیف و... در این باره نوع رفتار امام خمینی □ با نوه‌اش به هنگام نماز بسیار آموزنده است. یکی از نوه‌های امام می‌گوید: وقتی بچه بودم، یک‌بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان که همان جا بود، برداشتند [به عنوان هدیه] به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم، یا ایشان مرا می‌دید، از من می‌پرسید [آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.^۱

۶. همراه‌سازی با دوستان خوب

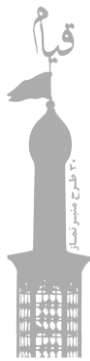
نقش دوستان و رابطه و دوستی با افرادی که اهل نماز، مسجد و مانند آن هستند، تأثیر بسزایی در گرایش فرزندان به نماز دارد. در این راستا، شرکت در نماز جماعت مسجد و همراه بردن فرزندان به مسجد، کاری ستودنی و اثرگذار است. قرآن کریم می‌فرماید: "يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید."^۲

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ مال و

۱. نک: حسین بافکار، شیوه‌های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی والدین

(بخش اول)، ص ۶ ۵.

۲. اعراف: ۱ ۳.



۱۹۳

فرزندان، زینت و زیبایی زندگی دنیا هستند".^۱

وقتی این دو آیه را کنار هم قرار دهیم، همراه بردن فرزندان به مسجد فهمیده می‌شود؛ تا فرزندان، با انس و محبتی که با مسجد و اهل آن پیدا می‌کنند، در مسیر صحیح زندگی قرار گرفته، از فوائد و برکات بی‌شمار مسجد بهره‌مند گردند؛ به فرموده امام حسن مجتبیٰ (ع):

"مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ، أَصَابَ إِحْدَى مَهْمَانِ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَأَخًا مُسْتَفَادًا وَعِلْمًا مُسْتَطَرَفًا وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى وَتَرْكَ الدُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ حَشْيَةً؛ کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از این هشت بهره، نصیبش خواهد شد: ۱. یافتن دلیل محکم و قاطع [در راه هدف]؛ ۲. آشنایی با برادران مفید؛ ۳. [استفاده از] دانش‌های نو و اطلاعات تازه؛ ۴. رسیدن به رحمتی مورد انتظار [از طرف خداوند]؛ ۵. آموختن سخنانی که هدایت می‌کند؛ ۶. یا کلماتی که او را از پستی باز می‌دارد؛ ۷. ترک گناه و معصیت به دلیل شرم یا ترس"^۲

نکته پایانی

نیت خیر و صحیح باید با عمل صحیح همراه شود، تا نتیجه شیرین و زیبایی به بار بنشانند؛ برای نمازخوان کردن فرزندان والدین باید مراقب باشند که مبدا خدای ناکرده با روش‌های نادرست، فرزندان را از نماز دلزده و پشیمان نمایند و خاطره تلخی از نماز در ذهنشان نقش ببندد؛

۱. کهف: ۶

۴.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص

۵

۳

۲.

از این رو باید اصل آسان‌گیری و پرهیز از خشونت را، همواره مدنظر قرار داده، از خسته‌کردن آنان با برنامه‌های اضافی و تعقیبات نماز و مانند آن خودداری نمایند تا به تدریج، خود کودک و نوجوان به این برنامه علاقه‌مند شود و آن را انجام دهد.





۱۹۵

منبر هفتم: پوشش بانوان در نماز

منبر هفتم: پوشش بانوان در نماز

راهبرد محتوایی

در این جلسه ضمن اشاره به ضرورت و ارزشمندی حجاب برای بانوان و ذکر مصادیقی از حجاب بانوان اهل بیت □، به شبهه چرایی لزوم پوشش بانوان در نماز پاسخ داده می‌شود.

حکم شرعی

بر زنان واجب است در نماز تمام بدن و موی خود را به غیر از صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دست‌ها تا مچ و پاها تا مفصل ساق با پوششی که کاملاً بدن را می‌پوشاند، بپوشانند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشانند.^۱

روایت

حضرت زهرا^۳: "خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَهُنَّ الرِّجَالَ".

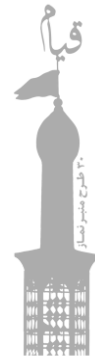
۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س۱۱

مقدمه

در عصر حکومت رضاخان، یکی از علمای ربانی به نام مرحوم آیت الله سید باقر سیستانی، سعی بسیار داشت تا به محضر مبارک امام زمان حضرت ولی عصر 4 شرفیاب گردد. او برای رسیدن به این سعادت بزرگ تصمیم گرفت چهل جمعه در مسجدی از مساجد، زیارت عاشورا بخواند. او به این تصمیم عمل کرد و هر جمعه به قرائت زیارت عاشورا ادامه داد. او می‌گوید: در یکی از جمعه‌های آخر که مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم، ناگهان نوری را از خانه‌ای نزدیک مشاهده کردم. حالت معنوی عجیبی پیدا کردم و به دنبال آن نور رفتم. خود را نزدیک آن خانه رساندم، دیدم نور عجیبی از داخل آن خانه می‌درخشد. در را زدم و با اجازه وارد شدم، دیدم حضرت ولی عصر 4 در یکی از اتاق‌های خانه تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه‌ای را مشاهده نمودم. منقلب شدم، در حالی که اشک از چشمانم سرازیر بود، به آقا امام زمان □ سلام کردم.

آقا جواب سلام مرا دادند و فرمودند: چرا این‌گونه دنبال من می‌گردی و آن همه رنج‌ها را تحمل می‌کنی، مثل این باشید (اشاره به جنازه)، تا من به دنبال شما بیایم.

سپس فرمودند: این جنازه، جنازه بانویی است که در عصر کشف حجاب رضاخان، هفت سال برای حفظ عفت خود از گزند حکومت رضاخان، از خانه بیرون نیامد تامبادا نامحرم او را ببیند.^۱



۱۹۶

بخش دوم: مناظر بانوان



ارزش حجاب

یکی از ارزش‌های زیبایی که خداوند برای زنان در نظر گرفته، حفظ حجاب و قرار دادن نیروهایی درونی مانند حیا و عفت در نهاد بانوان است که باعث می‌شود خود را با معنویت پیوند زده و از زشتی‌ها و گناهان دوری نمایند.

حجاب به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است.^۱ به نگرهبان، حاجب می‌گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص می‌گردد؛ بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

حجاب در قرآن

- "وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به زنان مؤمن بگو دیدگان خود فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را از نگاه بیگانگان بپوشانند!"^۲

- "وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار نمایند."^۳

- "وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ و سر و سینه خود را با مقنعه بپوشانند."^۴

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغه، الحجاب: الستر؛ محمدبن علی المقرئ الفیومی،

المصباح المنیر، حجه حجباً من باب قتل: منعه و منه قیل للستر الحجاب لانه یمنع المشاهده.

۲. نور: ۱

۳.



– وَ لَا يَدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَيَّ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ؛ وَ زینت‌های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بردگان خود، یا افراد سفیه که تمایل به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند."

– "وَ لَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ وَ پاهایشان را به زمین نکوبند تا آنچه از زینت پنهان می‌کنند، معلوم شود."^۱

– "يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های (روسری و چادر) خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته گردند و اذیت نشوند، نزدیک‌تر است؛ و خدا آمرزنده و مهربان است!"^۲

– "غَيْرِ مُتَّبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ؛ زنان، (در برابر نامحرمان) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند."^۳

– "إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْقَانِتَاتِ وَ الصَّادِقِينَ

۱. نور: ۱

۲. احزاب: ۹

۳. نور: ۶



و الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الخَاشِعِينَ وَ الخَاشِعَاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَاتِ وَ الصَّامِينَ وَ الصَّامَاتِ وَ الحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.^۱

حجاب در سیره خاندان پیامبر □

امیرمؤمنان علی □ می فرماید: "روزی همراه گروهی در محضر رسول خدا □ نشسته بودیم. آن حضرت به ما رو کرد و فرمود: "بهترین کار برای زنان چیست؟"

هیچ کدام از حاضران نتوانستند جواب صحیح بدهند. هنگامی که متفرق شدند، من به خانه بازگشتم و همین موضوع را از حضرت زهرا 3 پرسیدم، و ماجرای سؤال پیامبر □ و پاسخ صحیح ندادن اصحاب را برای او تعریف کردم و گفتم: هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ صحیح بدهیم.



حضرت زهرا³ فرمود: ولی من پاسخ این سؤال را می‌دانم، و آن این است که: "خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ؛ صلاح زنان در آن است که آنها مردان نامحرم را نبینند، و مردان نامحرم آنها را نبینند".

من به محضر رسول خدا بازگشتم و عرض کردم: "ای رسول خدا! از ما پرسیدی که چه کار برای زنان برتر است، پاسخش این است که برترین کار برای زنان این است که آنها مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم آنها را نبینند".

پیامبر فرمود: "چه کسی به تو چنین خبر داد، تو که اینجا بودی و پاسخی نگفتی؟"
علی عرض کرد: "فاطمه³ چنین فرمود."
با شنیدن این پاسخ، پیامبر فرمود: "به درستی که فاطمه پاره تن من است."^۱

بوی نامحرم

روزی مرد نابینایی با کسب اجازه به محضر حضرت زهرا³ آمد. حضرت از او فاصله گرفت و خود را پوشانید. پیامبر اکرم که در آنجا حضور داشت، از حضرت زهرا³ پرسید: "با این که این مرد نابیناست و تو را نمی‌بیند، چرا خود را پوشاندی؟"

حضرت زهرا³ در پاسخ فرمود: "انْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَانِّي اَرَاهُ وَ هُوَ يَشَمُّ الرِّيحَ؛ اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم، وانگهی او بو را استشمام می‌کند".

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۰، ۶۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۴، ۳، ۴، ۵.

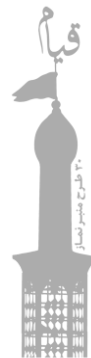
پیامبر اعظم □ - به نشانه تأیید شیوه و گفتار حضرت زهرا 3 - فرمودند:
"أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی".^۱

حجاب حضرت فاطمه 3

هنگامی که مسئله غصب فدک رخ داد و این خبر به حضرت زهرا 3 رسید، حضرت زهرا 3 تصمیم گرفت به مسجد برود و در آنجا به عنوان حمایت از حق، سخنرانی کند. عبدالله بن حسن - نوه امام حسن مجتبی □ - به نقل از پدران خود، چگونگی حرکت حضرت زهرا 3 را چنین تبیین می‌کند: "لَا تَتَّخِذِي خِمَارًا عَلَيْ رَأْسِهَا، وَاسْتَمَلْتِي بِجَلْبَابِهَا وَاقْبَلْتِي فِي لَمَّةٍ مِنْ حَقْدَتِهَا وَنَسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأُ دُبُوبًا...؛ حضرت زهرا 3 روسری خود را بر سرش پیچید^۲ و عبای خود را (که مانند چادر، روپوشی وسیع بود) به سر نمود و میان گروهی از یاران و زنان خویشاوندش (به سوی مسجد) حرکت کرد، آن حضرت هنگام راه رفتن (بر اثر شتاب یا بلندی لباس) به قسمت پایین لباسش پا می‌گذاشت (در نهایت پوشیدگی راه می‌رفت)، شیوه راه رفتن او (در متانت و وقار) همچون شیوه راه رفتن رسول خدا □ بود، تا اینکه بر ابوبکر وارد شد".^۳



۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ۴، ص ۳، ۱، ۹.
۲. "خمار" به معنای روسری معمول آن زمان است که زنان با آن سر، گردن و سینه خود را می‌پوشاندند.
۳. شیخ طبرسی، احتجاج، ۱، ۷، ۹؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱، ۶، ۱۱، ۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ۲، ۹، ص ۶، ۱، ۲.



دختر جوان زهرا 31

یحیای مازنی یکی از اهالی مدینه می‌گوید: مدت‌ها در مدینه، در همسایگی علی □ در یک محله زندگی می‌کردم. منزل من در کنار منزلی بود که "زینب" دختر علی □ در آنجا سکونت داشت. به خدا سوگند! هیچ‌گاه کسی، قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می‌خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا □ برود، در دل شب و به همراه پدرش امیرمؤمنان □ و برادرانش حسن و حسین □ می‌رفت. علی □ دربارهٔ تشرّف این‌گونه زینب □ به امام حسن □ می‌فرمود: "أَخْشَى أَنْ يَنْظَرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبُ؛ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند".^۱

یک پرسش و پاسخ آن

هر زن مسلمانی با توجه به دستور قرآن و سیره زندگی اهل بیت □ به خوبی می‌داند که رعایت حجاب امری واجب است که همه زنان مسلمان باید بدان پایبند باشند و خود را از نگاه نامحرم حفظ نمایند، ولی پرسش این است که مگر خدا به همه مَحْرَم نیست، پس چرا خانم‌ها در نماز باید حجاب کامل داشته باشند؟

در پاسخ باید گفت: بی‌تردید، حکمت پوشش بدن و رعایت حجاب اسلامی زن در حال نماز، پنهان کردن و مستور نمودن خود از خدا

۱. جمعی از نویسندگان، وفیات الائمة، ۳۵ ۴؛ شیخ جعفر نقدی، زینب کبری، ۲ ۲؛ ذبیح‌الله

محلّاق، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۰، ۶.

نیست؛ زیرا چیزی از علم خدا پنهان نیست و خداوند بر همه چیز، در همه حالات آگاه است. لکن حکمت‌های دیگری در کار است که ممکن است موارد زیر نیز از حکمت‌های حجاب هنگام نماز باشد.

۱. رعایت ادب

از حکمت‌های این حکم، پاسداشت شرف حضور به محضر ربوبی و رعایت ادب است؛ یعنی همان‌گونه که رعایت پوشش زن در برابر دیگران و در محافل رسمی، حتی در برابر والدین نوعی حفظ حرمت محسوب می‌شود، نماز خواندن با پوشش لازم و کامل هم نوعی حفظ حرمت به ارتباط با خداوند یا به جایگاه نماز به حساب می‌آید. این مسئله در ادیان دیگر هم در هنگام عبادت وجود داشته و حفظ حجاب برای زنان به خصوص در وقت عبادت، دارای اهمیت ویژه بوده است.^۱ به همین دلیل است که برای مرد نیز در بر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.^۲

۲. باعث پیدایش حضور قلب

حکمت دیگر این است که رعایت حجاب و آداب دیگر مانند پاک بودن بدن و لباس، در تحصیل حضور قلب مؤثر است. بی‌شک، وجود پوششی یک‌پارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می‌کند و از التفات ذهن به تجملات و

۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، ۹، ۴۲، ۲، به نقل از مجله پیام زن، ۲۰، ۸۰-۸۳.

۲. نک: آیه الله سبحانی و آیه الله مکارم شیرازی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، ۳۰۹.



چیزهای رنگارنگ می‌کاهد و ارزش نماز را صدچندان می‌کند.

۳. توجه به ارزش و اهمیت حجاب

این حکم به زنان مسلمان می‌فهماند که حجاب، مطلوب خداوند است، به گونه‌ای که حتی در نماز از زن مسلمان خواسته با حفظ حجاب با خداوند سخن بگویند؛ چون او بنده‌اش را این گونه می‌پسندد. چه بسا این دستور تمرینی باشد برای حفظ حجاب.

۴. امر خداوند است

گذشته از دلایل و حکمت‌هایی که اشاره شد، بهترین دلیل رعایت حجاب در نماز "تعبد" است؛ یعنی ما مسلمانان معتقدیم که اگر خداوند انجام کاری را برای انسان واجب کرده یا عملی را حرام اعلام کرده است، حتماً منفعت و سود آن نصیب انسان خواهد شد و اگر هم انسان امروزی نتواند با عقل خود آن را بفهمد، اما چون فرد مسلمان به حکمت، مصلحت و علم و تدبیر الهی باور دارد، هر آنچه را خداوند فرموده می‌پذیرد و با علاقه و اشتیاق، اطاعت می‌نماید. رعایت حجاب در نماز نیز دستور الهی است که پیامبر □ و اهل بیت □ بر آن تأکید کرده و رعایت آن را واجب شمرده‌اند و هر زن و مرد مسلمانی، آن را انجام خواهد داد.





منبر هشتم: تعقیبات نماز و تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها)

راهبرد محتوایی

در راستای تکمیل، کیفیت بخشی و ارتقای نماز، آشنایی با برخی تعقیبات همانند تسبیح حضرت زهرا³، سجده شکر و مانند آن ضروری است که در این نوشتار بدان پرداخته شده است.

حکم شرعی

به گفته مراجع معظم تقلید، مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود، رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند بخواند و از تعقیب‌هایی که خیلی سفارش شده است، تسبیح حضرت زهرا □ است.

روایت

امام علی □: "مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ".

مقدمه بحث

اهمیت تعقیبات نماز

همه نمازگزاران دوست دارند که نمازشان با بهترین کیفیت و بالاترین درجه مقبولیت را نزد پروردگار متعال کسب نمایند و با جلب رضایت الهی، برکات و ثمرات مادی و معنوی نماز خویش را مشاهده نمایند؛ زیرا به تعبیر روایات، کسی که یک نماز او پذیرفته شود، برات آزادی از جهنم به او داده خواهد شد. امام صادق □ می‌فرماید: "مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ؛ هر کس که خداوند از او تنها یک نماز بپذیرد، او را عذاب نخواهد کرد و کسی را که خداوند از او یک حسنه بپذیرد، عذابش نمی‌کند".^۱

این رهایی از جهنم، گوشه‌ای از الطاف پروردگار به نمازگزاران است که با آمرزش گناهان، آنان را از ثواب و ثمره حقیقی نماز بهره‌مند می‌نماید. امام علی □ می‌فرمود: "مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ هر کس نماز بگذارد، در حالی که به حق آن آشنا باشد، خداوند او را می‌آمرزد".^۲

همچنین ایشان می‌فرماید: "امر نماز را مراعات کنید و بر آن



۲۰۶

بخش دوم: منابر بانوان

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲

۲، ح

۷.

۱

۷ ۳.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۵.



محافظت کنید و آن را بسیار به جا آورید و به وسیله آن تقرب بجویید... که نماز گناهان را مانند ریختن برگ از درخت، فرو می‌ریزد و همچون باز شدن بندها، آدمی را رها می‌کند.^۱

امام صادق \square نیز فرمودند: "مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ؛ کسی که آگاهانه و با توجه به مفاهیم، دو رکعت نماز بخواند، در حالی نمازش را به پایان می‌برد که میان او و خدایش هیچ گناهی نمانده است."^۲

امام باقر \square می‌فرماید: "شخصی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: ثواب نماز را برای من بیان کن، حضرت فرمود: هنگامی که به نماز می‌ایستی و توجه به خداوند می‌کنی و فاتحه‌الکتاب می‌خوانی و سوره‌ای را تلاوت می‌کنی و به رکوع و سجود می‌روی و آنها را کامل به جا می‌آوری و تشهد و سلام می‌دهی، بدان که تمام گناهان تو که بین دو نماز هست، بخشیده می‌شود. این پاداش نماز توسل در نماز."^۳

و پیامبر اکرم \square در روایت دیگر فرمودند: "مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَلَمْ يَحْدِثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ دُنُوبَهُ؛ کسی که دو رکعت نماز به جا آورد و در آن با نفس خود از امور دنیایی صحبت نکند، خداوند

۱. نهج البلاغه، خطبه ۷
۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷
۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۵



گناهان او را می‌آموزد".^۱

تعقیبات و نوافل، مکمل نماز

در این احادیث نکته مهمی ذکر شده است و آن اینکه، شرط برخورداری از این آثار نماز، توجه و آشنایی با مفاهیم نماز است که نمازگزار باید با توجه قلبی و نیز توجه به معانی نماز و شناخت بهتر خداوند، به این مهم دست یابد و نمازی کامل و مقبول به‌جا آورد. یکی از مواردی که در کامل کردن نماز، نقش بسزایی دارد، خواندن تعقیبات است.

تعقیب عبارت است از اینکه نمازگزار پس از ادای نماز، به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند، گریه از ترس یا اشتیاق به او، بپردازد.^۲

انجام تعقیبات، از مستحباتی است که تأکید فراوانی بر آن شده و دارای بهره‌های دنیوی و اخروی فراوانی است. مسعدة بن صدقه از امام باقر \square نقل کرده که فرمودند: "كَانَ أَبِي يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِذَا فَرَعْتَ فَأَنْصِبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ، إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَأَنْصِبْ فِي الدُّعَاءِ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ؛ پدرم درباره آیات "فإذا فرغت فانصب و إلى ربك فارغب"، می‌فرمود: هنگامی که نماز را به‌جا

۱. همان، ج ۱، ص ۸.

۲. نک: سید محمدکاظم یزدی، العروة الوثقی، ج ۷، ص ۳.



آوردی و از انجام آن فارغ شدی، پس از سلام نماز، با همان حال نشسته، خود را به دعا کردن دربارهٔ امور دنیا و آخرت مشغول ساز (و به زحمت انداز) و چون از دعا فارغ شدی، به سوی خداوند عزوجل توجه کن که نمازت را قبول کند!"

و امام صادق \square فرمودند: "التَّعْقِيبُ أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الصَّرَبِ فِي الْبِلَادِ؛ تأثیر تعقیبات در به دست آوردن رزق و روزی، از مسافرت کردن در شهرها بیشتر است" \square ^۲

همو فرمود: "إن الله فرض الصلوات في أحبِّ الأوقات، فاسألوا حوائجكم عقيب فرائضكم؛ خداوند نمازها را در بهترین زمان‌های شبانه‌روز بر شما واجب نموده است، پس (از فرصت استفاده کنید) و نیازهای خود را پس از نمازهای واجب، از خداوند درخواست نمایید" \square ^۳

نمونه‌ای از تعقیبات وارده

۱. تسبیح حضرت فاطمه 3

تسبیح حضرت فاطمه زهرا 3 مشتمل بر سه جمله است و آنها عبارت‌اند از:

"اللَّهُ أَكْبَرُ" ۳۴ بار.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، ص ۹ ۲ ۴.
۲. سید بن طاووس، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات، ۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، ص ۹ ۲ ۴.
۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، ص ۱ ۳ ۴.



"الْحَمْدُ لِلَّهِ" ۳۳ بار.

"سُبْحَانَ اللَّهِ" ۳۳ بار.

دلیل نامیده شدن این اذکار به "تسبیح فاطمه زهرا" 3 این است که فاطمه 3 از پیامبر اکرم □ درخواست کرد که کنیزی به او بدهد که در کارهای خانه کمک کند. پیامبر □ در جواب فرمود: "یا فاطمه أُعْطِيَكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ تُكَبِّرِينَ اللَّهَ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتُحَمِّدِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً وَتُسَبِّحِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً ثُمَّ تَخْتَمِينَ ذَلِكَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهَ فَذَلِكَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَمِنَ الَّذِي أَرَدْتِ؛ ای فاطمه! چیزی بهتر از آن به تو عطا می‌کنم، [و آن این است که] بعد از هر نماز ۳۴ بار تکبیر خدا، ۳۳ بار حمد خدا و ۳۳ بار تسبیح خدا را می‌گویی و آن را با ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ختم می‌کنی. و این بهتر است از دنیا و هر چه در آن است و بهتر از آن چیزی (کنیزی) است که می‌خواستی."

از آن به بعد، حضرت فاطمه 3 بعد از هر نماز، به گفتن این ذکرها مداومت کرد و این ذکرها به آن حضرت منسوب شد.^۱

فضیلت تسبیح حضرت

امام باقر □ فرمودند: "مَا □ عُبِدَ اللَّهُ □ بِشَيْءٍ □ مِنْ □ التَّحْمِيدِ □ أَفْضَلَ □ مِنْ □ تَسْبِيحِ □ فَاطِمَةَ 3 □ وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَاطِمَةَ؛ خداوند در مقام ستایش، به چیزی برتر از تسبیح حضرت فاطمه 3 ستایش نشده است و اگر از این تسبیح چیزی برتر بود، پیامبر □ همان

۱. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، با تحقیق آصف فیضی، ج ۱، ص ۱۶۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار،

را به فاطمه می‌بخشیدند" ۱.

ابا خالد می‌گوید: از امام صادق □ شنیدم که فرمودند: "تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ 3 فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ □ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ گفتن تسبیح حضرت فاطمه 3 در هر روز و پس از هر نمازی، نزد من از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز محبوب‌تر است" ۲.

ذکری برای همیشه

جالب آنکه این ذکر تنها مخصوص نماز نیست و برای امور مختلف قابل استفاده است و همگان می‌توانند با استفاده از این ذکر، از برکات آن بهره‌مند گردند؛ همان‌گونه که از امیر مؤمنان علی □ روایت شده است که فرمودند: "قَوَّ اللَّهُ مَا تَرَكَتَهُنَّ مِنْدُ عَلَمَنِيهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ؛ به خدا سوگند! از آن روزی که رسول خدا آن ذکرها را به من یاد داده است، هیچ‌گاه آنها را ترک نکرده‌ام".

شخصی پرسید: حتی در شب‌های جنگ صفین هم ترک نکرده‌ای؟! فرمود: "نَعَمْ وَلَا لَيْلَةَ صَفِّينَ؛ آری! حتی در شب‌های جنگ صفین هم ترک نکرده‌ام" ۳.

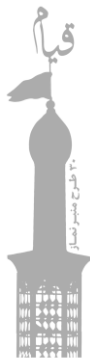
در حدیثی از امام صادق □ چنین روایت شده است: "مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ 3 كَانَ مِنَ الدَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ؛ کسی که با تسبیح

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، ۴۳، ۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ۲، ۴، ص ۶۴.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲، ۴، ۳.

۳. سعید بن هلال ثقفی، الغارات، ۲، ۳۹، ۷؛ سید مجتبی برهانی، فاطمه تجلیگاه انوار آفرینش،

ج ۱، ص ۳، ۳۷ و ۴، ۷، ۳.





فاطمه 3 بخوابد، از [مصادیق این آیه شریفه که می‌فرماید:] "مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند" می‌باشد".^۱

و امام باقر □ فرمودند: "مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ 3 ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفْرَ لَهُ وَهِيَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَالْفُ فِي الْمِيزَانِ وَتَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَتُرْضِي الرَّحْمَانَ؛ هر کس تسبیح حضرت فاطمه زهرا 3 را بگوید و بعد از آن استغفار نماید، بخشیده می‌شود. و آن در زبان صد ذکر است؛ ولی در میزان اعمال هزار به حساب می‌آید. شیطان را دور می‌کند و خدا را راضی می‌نماید".^۲

از امام صادق □ روایت شده است: "مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْقَرِيصَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الْمِائَةَ مَرَّةً وَاتَّبَعَهَا بِلا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مَرَّةً غُفِرَ لَهُ؛ هر کس پس از نماز واجب، با تسبیح فاطمه 3 صد بار به تسبیح خدا بپردازد، و به دنبال آن یک بار "لا إله إلا الله" بگوید، آمرزیده می‌شود".^۳

به فرموده امام صادق □ بهترین زمان گفتن تسبیح حضرت فاطمه زهرا 3، بعد از نماز واجب، بدون فاصله و پیش از به هم خوردن حالت نماز می‌باشد. امام صادق □ فرمود: "مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ 3 فِي دُبُرِ الْقَرِيصَةِ قَبْلَ أَنْ يَتْنِيَ رِجْلَيْهِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ؛ هر کس بعد از نماز واجب، پیش از آنکه پاهای خود را جفت کند (قبل از به هم خوردن حالت جلوس تشهد و سلام)، تسبیح فاطمه زهرا 3 بگوید، خداوند او را می‌آمرزد".^۴

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 6، ص ۷ ۴ ۴.
۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 4، باب 8، ص ۱۰۲۳، ح ۳.
۳. همان، ج 4، ص ۱ ۲ ۱۰، ح ۳.
۴. همان، ص ۲ ۲ ۱، ح ۴.

۲. سجده شکر

سپاس نعمت‌های حق تعالی، نشان معرفت و ادب و بندگی است؛ لذا مستحب است، سجده شکر به جا آوریم؛ یعنی به قصد شکر نعمت‌های پروردگار و نیز شکرانه توفیق انجام نماز به سجده رفته و حداقل سه مرتبه بگوییم: "شکراً لله"؛ همان‌گونه که امام رضا علیه السلام فرمودند:

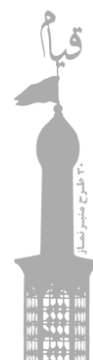
"السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرِيضِهِ وَ أَذَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ آدَاءِ فَرِيضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهَذِهِ السَّجْدَةِ؛ سجده بعد از هر نماز واجب، لازم است تا بنده بتواند به این وسیله از خداوند عزوجل به خاطر توفیقی که به او داده، سپاسگزاری کند و در آن حداقل سه مرتبه "شکراً لله" بگوید. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: "شکراً لله" به چه معنا است و منظور از آن چیست؟ فرمودند: منظور این است که بنده می‌گوید: خدا را با این سجده، بر توفیق خدمت‌گزاری‌اش و توفیق به‌جا آوردن دستورش سپاس می‌گوییم. (سپس حضرت فرمودند): سپاسگزاری و شکر، موجب فزونی می‌شود و اگر در نماز نقصان یا تقصیری باشد که با انجام نافله جبران نشده (نمی‌شود)، با این سجده کامل می‌شود".^۱

البته تعقیبات نماز بسیار فراوان و متنوع است که می‌توان برخی از تعقیبات مشترک بین همه نمازها و نیز تعقیبات مخصوص هر یک از



۲۱۳

نمازها را به جا آورد و تفصیل آنها در کتاب‌های دعا مانند مفاتیح الجنان
نوشته شده است که می‌توان بدانها مراجعه کرد.



۲۱۴

بخش دوم: منابر بانوان



منبر نهم: پیامدهای ترک نماز

راهبرد محتوایی

در این جلسه به پاسخ این پرسش پرداخته می‌شود که ترک نماز، باعث بروز چه مشکلاتی در زندگی ایمانی شده، چه پیامدهایی در دنیا و آخرت برای انسان به دنبال خواهد آورد.

حکم شرعی

- یکی از واجبات رکنی نماز، قیام است. یعنی کسی که قادر است نماز را ایستاده بخواند و عذری ندارد، باید از شروع نماز تا رفتن به رکوع، در حال ایستاده باشد، و نیز واجب است پس از رکوع و پیش از رفتن به سجده بایستند. ترک قیام عمداً در این حالات، موجب باطل شدن نماز است.
- ایستاده بودن در حال **تکبیرة الاحرام** و نیز پس از اتمام قرائت و پیش از رفتن به رکوع، رکن است؛ یعنی اگر سهواً و از روی فراموشی هم آن را ترک کند، نماز باطل می‌شود.

روایت

امام صادق □: "إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَاتِنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ".

مقدمه بحث

گاهی برخی می‌پرسند که چرا این همه به نماز تأکید شده است؛ با اینکه همه از مهربانی و رأفت خداوند سخن می‌گویند و اینکه خداوند انسان را به بهانه‌های مختلف و در فرصت‌هایی که ایجاد می‌گردد، مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد. پس اگر نماز هم خوانده نشود، خداوند او را خواهد بخشید و اهل بهشت می‌گرداند!

پاسخ این است که در مهربانی خداوند هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد و در آیات فراوانی از قرآن کریم، صفات متعددی برای خداوند از قبیل غفور، رحیم، ودود، رؤوف، حلیم، غفار، اهل فضل و کرم^۱ و مانند آن ذکر شده است. در روایات نیز این حقیقت بیان شده است. به‌عنوان مثال، وقتی اسیرانی را نزد پیامبر □ آوردند، در میان اسیران، زنی نگران و مضطرب بود و دنبال کودک خود می‌گشت. بالاخره او را پیدا کرد و با مهربانی او را در آغوش گرفت و شیر داد.

پیامبر □ از کسانی که این منظره را تماشا می‌کردند، پرسید: "آیا فکر می‌کنید این زن حاضر است کودک خود را در آتش بیندازد و بسوزاند؟ یاران پیامبر گفتند: نه به خدا قسم!" .

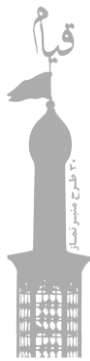
پیامبر □ فرمود: "مهربانی و رحمت خداوند نسبت به بندگانش، بیشتر



۲۱۶

بخش دوم: مناظر بانوان

۱. "إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ" بقره: ۲۴۳ و نیز نک: آل عمران: ۷۴.



از مهربانی این زن نسبت به فرزندش است. خداوند صد رحمت دارد که یکی از آن‌ها را نازل فرموده و به‌خاطر آن رحمت، همه جن و انسان، حیوانات و درندگان و حشرات، با هم دوستی و مهربانی دارند. نودوّمه رحمت باقیمانده، ذخیره‌ای است که پروردگار به وسیله آن در قیامت بندگان خود را با آن مورد ترحم قرار می‌دهد.^۱

این یک طرف قضیه و یک روی سکه است و شکی هم در آن وجود ندارد، ولی همین خداوند متعال، به تناسب حال برخی از بندگان خود، تنبیه‌ها و مجازات‌هایی نیز در نظر گرفته و جهنم را برای افراد گناهکار و کسانی که به دستورهای الهی بی‌اعتنایی می‌کنند، در نظر گرفته است تا انسان متوجه باشد که در دنیا رها نیست و وظایفی دارد که باید آنها را انجام دهد. یکی از مهم‌ترین این وظایف، اقامه نماز و پایبندی به آن در هر شرایطی است که ترک آن یا کوتاهی و سبک‌شمردن آن، باعث عقوبت و عذاب الهی برای انسان خواهد شد.

پیامدهای ترک نماز

به فرموده قرآن، نماز فریضه‌ای واجب بر عهده انسان است که جایگزینی ندارد و هر مسلمانی به حکم الهی، موظف به اقامه آن می‌باشد: "إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا"^۲ ترک و بی‌توجهی به آن، پیامدهای دنیوی و اخروی فراوانی برای فرد به دنبال خواهد داشت

۱. علامه حلی، اتّبع الحق و کشف الصدق، ص

۳.

۷

۴

۱.

۰

۳

۲. نساء:

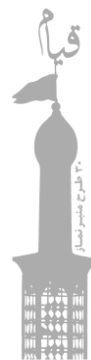
که به برخی از این پیامدها اشاره می‌کنیم.

۱. نابودی ایمان

اقامه نماز نشان‌دهنده ایمان انسان و قبول اطاعت پروردگار است و در نقطه مقابل، بی‌توجهی و ترک عمدی آن، بی‌اعتنایی به خواست و دستور الهی است و هیچ مؤمنی اجازه چنین کاری را ندارد؛ از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: "الصلاة عماد الدين فمن ترك صلاته متعمداً فقد هدم دينه؛ کسی که عمداً نمازش را ترک کند، به تحقیق که دین و ایمانش را از بین برده است".^۱ و فرمودند: "ترک نماز، فاصله و مرز بین ایمان و کفر است".^۲ همو فرمود: "میان مسلمان و کافر فاصله‌ای جز این نیست که نماز واجب را عمداً ترک کند یا آن را سبک شمارد و نخواند".^۳

آن حضرت همچنین فرمودند: "ليس بين العبد والشرك الا ترك الصلاة فإذا تركها فقد أشرك؛ فاصله و فرق میان مسلمان و کافر، ترک نماز است، که اگر ترک کند، همانند مشرکان خواهد بود".^۴

امام صادق ﷺ نیز فرمودند: "لا حظ في الإسلام لمن ترك الصلاة؛ هر کس نماز را ترک کند، بهره‌ای از اسلام ندارد".^۵



۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸.
۲. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۳، ۴.
۳. محقق بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۱۰۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۶، ۲.
۴. متقی هندی، کنزالعمال، ج ۷، ص ۹، ۷، ۲.
۵. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل ج ۲، ص ۵، ۴.



۲. قطع رابطه با اهل بیت □

امیر المؤمنین □ در یک بیان قهرآمیز، با صراحت چنین خطاب فرمودند: "لیس منی من صَیَّعَ الصَّلَاةَ؛ آن کس که نماز را تزییع نماید، از من نیست."^۱

و امام صادق □ در بیان معیاری برای شناسایی افرادی که با آن حضرت پیوند مکتبی دارند، چنین می‌فرماید: "اُمْتَحَنُوا شِعْتَنَا عِنْدَ مَوَاقِیْتِ الصَّلَاةِ کَیْفَ مَحَافِظْتُهُمْ عَلَیْهَا؛ شیعیان ما را به هنگام نماز امتحان کنید که چگونه بر آن محافظت دارند."^۲

۳. غضب خداوند

قرآن کریم با نکوهش افرادی که نماز را ضایع می‌کنند یا به آن بی‌اعتنا هستند،^۳ مسلمانان را از این عمل بر حذر می‌دارد. امام صادق □ می‌فرماید: "وقتی بنده‌ای نماز خود را با عجله و شتاب به پایان می‌برد و آن را کوتاه می‌کند خدا به ملائکه می‌فرماید: آیا نمی‌بینید بنده من چگونه نماز خود را کوتاه می‌کند، گویا می‌پندارد که بر آوردن حوائجش به دست غیر من است (که این گونه عجله می‌کند). آیا نمی‌داند بر آوردن حوائجش به دست من است؟"^۴

۱. همان، ج ۳، ص ۸

۲. ۹

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴

۴. فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلاه (مریم): ۶ (۵)

۵. "ویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون". (ماعون): ۵

۶. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۹ (۲)



۴. محرومیت از شفاعت

پیامبر اکرم \square نیز می‌فرماید: "لاتنال شفاعتی غدا من آخذ الصلاة المفروضة بعد وقتها؛ در روز قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را بعد از وقتش تأخیر اندازد، نمی‌رسد."^۱

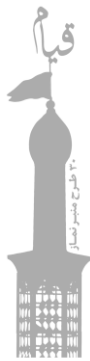
امام صادق \square نیز می‌فرماید: "انَّ شَفَاعَتَنَا لِاتِّنَالِ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ؛ کسی که نماز را سبک شمارد، شفاعت ما به او نمی‌رسد."^۲

۵. کمبودهای دنیایی

پیامبر اعظم \square می‌فرماید: "عِشْرُونَ خِصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ... و الاستخفاف بالصلاة؛ استخفاف و سبک شمردن نماز، موجب فقر و تهی‌دستی می‌شود."^۳ امام صادق \square نیز فرمود: "خداوند برکت را از عمر و رزق و روزی کسانی که نماز را کوچک می‌شمارند، برمی‌دارد."^۴ حتی اگر در ظاهر برخی افراد بی‌نماز دارای ثروت و دارایی باشند، ولی هیچ چیز جبران ترک نماز آنان را نخواهد کرد و چه بسا در حوادث و اتفاقات پیش‌بینی نشده، گرفتاری‌هایی برای آنان پیش بیاید و ثروت خود را از دست بدهند یا اینکه به بلاهایی مبتلا گردند که حاضر باشند تمام دارایی خود را بدهند تا از آن گرفتاری خلاص شوند.

مردی برای رفتن به سفر تجاری، خدمت امام صادق \square آمد و

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار،	۰، ۸، ص	۷	۱.
۲. همان، ج ۱	۸، ص	۲	۷
۳. همان، ج ۳	۷، ص	۵	۱
۴. همان، ج ۳	۸، ص	۲	۰



درخواست استخاره کرد. استخاره بد آمد، ولی آن مرد نادیده گرفت و به سفر رفت. اتفاقاً به او خوش گذشت و سود فراوانی هم برد. پس از مسافرت خدمت امام رسید و عرض کرد: ای پسر پیامبر خدا! یادتان هست چندی قبل خدمت شما رسیدم، برایم استخاره کردید و بد آمد. استخاره‌ام برای سفر تجاری بود، به سفر رفتم و سود فراوانی هم کردم. امام صادق تبسمی کرد و به او فرمود: "در سفری که رفتی یادت هست در فلان منزل خسته بودی، نماز مغرب و عشاءت را خواندی، شام خوردی و خوابیدی و زمانی بیدار شدی که آفتاب طلوع کرد و نماز صبح تو قضا شده بود؟".

عرض کرد: آری. حضرت فرمود: "اگر خداوند متعال آنچه را که در دنیاست به تو داده بود، جبران آن دو رکعت نماز قضا شده تو نمی‌شود".^۱

۶. لعن و نفرین

در برخی روایات، تصویر و تمثیلی را برای نماز ترسیم نموده‌اند که بر حسب آن، نماز به صورت فرشته‌ای با انسان به گفتگو می‌نشیند؛ گاه تشکر می‌کند و گاه گله‌مند می‌شود. امام صادق می‌فرماید: "وقتی نماز در وقت خود اقامه نگردد و بی‌دقت ارائه شود، با صورتی سیاه و تاریک به سوی انسان باز می‌گردد. می‌گوید: مرا ضایع کردی، خدا تو را ضایع کند و اگر در وقت خود اقامه شود، برای انسان دعا می‌کند و می‌گوید: همان‌گونه که مرا حفظ و احترام

نمودی، خداوند تو را حفظ کند".^۱

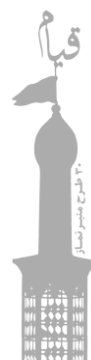
۷. سختی احوال قبر و قیامت

پیشوای ششم حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: "نمازگزاری که نمازش را سبک بشمارد، وقتی از قبرش خارج شود، خداوند ملکی را بر وی موکل می‌گرداند که او را بر عرصه قیامت وارونه بر زمین می‌کشد و مردم به او نگاه می‌کنند و با شدت و سخت‌گیری مورد محاسبه قرار می‌گیرد".^۲

۸. عواقب اخروی

قرآن کریم راه تارکین نماز را به "سَقَر" منتهی می‌داند و در این باره می‌فرماید: "مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ * وَكُنَّا نَحُوسُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ؛ چه چیز شما را به دوزخ فرستاد؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و اطعام مستمند نمی‌کردیم! و پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم".^۳

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد ترک این فریضه الهی خطرناک است که می‌تواند سبب سقوط در دوزخ شود. به‌جا آوردن نماز آن قدر از نظر اسلام مهم است که طبق بعضی از روایات معروف، به نخستین چیزی که در نامه اعمال نگاه می‌شود نماز است، که اگر در



۲۲۲

بخش دوم: منابر بانوان

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۰، ص ۸، ۹.

۲. همان، ج ۰، ص ۸، ۲.

۳. مدثر: ۲، ۴-۶، ۴.

نامه اعمال وجود داشت به سایر اعمال نیک نگریسته خواهد شد و گرنه به بقیه نگاه نمی‌شود و چنین کسی روانه دوزخ می‌گردد.^۱

نتیجه‌گیری

در مهربانی خداوند متعال تردیدی وجود ندارد، ولی این رأفت نباید باعث سهل‌انگاری انسان و بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به دستورهای الهی شود که از مهم‌ترین این دستورات، امر به خواندن نماز است.



۲۲۴

مؤلف: پیام‌های ترک نماز



منبر دهم: پیامدهای سبک شمردن نماز

راهبرد محتوایی

یکی از راهکارهای سوق دادن به نماز و اقامه آن، استفاده از جنبه تحذیری و بیان پیامدها و نتایج سوء بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری نسبت به اقامه نماز است که گریبانگیر انسان شده، او را گرفتار و درمانده خواهد نمود.

حکم شرعی

- کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را به‌جا آورد؛ اگرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه سستی، نماز نخوانده باشد. ولی نمازهای یومیهای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده، قضا ندارد.
- کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به‌جا آورد.
- کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحبی بخواند.

روایت

پیامبر اعظم □: "لَيْسَ مِنْنِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ".

مقدمه بحث

عقوبت ترک نماز

بدون شک، نماز نخواندن گناهی است بزرگ که موجب عقوبت بوده و غضب پروردگار را به دنبال خواهد داشت؛ همانگونه که قرآن کریم یکی از عوامل جهنمی شدن را ترک نماز ذکر کرده است و می‌فرماید: در آن روز، یکی از سؤال‌هایی که بهشتیان از جهنمیان می‌پرسند، در خصوص علت جهنمی شدن آنها می‌باشد که آنها ریشه و علت اصلی چنین عقوبتی را ترک نماز ذکر می‌کنند: "فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ الْمُجْرِمِينَ، مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛" آنها در باغ‌های بهشتند، و از مجرمان سؤال می‌کنند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم" ^۱.

و در سوره غافر، آیه ۶۰ می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛" آنان که از عبادت و پرستش من سرباز می‌زنند، به زودی با ذلت و خواری، وارد دوزخ خواهند شد" ^۲.

رسول خدا □ نیز تارک الصلاه را همنشین و همراه بدنامان و انسان‌های ناشایستی همانند قارون، فرعون، هامان و منافقین دانسته‌اند



۲۲۵

مجله دهم: پیامدهای سبک شمردن نماز

۱. مدثر:

۰ - ۴ - ۳ - ۴.

۲. نیز نک: مؤمن:

۰ - ۶.



که همگی روانه جهنم خواهند شد: "لَا تُصَيِّعُوا صَلَاتِكُمْ فَاِنَّ مَنْ صَيَّعَ صَلَاتَهُ حَسْرَهُ اللَّهُ مَعَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ أَخْرَاهُمْ - وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ قَالُوا لَيْلَ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ؛ نمازتان را ضایع نکنید؛ به درستی که هر کس نمازش را ضایع کند، خداوند او را با قارون و فرعون و هامان (که لعنت و ننگ الهی بر آنها باد) محشور نماید و واجب است بر خداوند که داخل کند او را با منافقین. پس وای بر کسی که بر نمازش محافظت ننماید".^۱

سبک شمردن نماز

بنابراین، ترک نماز گناهی بزرگ و همراه با عقوبت‌های دردناک برای انسان خواهد بود، اما گاهی نماز گزاران رفتارهایی با نماز دارند که خداوند در وصف آنان می‌فرماید: "قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ وای بر نماز گزاران؛ آنهایی که در نمازشان سهل‌انگارند".^۲

یعنی سهل‌انگاری، بی‌اهمیت دانستن و سبک شمردن نماز نیز پیامدهای زیادی برای انسان خواهد داشت که در این مجال به برخی از مصادیق این سهل‌انگاری اشاره می‌کنیم تا ان شاء الله در زمره مستخفین به نماز قرار نگیریم.

۱. تأخیر نماز

امام صادق ع در تفسیر آیه شریفه‌ای که ذکر شد، فرمودند: "تأخیر"

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۷۹، ص ۲

۲. ماعون: ۴ و ۵

الصَّلَاةِ عَنِ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِعَيِّرِ عُدْرٍ؛ مراد از بی‌اعتنایی به نماز، تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است.^۱

البته روشن است در مواردی که کار ضروری برای انسان پیشامد می‌کند، انجام آن کار به معنای سبک شمردن نماز نیست، بلکه مقصود امام □، تأخیر نماز بدون عذر و دلیل یا به واسطه بهانه‌های نادرست است.

۲. عجله و شتاب در نماز

از دیگر علائم سبک شمردن نماز، سریع خواندن نماز و تبدیل آن به یک عادت است و اینکه در زمان‌های خاص بدون رعایت آداب نماز، آن را به‌جا آورد. مردی در حضور امیرالمؤمنین □ نماز خود را با شتاب به‌جا می‌آورد. حضرت نگاهی به او کرده و فرمود: "چند وقت است این‌گونه نماز می‌خوانی؟" او گفت: مدت‌هاست. حضرت فرمود: "مَثَلُ تُو نَزْدَ خَدَاوَنْدِ مَثَلِ كَلَاغِي اسْتِ (که منقار بر زمین می‌کوبد. سجده تو خضوع در برابر خدا نیست. منقار به زمین کوبیدن است) اگر این‌گونه بمیری بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم □ مُرْدِه‌ای. سپس حضرت در مورد کم‌گذاشتن در نماز فرمود: به‌درستی که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد."^۲



۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴، ص ۵ ۲ ۱

۲. فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ۱۹ ۳: علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱ ۸، ص ۲۴۲.



۳. دو گونه نماز خواندن

یکی دیگر از مصادیق استخفاف نماز این است که انسان در جمع و حضور دیگران به گونه‌ای نماز بخواند و در خلوت و تنهایی خود به گونه‌ای دیگر! پیامبر اکرم \square می‌فرماید: "مَنْ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ حِينَ يَرَاهُ النَّاسُ وَ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُو فِتْلِكَ اسْتِهَانَةٌ؛ آن کس که در مقابل مردم با دقت نماز بخواند و در خلوت بدون دقت نماز گزارد، به نماز بی‌اعتنایی کرده است."^۱

۴. بی‌تفاوتی نسبت به نماز

گاهی کارهای دیگری همزمان با وقت نماز اتفاق می‌افتد که باعث می‌شود انسان با خود زمزمه کند که ابتدا این کار را به پایان برسانم و سپس نماز بخوانم. همین نگاه، نوعی سبک شمردن نماز است. امام علی \square می‌فرماید: "ليس عملٌ أحبَّ الى الله عزَّوجلَّ من الصلاة فلا يشغلنكم عن أوقاتها شيء من أمور الدنيا فإنَّ الله عزَّوجلَّ ذمَّ اقواما فقال الذين هم عن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ یعنی انهم غافلون استهانوا باوقاتها؛ هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از نماز نیست، پس نباید در وقت نماز هیچ یک از امور دنیا شما را از نماز بازدارد؛ زیرا خداوند گروهی را که نماز را سبک می‌شمارند، نکوهش کرده و مقصود این است که اینها غفلت از نماز داشته، حریم وقت نماز را نگه نمی‌دارند."^۲

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶

۲.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ص ۱

۳

۶

پیامدهای سبک شمردن نماز

۱. محرومیت از شفاعت

پیغمبر فرمود: "لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ؛ كَسَى كَسَى" که نماز را سبک بشمارد از ما نیست و به خدا قسم وارد حوض کوثر نمی‌شود.^۱

امام صادق \square لحظه آخر عمرشان فرمود: تمام بستگان را دعوت کنید، بعد خطاب به آنان فرمود: "إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ؛ هَر كَس نَمَاز رَا سَبِك بَشْمَارْد، شَفَاعَت مَآ شَامِل اَو نَمَى شُود."^۲

۲. پیامدهای دنیایی

حضرت فاطمه زهرا 31 شخصیتی که متصل به خاندان وحی و دور از هرگونه خطا و اشتباه در گفتار و رفتار هستند، بی‌توجهی به نماز و سهل‌انگاری در به‌جا آوردن آن را مساوی با بروز پیامدهای مختلفی در دوران مختلف زندگی انسان دانستند و فرمودند: "هر زن و مردی که نماز را سبک شمارد؛ به پانزده بلا گرفتار می‌شود. شش بلا در دنیا، سه بلا در موقع مرگ، سه بلا در قبر و سه بلا در روز قیامت.

اما آن شش بلایی که در دنیا دامنگیر او می‌شود، عبارت است از:

۱. "يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ عُمْرِهِ؛ خداوند، برکت را از عمرش برمی‌دارد؛"

۲. "و يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ؛ و خداوند برکت را از روزی او برمی



۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۷



دارد؛

۳. "و يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَيِّمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ؛ و خداوند سیمای [نورانی] صالحان را از چهره او محو می کند؛"
۴. "وَ كُلِّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجَرُ عَلَيْهِ؛ و هر عملی که انجام می دهد پاداش داده نمی شود [زیرا قبولی نماز، شرط قبولی اعمال دیگر نیز است]"؛
۵. "وَ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ؛ و دعای او به سوی آسمان بالا نمی رود (و مستجاب نمی شود)؛"
۶. "وَ السَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ؛ و ششم اینکه برای او بهره‌ای در دعای صالحان نیست (دعای خوبان شامل او نمی شود)."

۳. پیامدهای هنگام مرگ

و سه بلا در موقع جان دادن دامنگیر او می شود:

۱. "أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا؛ ذلیل می میرد؛"
۲. "وَ الثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا؛ گرسنه می میرد؛"
۳. "وَ الثَّلَاثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْ عَطْشُهُ؛ تشنه می میرد. هر چند از تمام نهرهای دنیا او را سیراب کنند، تشنگی‌اش برطرف نمی شود."

۵. پیامدهای برزخی

و سه بلا در قبر شامل حال او می شود:

۱. "يُوكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَزِعِجُهُ فِي قَبْرِهِ؛ خداوند، ملکی را مقرر می کند تا او را در قبر آزار دهد؛"
۲. "وَ الثَّانِيَةُ يَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ؛ دوم اینکه قبرش بر او تنگ خواهد بود؛"



۳. "وَ الثَّالِثَةُ تَكُونُ الظَّلْمَةَ فِي قَبْرِهِ؛ سوم اینکه تاریکی در قبرش خواهد شد".

۶. پیامدهایی در قیامت

و سه بلا [نیز] در روز قیامت دامنگیر او خواهد شد:

۱. "أَنْ يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ؛ خداوند ملکی مأمور می‌کند که او را با صورت بکشد؛"
۲. "وَ الثَّانِيَةُ يَحَاسِبُ حَسَابًا شَدِيدًا؛ دوم اینکه حسابرسی شدیدی می‌شود؛"
۳. "وَ الثَّالِثَةُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يَرْكَبُهُ وَلَا يَرْكَبُهُ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و سوم اینکه خداوند به او نظر [رحمت] نمی‌کند و او را پاکیزه نمی‌سازد، و برای او عذاب دردناکی است".^۱

چهار گروه نماز گزار

پیامبر اکرم □ فرمود: امت من چهار گروه هستند:

۱. گروهی نماز می‌خوانند، ولی در نمازشان سهل‌انگارند، "ویل" برای آنهاست، و "ویل" نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، خداوند فرمود: "قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ پس "ویل" برای نمازگزاران است، آنهایی که در نمازشان سهل‌انگارند".^۲
۲. گروهی گاهی نماز می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، پس "غی" مال آنهاست و "غی" نام یکی از طبقات پایین جهنم است. خداوند متعال فرمود: "فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۸۰ ۱ ۲؛ سیدین طاووس، فلاح السائل، ۹ ۱.

۲. ماعون: ۴-۵.



غیا؛ سپس جانشین آن مردم خداپرست، قومی شدند که نماز را ضایع کرده و از شهوات پیروی کردند و اینها به زودی در "غی" افکنده خواهند شد".^۱

۳. گروهی هیچ وقت نماز نمی خوانند، "سَقَر" برای آنهاست. "سقر" هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است که خداوند متعال فرمود: "ما سَلَكْتُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِّينَ؛ اهل بهشت از اهل جهنم سؤال می کنند: چه چیزی شما را به "سقر" کشاند؟ در جواب می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم".^۲

۴. گروهی همیشه نماز می خوانند، و در نمازشان خشوع دارند. خداوند متعال فرمود: "قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛^۳ مؤمنان رستگار شدند، آنهایی که در نمازشان باخشوع هستند".^۴

إن شاء الله خداوند متعال ما را در زمره گروه چهارم و از رستگاران و فائزین قرار دهد. آمین رب العالمین

۱. مریم:

۹

.۵

۲. مدثر:

۲

.۴

۳. مؤمنون:

-۱

.۲

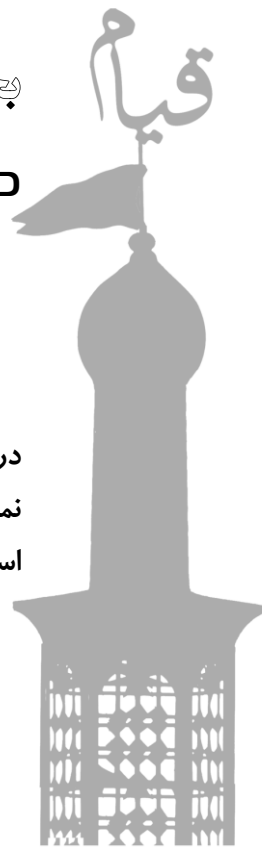
۴. میرزا علی مشکینی، المواظظ العددیه، باب چهارم،

۲

.۱ ۲

بخش سوم
قیام
دانش آموزی

در این بخش ۱۰ طرح منبر مباحث
نماز برای جلسات دانش آموزی بر
اساس مقاطع مختلف آمده است





منبر اول: دوست داری بازیگر شوی

درسنامه‌های ابتدایی طرح قیام

جذابیت اولیه و ارتباط‌گیری با مخاطب

خیلی‌ها دوست دارند بازیگر شوند و بتوانند نقش‌های مختلف را به خوبی اجرا کنند و به چهره‌ای معروف و دوست‌داشتنی تبدیل شوند.

در این جمع ما، چه کسانی دوست دارند بازیگر مطرح و خوبی شوند؟ مربی محترم از میان دانش‌آموزان سه نفر را انتخاب می‌کند و نزد خود می‌آورد.

این دوستان شما، امروز برای شما نقشی را اجرا می‌کنند و شما باید حدس بزنید که او چه کار می‌کرده است. آماده‌اید؟

نکته: مربی برگه مربوط به اجرای پانتومیم را به نفر اول می‌دهد که روی آن نقش او نوشته شده است.

نفر اول: رفتن کنار آینه، شانه کردن موها، پوشیدن لباس و خارج شدن از خانه و خرید بستنی و خوردن آن در مسیر راه.

نفر دوم: برنده شدن در مسابقه و رفتن بالای سن و جایگاه، گرفتن

جایزه و ابراز احساسات برای مخاطبان.
نفر سوم: نگاه کردن به ساعت (مثلاً ساعت روی دیوار یا ساعت مچی)، ناراحتی و نگرانی از دیرشدن، حرکت باعجله و شتاب، وضو گرفتن و به نماز ایستادن.

توضیح و تبیین مطلب

خداوند مهربان به عنوان آفریننده انسان، به او نقشی مهم واگذار کرده است که همه باید آن را به خوبی اجرا نمایند.

چه نقشی؟

اینکه بنده خوبی برای خداوند باشیم و با انجام دستوره‌های الهی، خوشحالی و رضایت خداوند را به دست آوریم. یکی از این دستوره‌های الهی که خداوند خیلی روی آن تأکید کرده، این عمل است: **اِن ز آفرین بر شما! نماز**

البته نماز خواندن نقش بازی کردن نیست، بلکه نقش آفرینی درست و زیبایی است که باعث خشنودی خداوند می‌گردد و باعث می‌شود خداوند انسان را در کارهای مختلف یاری کند، دعاهایش را مستجاب کند و روزبه‌روز بر دوستی او با خداوند، افزوده گردد.

ارائه الگوهای عملی

به خاطر همین کسانی مثل پیامبر ما حضرت محمد ﷺ و امامان عزیز



۲۳۵

۱. مربی محترم حروف پراکنده کلمه "نماز" را روی تابلو می‌نویسد.



ما، چون از همه بیشتر با خدا دوست بودند، بیشتر از دیگران نسبت به نماز علاقه نشان می‌دادند و همیشه منتظر بودند تا وقت نماز فرا برسد و با علاقه و اشتیاق فراوان، به گفت‌وگو و سخن گفتن با خداوند بپردازند.

از این رو پیامبر ما حضرت محمد ﷺ همزمان با وقت نماز، با شنیدن صدای اذان نشاط و سرزندگی می‌یافت و به مؤذن خودشان "بلال حبشی" می‌فرمود: "أَرِحْنَا يَا بِلَالُ؛ ای بلال ما را آسوده و شادمان کن".^۱ و در حالات حضرت علی ﷺ چنین آمده: به هنگام نماز، رنگ و رخسارش تغییر می‌کرد و بدن مبارکش به لرزه می‌افتاد و می‌فرمود: وقت ادای امانتی است که خداوند آنرا به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نموده ولی آنها از قبول آن خودداری کردند و انسان آن را قبول کرد و حال آنکه من ضعیف هستم و نمی‌دانم خوب می‌توانم آن امانت را ادا کنم یا خیر".^۲

امام حسین ﷺ

درباره امام حسین ﷺ نیز گفته‌اند که وقتی وضو می‌گرفت، رنگش پریده و پاهایش می‌لرزید. وقتی سبب را پرسیدند، فرمود: "سزاوار است برای کسی که در مقابل خدای باجبروت ایستاده، رنگش زرد شود و پاهایش

۱. محقق بحرانی، الحدائق الناضرة، ۶، ۳۴، ۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۸۰، ۶، ۱؛ علی‌بن

عمر دار قطنی، سنن الدار قطنی، ۴، ص ۱ ۲ ۱

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۸ ۴ ۲

بلرزد".^۱

ماجرای عجیب شهید

شهید بابایی یکی از شهیدان بزرگ ایران اسلامی است که دوره خلبانی را در آمریکا گذرانده بود. در روزهای آخر تحصیل بود و باید مدرکش را می‌گرفت و به ایران باز می‌گشت، اما مشکلی پیش آمده بود. خود شهید بابایی می‌گوید: "دوره خلبانی ما در آمریکا تمام شده بود، اما به خاطر گزارشاتی که (توسط هم‌اتاقی) در پرونده خدمت درج شده بود، تکلیفم روشن نبود و به من گواهینامه نمی‌دادند، تا اینکه روزی به دفتر مسئول دانشکده، که یک ژنرال آمریکایی بود، احضار شدم. به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم. او از من خواست که بنشینم. پرونده من جلوی او، روی میز بود. ژنرال آخرین فردی بود که می‌بایستی نسبت به قبول و یا رد شدنم اظهار نظر می‌کرد.

او پرسش‌هایی کرد که من پاسخش را دادم. از سؤال‌های ژنرال برمی‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد. این ملاقات ارتباط مستقیمی با آبرو و حیثیت من داشت؛ زیرا احساس می‌کردم که رنج دو سال دوری از خانواده و شوق برنامه‌هایی که برای زندگی آینده‌ام در دل داشتم، همه در یک لحظه در حال محو و نابودی است و باید دست خالی و بدون دریافت گواهینامه خلبانی به ایران برگردم. در همین فکر بودم که در اتاق به صدا درآمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او



۲۳۷

منبر اول: دوست داری بازیگر شوی

۱. جامع‌الاجبار، ص



ضمن احترام، از ژنرال خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود. با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم. به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم: کاش در این جا نبودم و می توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. گفتم که هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین جا نماز را می خوانم. ان شاءالله تا نمازم تمام شود، او نخواهد آمد. به گوشه ای از اتاق رفتم و روزنامه ای را که همراه داشتم به زمین انداختم و مشغول نماز شدم. در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم؟ بالاخره گفتم: نمازم را ادامه می دهم، هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. سرانجام نماز را تمام کردم و در حالی که بر روی صندلی می نشستم، از ژنرال معذرت خواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می کردی؟

گفتم: عبادت می کردم. گفت: بیشتر توضیح بده.

گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت های معین از شبانه روز باید با خداوند به نیایش پردازیم و در این ساعات زمان آن فرا رسیده بود، من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده تو آمده، مثل اینکه راجع به همین کارهاست. این طور نیست؟ پاسخ دادم: آری همین طور است. او لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت و پابندی من به سنت و فرهنگ خوشش آمده است.



۲۳۹

منبر اول: دوست داری بازیگر شوی

با چهره‌ای بشاش، خودنویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام‌آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم.

من هم متقابلاً از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم. آن روز به اولین محل خلوتی که رسیدم به پاس این نعمت بزرگی که خداوند به من عطا کرده بود، دو رکعت نماز شکر خواندم!"

پیام‌ها و اهداف رفتاری

نماز اعلان وفاداری و دوستی ما با خداوند است که هرچه بیشتر و بهتر آن را به‌جا آوریم، دوستی ما بیشتر و لطف خداوند بیشتر شامل حال ما خواهد شد.

یکی از شرایط اقامه بهتر نماز، درست خواندن و یادگیری قسمت‌های مختلف نماز است.

نکته: مربی محترم به اقتضای زمان و حوصله مخاطبان، می‌تواند بخش‌هایی از نماز همانند قرائت حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود، تشهد و سلام و مانند آن را به صورت مسابقه‌ای و با اهدای جوایز به نفرات برگزیده، اجرا نماید.

منبر دوم: بدان، خوبان

مخاطب دبستان

جذابیت اولیه

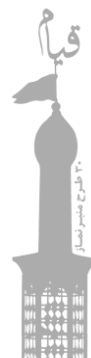
انتخاب چند دانش‌آموز برای نشان دادن حالات مختلف انسان از قبیل خشم، ناراحتی، عصبانیت، خوشحالی، نگاه متعجب، نگاه مهربان، نگاه از روی ترس و . . .

نکته: مربی محترم نسبت به دانش‌آموزانی که بهترین واکنش را داشته‌اند، تشویق یا اهدا جایزه را انجام می‌دهد.

تبیین بحث

ظاهر انسان و چهره او بیانگر خیلی از حالات و رفتارهای او است و می‌توان از راه صورت و چهره انسان‌ها، به بسیاری از حالت‌های روحی و روانی او مانند غم و غصه، شادی و نشاط و مانند آن پی برد.

به همین دلیل انسان باید سعی کند بهترین رفتارها را در قبال دیگران و به ویژه پدر و مادر خود داشته باشد؛ زیرا انسان هیچ‌گاه حق



ندارد و نباید حتی اگر ناراحت هم هست، بی‌ادبی یا نگاه بد به پدر و مادرش داشته باشد.

بچه‌های عزیز، خداوند مهربان نیز که ما را آفریده و این همه نعمت به ما داده است، یک‌سری دستورها دارد که باید انجام دهیم و یک‌سری کارها را باید ترک کنیم. چه کارهایی را باید انجام دهیم؟
یادآوری: مربی محترم از نظرات دانش‌آموزان کمک می‌گیرد تا فضای کلاس تبدیل به سخنرانی نگردد.

کارهای بد	کارهای خوب
حرف زشت زدن	رعایت پاکی و طهارت
دروغ گفتن	احترام به پدر و مادر
تهمت زدن	شکرگزاری از نعمت‌های خدا
غیبت (پشت سر دیگران بدگویی کردن)	ذکر گفتن
مسخره کردن	راست‌گویی و صداقت
قسم دروغ	تلاوت قرآن

احسنت به همه دوستانی که به ما کمک کردند و کارهای خوب و بد را اشاره کردند؛ کارهای خوبی که همه باید انجام دهیم و کارهای بدی که باید ترک کنیم و انجام ندهیم.

اما بچه‌های عزیز! در بین دستوره‌های خداوند، یک کار است که خیلی مهم و مخصوص است و خداوند هم روی آن حساب ویژه باز کرده است. این کار مهم که همه باید آن را انجام دهند و حق ترک آن را



ندارند، نماز خواندن است که امیرمؤمنان □ جمله زیبا و مهمی
در این باره دارند. ایشان فرمودند:
"نماز، نشانه و چهره دین شما است".^۱

پیامها و اهداف رفتاری

ما همیشه سعی می‌کنیم بهترین حالتها را به خودمان بگیریم و حتی
اگر ناراحت هم هستیم، آن را بروز ندهیم. وقتی می‌خواهیم به مهمانی
برویم، ظاهر و صورت خود را تمیز کرده، با لباس پاکیزه و زیبا به
مهمانی می‌رویم.

حال چه کنیم که چهره‌ای که از نماز نشان می‌دهیم، چهره‌ای زیبا و
دوست‌داشتنی باشد؛ به گونه‌ای که خداوند از آن خوشحال و خشنود
گردد و نماز ما را قبول نماید؟

نکته: مربی محترم تیتراها را روی کارت نوشته و به دانش‌آموزان
نشان می‌دهد و همزمان با آن، توضیح مختصری که بیشتر ناظر به
احکام نماز است، پیرامون هر یک از موارد ارائه می‌نماید.

- لباس تمیز و پاکیزه پوشیدن؛ یعنی لباس نباید نجس باشد، مال دیگران
نباشد و ...

- یادگرفتن جملات نماز؛ یعنی قرائت و ادای درست کلمات و همچنین
یادگرفتن صحیح و کامل حمد و سوره و دیگر ارکان و واجبات نماز.



۲۴۲

بخش سوم: دانش‌آموزی

۱. شیخ کلینی، کافی، ۳، ۰، ۷، ۲، ح ۶، ۱.

- حضور قلب و تمرکز هنگام نماز؛ یعنی چیزهای مختلفی مانند تلویزیون روشن، حواس ما را پرت نکند و بدانیم چه می‌گوییم و با چه کسی صحبت می‌کنیم.

- احترام به پدر و مادر؛ زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرمود: "هر که به پدر و مادر خود- اگرچه به وی ستم کرده باشند- با نگاه غضب‌آلود بنگرد، خداوند نمازش را نمی‌پذیرد."^۱

یک داستان

حالا در پایان جلسه یک داستان بسیار زیبا برای شما نقل می‌کنم تا متوجه شویم که احترام به پدر و مادر، چه اثرات خوبی در زندگی ما می‌تواند داشته باشد.

احسان به پدر و عنایت خدا

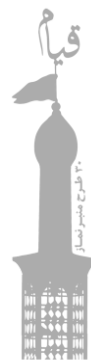
مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرمایند: بنده اگر در زندگی خود در هر زمینه‌ای توفیقاتی داشته‌ام، وقتی محاسبه می‌کنم به نظرم می‌رسد که این توفیقات، باید از یک کار نیکی که من نسبت به والدینم کرده‌ام، باشد.

پدرم در سنین پیری- تقریباً بیست و چند سال قبل از فوتش- که مردی هفتاد ساله بود، به بیماری آب چشم که چشم انسان نابینا می‌شود، دچار شد.



۲۴۳

مبشر دوم: بیان، خویان



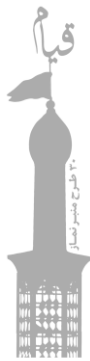
بنده آن وقت در قم بودم. تدریجاً در نامه‌هایی که ایشان برای ما می‌نوشت، مشخص شد که ایشان چشمش درست نمی‌بیند. من به مشهد آمدم و دیدم که چشم ایشان محتاج دکتر است. قدری به دکتر مراجعه کردم و بعد برای ادامه تحصیل به قم برگشتم.

دوباره ایام تعطیلی مدارس شد و من مجدداً به مشهد رفتم و کمی به ایشان رسیدگی کردم و دوباره برای ادامه تحصیلات به قم برگشتم.

چون معالجه در مشهد جواب نمی‌داد، مجبور شدم در سال ۴۳ ایشان را به تهران بیاورم. امیدوار بودم که دکترهای تهران، چشم ایشان را خوب خواهند کرد، ولی پس از مراجعه به چند دکتر، آنها نیز ما را مأیوس کردند و گفتند: هر دو چشم ایشان معیوب شده و قابل معالجه و اصلاح نیست. در آن زمان چشمشان مطلقاً نمی‌دید و باید دستشان را می‌گرفتیم و راه می‌بردیم.

لذا برای من غصه شده بود، اگر پدر را رها کنم و به قم می‌آمدم، ایشان مجبور بود گوشه‌ای در خانه بنشیند و قادر به مطالعه و معاشرت و هیچ کاری نبود و این برای من خیلی سخت بود.

از طرف دیگر اگر می‌خواستم ایشان را همراهی کنم و از قم دست بردارم، این هم برای من غیر قابل تحمل بود؛ زیرا با قم انس گرفته بودم و تصمیم گرفته بودم تا آخر عمر در قم بمانم و از قم خارج نشوم. بر سر یک دو راهی گیر کرده بودم. یک روز خیلی ناراحت بودم و شدیداً در حال تردید و نگرانی و اضطراب به سر می‌بردم. البته تصمیم من بیشتر این بود که ایشان را به مشهد ببرم و در آنجا بگذارم و به قم برگردم. اما چون برایم خیلی سخت و ناگوار بود به سراغ یکی از



۲۴۵

مذبح دوم: بدان، خوبان

دوستانم رفتم. مرد اهل معنا و آدم بامعرفتی بود.
دیدم دلم خیلی تنگ شده، تلفن کردم و گفتم: شما وقت دارید که
پیش شما بیایم؟ گفت: بله!
عصر تابستانی بود که به منزل ایشان رفتم و قضیه را گفتم. او یک
تأمل مختصری کرد و گفت: شما بیا یک کاری بکن و برای خدا از قم
دست بکش و برو در مشهد بمان، خدا دنیا و آخرت تو را می‌تواند از قم
به مشهد منتقل کند.
من یک تأملی کردم و دیدم عجب حرفی است. انسان می‌تواند با خدا
معامله کند.
دیدم حرف خوبی است و برای خاطر خدا، پدر را به مشهد می‌برم و
پهلوی ایشان می‌مانم. خدای متعال هم اگر اراده کرد می‌تواند دنیا و
آخرت مرا از قم به مشهد بیاورد.
به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. اگر بنده در
زندگی خود توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان نیکی
به پدر و مادرم بوده است.^۱



منبر سوم: چرا نماز بخوانیم

درسنامه دبستان

جذابیت اولیه و ارتباط گیری با مخاطب

بچه‌های خوب من! می‌دانیم که خداوند مهربان به همه ما در زندگی نعمت‌های زیادی داده است. چه نعمت‌هایی؟! چند تا را نام ببرید؟

یادآوری: مبلغ محترم اجازه دهد تا خود دانش‌آموزان برخی از نعمت‌ها را نام ببرند. چشم، گوش، زبان و

خُب بچه‌ها! حالا من چند تا از نعمت‌های خداوند را نام می‌برم، ببینم چه کسی می‌تواند درباره آنها یک بیت شعر بگوید:

سیب: سیب درشت و تپلی داره دو تا لپ گلی

انگور: خوشه شاد انگور که می‌درخشد از دور

لیمو شیرین: لیمو شیرین بیدار باش داروی هر بیمار باش

انار: صد دانه یاقوت دسته به دسته

تذکر: چون بچه‌ها این شعر را بلد هستند، اجازه دهید خودشان بخوانند تا فضای کلاس شورانگیز شود.

تبیین بحث (اشاره به چند نعمت خداوند)

این نعمت‌هایی که گفتیم خوردنی بودند! حالا چند تا از نعمت‌های خدا را بگویید که خوردنی نیستند و جاندار و زنده‌اند.

یک راهنمایی می‌کنم: آن‌ها همیشه برای ما زحمت می‌کشند و به فکر ما هستند؟! آفرین! پدر و مادر، معلم.

خب بچه‌ها! این چیزهایی که گفتیم همه مربوط به یک سری نعمت‌های ظاهری بود که خداوند چون ما را خیلی دوست داشته، به ما داده است، اما یک سری نعمت‌های مهم دیگری هم به ما داده است. چه نعمت‌هایی؟

یکی از این نعمت‌ها: ن قر آ است که هرچه بخواهیم در آن وجود دارد و هر فرد مسلمانی وظیفه دارد تا همواره به قرآن مراجعه و روزانه چند آیه را تلاوت کند؛ خصوصاً همراه با معنای آن.

اما دومین نعمت مهمی که خداوند به همه ما داده چیست؟ شما باید با پاسخ دادن به این سؤالاتی که از شما می‌پرسم، جواب را پیدا کنید.

۱. لقب پیامبر اسلام ﷺ چی بود؟ امین

۲. پرندۀ شانه به سر؟ هدهد

۳. سوره‌ای که از هر طرف بخوانیم خودش می‌شود؟ (به معنای شب)

لیل

۴. لقب حضرت ابالفضل العباس؟ باب الحوائج

۱. مبلغ گرامی حروف پراکنده را روی تابلو می‌نویسد.



۵. گلی خوشبو، معروف به گل حضرت زهرا؟ یاس
۶. دعایی که شب‌های چهارشنبه خوانده می‌شود؟ توسل
توجه: می‌توان به کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، جایزه‌ای اهدا کرد.

خب بچه‌ها! حالا حروف اول این کلمه‌ها را کنار هم بگذارید تا دومین نعمت خداوند را متوجه شویم؟

احسنت! اهل بیت □

همان کسانی که راه درست را به ما نشان می‌دهند و خداوند برای راهنمایی و نشان دادن مسیر درست زندگی، آنها را آفریده و نزد ما انسان‌ها فرستاده است.

وظایف ما

حالا خدایی که این همه نعمت به ما داده است، ما چه وظیفه‌ای داریم؟
وظیفه ما این است:
یادآوری: مری محترم همزمان با بیان این جملات، حرف کاف را روی تابلو نوشته و سپس مطلب را ادامه می‌دهد.

ک

یعنی چه؟ کاف که معنی ندارد، پس یک حرف دیگر به آن اضافه می‌کنیم، مثلاً حرف ش.
چی شد؟



شک

نه! شک که خوب نیست، پس یک حرف دیگر - این بار - در آخر آن اضافه می‌کنیم، مثلاً حرف ر. حالا چی شد؟

شکر

این خوبه. چون هم شیرینه و هم خوشمزه و می‌توانیم اول صبح قبل از آمدن به مدرسه، صبحانه خوشمزه‌ای بخوریم. پس از غذا خوردن چه کار می‌کنیم؟

شکر

آفرین! شکر خدا را به جای می‌آوریم. البته فراموش نکنیم که از پدر و مادر هم باید چه کار کنیم:

تشکر

پیام‌ها و اهداف رفتاری

آفرین، باشد شکرگزار نعمت‌های خداوند باشیم، اما چگونه؟
نعمت‌ها را بشناسیم و بدانیم که این نعمت‌ها را خداوند به ما داده است؛

از نعمت‌ها در راه درست استفاده کنیم؛

نماز بخوانیم؛

یکی از بهترین روش‌هایی که می‌توانیم شکرگزاری و قدردانی خودمان را نشان دهیم، این است که به خواست و سخن خداوند گوش دهیم.





یکی از خواسته‌های مهم خداوند نماز خواندن است که در طول شبانه‌روز، فقط چند دقیقه باید وقت بگذاریم و با خواندن نماز، ادب و تشکر خودمان را ابراز کنیم. خداوند هم فرموده: "إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا؛ نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب گشته است."^۱

جالب اینکه وقتی ما از خداوند تشکر کنیم، خداوند هم نعمت‌هایش را زیادتر می‌کند؛ چون می‌بیند ما قدردان هستیم و لیاقت نعمت بیشتر را داریم، همانگونه که در قرآن کریم فرمود: "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ اگر سپاسگزاری کنید، روزی شما را زیاد می‌کنم!"^۲

چه زیباست که پس از نماز هم سر به سجده بگذاریم و حداقل سه بار بگوییم: شُكْرًا لِلَّهِ؛ یعنی خدایا شکرت از این همه نعمت که به ما داده‌ای.

۱. نساء: ۳

۲. ابراهیم: ۷



منبر چهارم: داروخانه شبانه‌روزی

مخاطب: دختر و پسر متوسطه اول

جذابیت اولیه

خداوندا پناه بندگانی نباشد جز تو یار مهربانی
خداوندا همه نیکویی از توست نوازش از تو و دل جویی از توست

دوستان خوبم سلام. حالتون خوبه؟ امیدوارم همیشه سالم باشید. بچه‌ها! یک سؤال ازتون دارم. تا حالا شده نصف شب مریض بشید و احتیاج به دکتر پیدا کنید؟ خوب اگر چنین اتفاقی براتون پیش بیاد چه کار می‌کنید؟ حتماً دنبال یک درمانگاه یا بیمارستان شبانه‌روزی می‌گردین که اون موقع شب دکتر داشته باشه. بعدش هم برای اینکه داروهاتون رو بگیرید به سراغ داروخانه شبانه‌روزی می‌روید و سعی می‌کنید این داروها رو سر وقت و طبق دستور پزشک مصرف کنید تا زودتر خوب بشید. حالا اگر یک نفر مریض بشه و دسترسی به دکتر نداشته باشه، حالش هم خیلی بد باشه چه اتفاقی می‌افته؟ ... به خاطر همین در هر شهری یک درمانگاه و داروخانه شبانه‌روزی می‌سازند.



تبیین بحث

بچه‌های عزیز، ما آدم‌ها وقتی وارد دنیا شدیم روح سالمی داشتیم، و از هر مریضی و آلودگی پاک بودیم؛ اما به مرور زمان میکروب غفلت و کثیفی گناه روی روح پاکمون نشست و بیمار شدیم؛ ولی خدا که خیلی مهربونه و ما بنده‌ها رو خیلی دوست داره به فکرمون بوده و هست و برای درمان بیماری ما یک فکر اساسی کرده و اون هم فرستادن تعدادی دکتر با مهارت برای ماست. اگر گفتین دکترهای خدا کیا هستند؟ بله! پیامبران و ائمه اطهار □. اونها بهترین دکترهایی هستند که خدا برای نجات ما از چنگال میکروب‌ها و آلودگی‌های روحی فرستاده. طیب همه دردها یعنی پیامبر اکرم □ یک داروخانه شبانه‌روزی به ما معرفی کرده. کی می‌تونه بگه این داروخانه اسمش چیه؟ بله! بالای سر این داروخانه نوشته شده "داروخانه شبانه‌روزی اسلام". توی این داروخانه شبانه‌روزی یک داروی شفابخش هست که غفلت و فراموشی ما بنده‌ها رو شفا می‌ده. حالا بگید این چه دارویی هست که خدا برای ما تجویز کرده؟

احسنت این دارو نمازه. ما هم باید دقیقاً طبق دستور، از این داروی شفابخش مصرف کنیم.

حالا شاید این سؤال توی ذهنتون پیش بیاد که آدم‌های خیلی خوب که اصلاً گناهی نکردند پس چرا باید نماز بخونند؟ اونها دچار بیماری نشدند که احتیاج به دارو داشته باشند؟ در پاسخ این سؤال باید بگیم که نماز برای اونهایی که مریض هستند داروست و برای اونهایی که پاک و سالم هستند، پیشگیری از ابتلاء به بیماری و گناه است. همتون

می‌دونید که امروزه برای پیشگیری از بیماری‌های خطرناک، آدم‌ها رو واکسینه می‌کنند.

خوب! گفتیم که دارو باید طبق دستور پزشک مصرف بشه. خدا هم یک دستور دقیق برای نماز خوندن به ما داده. دستورش هم این است که ما باید پنج وعده نمازهای روزانه رو با احکام خاصش به‌جا بیاریم؛ البته این نکته رو هم بگم که غیر از این نمازهای یومیه که واجبند نمازهای مستحبی هم هستند؛ مثل نماز نافله که در واقع در حکم داروهای تقویتی هستند.

البته نماز فایده‌ها، آثار و برکات زیادی داره که ما امروزه فقط به یک فایده اون یعنی پاک‌کنندگی اون اشاره می‌کنیم. در فرصت‌های بعدی دربارهٔ آثار و فواید دیگر نماز با هم صحبت خواهیم کرد.

حالا من چند بیت شعر روی تابلو می‌نویسم تا با هم بخونیم:

اگر خواهی دلت آرام گیرد	صفا و نور اطمینان پذیرد
بیا و آستی کن با خدایت	که دارد با تو لطف بی‌نهایت
تو محتاجی، خدایت بی‌نیاز است	همیشه درگهش روی تو باز است
ز عمق جان خدایت را صدا کن	به پیش آن یکی قامت دو تا کن
شعار پیرو قرآن نماز است	نشان فرد با ایمان نماز است
مهیّا شو به سوی قبله رو کن	بیا با خالق خود گفت و گو کن

خوب همین جا یه دعا کنم و شما آمین بگین: خدایا به ما هم بدن

سالم و هم روح آرام و پاک عنایت بفرما.

الهی دانایی ده که از راه نیفتیم بینایی ده که در چاه نیفتیم

الهی آمین



تکلیف

ان شاء الله دوستان برای جلسه بعد آیه‌ای که اشاره می‌کنه "منبع آرامش فقط ذکر و یاد خداست" رو با آدرس دقیق بنویسند و بیان.



۲۵۴

بخش سوم: دانش آموزی



۲۵۵

منبر پنجم: چلچراغ

منبر پنجم: چلچراغ

مخاطب: دختر و پسر متوسطه اول

جذابیت اولیه

شعر:

بار الها دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شریک و بی‌قرین در میان دوستانم بهترین
به نام بهترین دوست و یار و باورمون خدای مهربون، بچه‌های عزیز
سلام...

دوستان خوبم حتماً با علامت بزرگ‌تر، کوچک‌تر و مساوی $< > =$
آشنایی دارید. به نظر شما بین این اعداد چه علامتی باید قرار بدیم؟
 ۱۵۰ ، ۳۰۰ ، ۲ . حتماً می‌گید اینکه معلومه دیگه $۱۵۰ < ۳۰۰$ و
است؛ اما من علامت مساوی قرار می‌دم $۱۵۰ = ۳۰۰$ و $۲ = ۳۰۰$. تعجب
کردید؟ چطور ممکن است ۱ مساوی ۱۵۰ باشد؟ یا ۲ مساوی ۳۰۰ .



۲۵۶

بخش سوم: دانش آموزی

تبیین بحث

دوستان خوبم، شما می‌دونید که خداوند، پیامبران و فرستادگانش رو خیلی دوست داره؛ چون بندگان خوبش بودند. خداوند با کسی پسرخالگی نداره. هر که به حرف خدا بیشتر گوش بده و اطاعتش بیشتر باشه، پیش خدا عزیزتره. مثل شما که هر چه بیشتر به حرف پدرتون گوش بدید، عزیزترید. پدر هم خواسته‌هاتونو راحت‌تر و بیشتر فراهم می‌کنه؛ اما در بین پیامبران خدا، حساب پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد ﷺ جداست و اصلاً به ایشون می‌گیم: حبیب الله؛ یعنی کسی که عزیز چون جونی خداونده. برای همین یک‌بار فرشته الهی جبرئیل امین، پیش پیامبر اومد و گفت: ای حبیب خدا، خداوند به شما آخرین پیامبر، دو تا هدیه ویژه عنایت کرده: یکی نماز وتر (نماز شب) و دومی نماز جماعت. (توضیح مختصر درباره نماز وتر) پیامبر خدا از جبرئیل سؤال کردند: خوب فضیلت نماز جماعت چیه؟ یعنی اگر امت من بجای اینکه نمازشونو به تنهایی و فرادا بخوندند، در جمع و به جماعت بخوندند چی گیرشون می‌یاد؟

به یک بنده خدایی گفتند: چرا در نماز جماعت شرکت نمی‌کنی و همیشه تنهایی و در خونه نمازتو می‌خونی؟ جواب داد: مگر قرآن نخوندید؟ خود خدا دستور داده نمازتونو تنها بخونید: **ان الصلاة تنها!! عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**^۱

جبرئیل گفت: یا رسول الله خداوند می‌فرماید: اگر کسی به یکی اقتدا

۱. عنکبوت:



۲۵۷

مجلس تهرانی
پنجمین مجمع
تفسیری

کنه و نماز جماعت دو نفره برگزار بشه، برای هر یک از اون دو نفر به ازای هر رکعت نمازشون، ثواب نماز ۱۵۰ نفر رو ثبت می‌کنند، اگر دو نفر اقتدا کنند، برای هر رکعت، ثواب ۳۰۰ نماز

اگر چهار نفر باشند ← ۱۲۰۰

پنج نفر ← ۲۴۰۰

شش نفر ← ۴۸۰۰

هفت نفر ← ۹۶۰۰

هشت نفر ← ۱۹۲۰۰

نه نفر ← ۳۶۴۰۰

ده نفر ← ۷۲۸۰۰ نماز ...

اما اگر تعداد حاضران از ۱۰ نفر بیشتر شد، اگر همه آسمون‌ها کاغذ، همه دریاها مرکب، و همه درخت‌ها قلم و همه جن و انسان‌ها و فرشتگان نویسنده بشن، نمی‌تونند ثواب یک رکعت چنین نماز جماعتی را بنویسند.^۱ حالا من یک سؤال می‌کنم: بچه‌ها اگر اعلام کنن جمعه ساعت هفت صبح برنامه پیاده‌روی از میدان اصلی شهر تا مثلاً امامزاده برگزار می‌شه و به پنجاه نفر در قرعه‌کشی، نفری یک میلیون جایزه می‌دن، ماهایی که جمعه‌ها تا ساعت ده می‌خوابیم، اون روز از پنج صبح بیداریم و آماده رفتن می‌شیم یا نه؟ معلومه که می‌شیم. چرا؟ چون شاید یکی از پنجاه نفر باشیم و یک میلیون گیرمون بیاد. بعضی‌ها برای رسیدن به پول هر کاری می‌کنن و هر سختی‌ای به خودشون می‌دن؛



اما به معنویات و وعده‌های خدا که می‌رسه بی‌حال می‌شن... شایدم قبول ندارن!!

خوب باز یک سؤال دیگه: حاج آقا می‌شه زیر دیپلم برامون حرف بزنی، بگی نماز جماعت چه فایده‌ای داره؟ آخه ما هر کاری می‌کنیم باید فایده‌شو بدونیم!

ابوعلی سینا نامه‌ای به استادش (ابوسعید ابوالخیر) نوشت و از او همین سؤال رو کرد که آقا چه اصراریه که نمازمون را به جماعت بخونیم؟ ابوسعید در جواب نوشت:

اگر در اتاقی یک چراغ روشن باشه، با وزیدن بادی، اون چراغ فوراً خاموش می‌شه؛ اما اگر ده چراغ، بیست یا چهل چراغ باشه چطور؟ گاهی در نماز حواس آدم پرت می‌شه؛ اما اگه چند نفری حضور قلب داشته باشن، خدا به خاطر همون چند نفر، نماز بقیه رو هم قبول می‌کنه. هرچند اگر اون حواس پرت‌ها هم اگه حضور قلب می‌داشتند، ثواب بیشتری نصیبشون می‌شد.

معماً: [برای ایجاد تنوع و مشارکت مخاطبان در بحث یک سؤال مطرح می‌کنیم]

کدوم نمازهای جماعته که واجبه؟

- ۱- کسی که حمد و سوره رو نمی‌تواند صحیح بخونه؛
 - ۲- کسی که پدرش به او امر کرده نمازش رو به جماعت بخونه؛
 - ۳- کسی که زیاد در نمازش شک می‌کنه.
- کدوم نمازه که به جماعت خوندنش حرامه؟ نمازهای مستحبی کدوم نمازه که باید حتماً به جماعت خونده بشه؟ نماز جمعه.



با یک داستان برناممون رو به پایان می‌بریم:

"صف‌های نماز شکل گرفته بود و مؤذن داشت اذان می‌گفت؛ اما اذان بوی غم می‌داد، اصلاً تمام مسجد و مسجدی‌ها رو غم گرفته بود، غم شهادت فرزند و یادگار عزیز حضرت امام خمینی، آقا مصطفی. خبر شهادت آقا مصطفی مثل بمب تو شهر نجف صدا کرده بود. همه منتظر بودند ببینند امروز چه کسی به جای امام جماعت به مسجد می‌یاد. کسی فکر نمی‌کرد امروز خود آقا برای اقامه نماز به مسجد بیاد، اما با کمال تعجب و ناباوری حضرت امام مثل روزهای قبل سر وقت همیشگی وارد مسجد شدند. صدای گریه و ناله جمعیت برای همدردی با حضرت امام بلند شد؛ اما امام صبورانه و محکم به سمت محراب رفتند و شروع به گفتن اقامه کردند..."

اون روز همه این درس بزرگ رو از امام یاد گرفتند که هیچ چیز نباید ما رو از فضیلت نماز جماعت محروم کنه، اقامه جماعت جایگاه خودش رو داره. چقدر چهره دوست‌داشتنی امام بعد نماز دیدنی بود، چه آرامشی در صورتشون موج می‌زد آرامشی که فقط از نماز و ارتباط قوی با خدای آرامش‌بخش، به دست می‌یاد. ^۱"*الا بذكرالله تطمئن القلوب*"^۲
ان شاءالله همه ما اهل نماز جماعت باشیم و یک روز نمازمون را به امامت بهترین امام جماعت عالم یعنی امام زمان حضرت مهدی بخوانیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

۱. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ، ج ۱، ص ۵

۶.

۲. رعد: ۸

۲.



۲۶۰

بخش سوم: دانش آموزی

منبر ششم: شکر خدا

مخاطب: پسران، متوسطه دوم

جذاییت اولیه

دوستان خوبم سلام، حالتون خوبه، احوالتون چطوره؟ ان شاء الله همیشه سالم و سرزنده باشید. روزی که آفرید تو را صورت آفرین بر آفرینش تو به خود گفت: آفرین صورت نیافریده چنین صورت آفرین بر صورت آفرین و بر این صورت، آفرین دوستان، شعری که خوندم به آیه‌ای از آیات قرآن اشاره داره. کسی می‌تونه اون آیه رو بگه؟ بله، تشکر آیه "فتبارک الله أحسن الخالقین" ^۱.

تبیین بحث

می‌دونید که خداوند موجودات زیادی خلق کرده؛ ملائکه و جنیان،

۱. مؤمنون:

انسان‌ها و حیوانات، کُرّات و منظومه‌ها و خیلی چیزهای دیگه؛ اَمّا خداوند تنها یک جا، خودش رو تحویل گرفته و به خودش آفرین گفته! اون هم موقعی که آدم (انسان) رو آفرید. چرا؟ مگه انسان چه تحفه‌ای است؟!

انسان یکی از عجیب‌ترین و شگفت‌انگیزترین و پیچیده‌ترین مخلوق خداست و خدا در آفرینش انسان سنگ تمام گذاشته. شاید بگید انسان در مقابل منظومه‌ها و کرات عالم بالا عددی نیست. خوبه به این چند تا عدد یک توجهی بکنید:

۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ← در هر ثانیه در بدن هر انسانی این تعداد سلول پدید می‌یاد و به همین تعداد هم، سلول از بین می‌ره، "در یک ثانیه!!"
۵۰/۰۰۰ ← هر ۵۰ هزار سلول که کنار هم قرار داده بشه، می‌شه اندازه سر سوزن.

حالا این سلول که می‌گیریم، مثل پاره‌ای آجر نیست که روی هم گذاشته بشه و دیواری به وجود بیاد. نه، هر سلول خودش کارخانه‌ای است: هسته داره، غشاء داره، سیتوپلاسم داره، حرکت داره، سوخت و ساز داره و نیاز به انرژی داره، این انرژی توسط حرکت سلول‌های خونی در بدن، به بقیه سلول‌ها می‌رسه تا اون‌ها به حیاتشون ادامه بدن. جالبه بدونید دانشمندان می‌گن هر ۵ سال تمام سلول‌های بدن تعویض و تجدید می‌شن غیر از سلول‌های مغز و قلب؛ چون اگه سلول‌های مغز عوض بشن، تمام محفوظات آدم فراموش می‌شه.

۱۰۰/۸۰۰ ← در هر دقیقه قلب یک انسان سالم حدود ۷۰ بار تپش داره که اگه ضرب در ۱۴۴۰ دقیقه (دقایق یک شبانه‌روز) کنیم تعداد





تپش‌های قلب در یک شبانه‌روز می‌شه حدود صد هزار بار که در حالت اضطراب گاهی تا ۱۸۰ بار در دقیقه می‌تپه. قلبی که از ماه دوم زندگی در جنین مادر کارش را شروع می‌کنه و با مرگ انسان به کارش پایان می‌ده حتی یک روز هم به خواب نمی‌ره، از کار نمی‌ایسته، خستگی نمی‌شناسه؛ اما آدم با ستمکاری اون رو آزار می‌ده، با آتش کینه کبابش می‌کنه، با اندوه و ماتم خسته و کوفتش می‌کنه.

۱۹/۰۰۰ ← خون در بدن در هر دقیقه ۳ بار گردش می‌کنه و ۱۹ هزار کیلومتر راه رو طی می‌کنه.

۵۶۰/۰۰۰ ← طول رگ‌های بدن یک انسان متوسط چیزی حدود ۱/۵ برابر فاصله کره زمین تا کره ماه است.

اگه فاصله تهران - مشهد هزار کیلومتر باشه یعنی ۲۸۰ بار رفت و برگشت تهران - مشهد.

رگ‌ها مثل لوله‌های آب که ضخیم و متوسط و باریک و... داره، سرخرگ داره، مویرگ داره.

اینها که گفتم گوشه‌ای از پیچیدگی‌ها و عظمت‌های خلقت خدا درباره بدن و فیزیک انسان است.

خداوند می‌فرماید: "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ"؛ ما انسان را به بهترین شکل ممکن آفریدیم و "الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ"؛ به

۱. سایت تبیان/کتابخانه/بخش پزشکی.

۲ - تبین: ۴.

۳ - انفتار: ۷.



۲۶۳

مُنیر ششم: شکر خدا

تناسب و سامان و منظم، نه کاریکاتوری، نه بی حساب و ...
از کبد و کلیه‌ها و معده و دستگاه گردش خون و سیستم عصبی و
مخابراتی بدن و مغز و پوست و ... آگه بخوایم حرف بزنییم، ساعت‌ها و
روزها و هفته‌ها باید وقت بذاریم و اونقدر مطلب هست که ...

و همه اینها تازه جسم انسان است، که در برابر روح آدمی، قطره‌ای
است در برابر دریا. خداوند به پیامبرش می‌فرماید: "ای پیامبر ما! از تو
راجع به روح می‌پرسند: "یستلونک عن الروح" بگو اصلاً سوال نکنید: "قل
الروح من امر ربی... (روح دیگه در قد و قواره شما نیست که بخواید
راجع بهش براتون حرف بزنه. مثل این می‌مونه که از یک بچه ابتدایی
راجع به حساب دیفرانسیل و فیزیک هسته‌ای بپرسی.

حاج آقا! خوب حالا این همه عدد و رقم گفتی و حرف زدی حرف
حسابت چیه؟ خستمون کردی! چی می‌خوای بگی؟

اینجا یه سؤال مهم پیش می‌یاد که: خدایا برای چی این موجود
عجیب و غریب و شگفت‌انگیز رو آفریدی، خدا جون شما که حکیمی و
کارات حساب و کتاب داره از این آدمیزاد چه توقعی داری؟

یه وقت شما ۵۰۰ تومن مایه می‌ذاری و یک سیستم می‌خری و
باهاش کارای تایپ و فوتوشاپ و مهندسی و طراحی و اینها انجام
می‌دی؛ امّا یکی پولش اضافه یک سیستم یک و پونصدی می‌خره
می‌ده دست بچش با اون کارتون بیینه و بازی کنه!



۲۶۴

بخش سوم: دانش آموزی

خدا می‌فرماید: "ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"؛ انسان‌ها و جن آفریده شده‌اند تا ...

خنده‌دار نیست که فکر کنیم خداوند ما را با این همه پیچیدگی‌ها و عظمت و این دنیای عظیم با این همه وسعت و نعمت را آفریده که چند صباحی در اون بخوریم و بنوشیم و لذت ببریم و کار و درس و خواب و شهوت و ... همین؟! بعد ۶۰ سال ۷۰ سال بگو ۱۰۰ سال درد و مرض إِهِنْ أَوْهَنْنَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! و مرگ ...

نظر شما چیه دوستان؟ (اگر مخاطب دختر بودند، خواه‌رآن خوبم!)
← شنیدن پاسخ‌های مخاطبان ...

بله همه آفرینش برای یک چیز است و اون عبادت و اطاعت خداست؛ عبادتی که زمینه رشد و تکامل روحی و آرامش و سعادت انسان می‌شه.

ببینید دوستان: مثل ما آدم‌ها مثل این چراغ‌ها و لامپ‌های روشناییه؛ تا زمانی که به نیروگاه وصل باشه و هم کلید روشن، لامپ‌ها هم نور می‌ده و روشنه؛ اما اگه قطع باشیم و ارتباطمون با مبدأ نور و کمال برقرار نباشه خاموش و تاریک و بیچاره‌ایم ...

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: "هر وقت غم و غصه‌ای یا مشکلی به سراغتون آمد وضو بگیرید و دو رکعت نماز بخوانید و از خدا کمک بخواهید چون خود خدا می‌فرماید: "وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ". نماز وصل شدن به اصله، نماز پناه‌بردن بچه به آغوشه مادریه؛ نماز افتادن

قطره در دریای رحمت الهی است. ما تا زمانی که دستمون در دست
خدا باشه آرام هستیم.

با خدا باش پادشاهی کن بی خدا باش هرچه خواهی کن



۲۶۵

منبر نشستم: شکر خدا



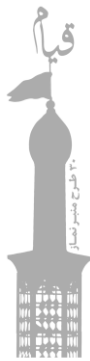
منبر هفتم: نماز راستگی

مخاطب: پسران و دختران، متوسطه دوم

جذاییت اولیه

ما پیروان مُصحف و در دین احمدیم بر جملهٔ خلائق عالم سرآمدیم
شکر خدا که در همه گیر و دارها ما متکی به مهدی آل محمّدیم

هوا خیلی گرم بود، آفتاب داغ مدینه بد جوری آزاردهنده بود. جوان نشسته بود زیر سایه دیوار خانه‌ای، از دور مردی باوقار می‌آمد. چهره نورانی و دوست‌داشتنی‌ای داشت. نزدیک‌تر شد. جوان آقا را شناخت، بله آقا امام صادق علیه السلام بود که از آنجا رد می‌شد. جوان به احترام ایشان از جا بلند شد و جلو رفت و سلام کرد. حضرت هم او را تحویل گرفت و با لبخندی ملیح سلامش را جواب داد، بعد از احوال‌پرسی، حضرت نگاهی به جوان کرد و فرمود: "فرزندم شما از محبّین و شیعیان ما هستید؟" [آخر در مدینه همه جور آدمی بود و هست. هم دوستان اهل بیت □ و هم دشمنان آنان از قدیم در این شهر بوده‌اند]. جوان گفت: "بله آقا، من افتخار می‌کنم که محبّ و مرید شما هستم یابن رسول‌الله!"



حضرت فرمود: "فرزندم می‌شه از زیر سایه اینجا به زیر آن درخت بروی و آنجا (آن طرف کوچه) بشینی؟" جوان نگاهی به درخت کرد و بلافاصله گفت: چشم و حرکت کرد، در همین حال به ذهنش آمد که بپرسد آقا، این سایه با آن سایه چه فرقی داره؟ حضرت قبل از اینکه جوان سؤالش را به زبان بیاورد فرمود: "این خانه‌ای که شما زیر سایه‌اش نشستہ بودی، خانه یکی از ناصبی‌ها (که دشمن اهل بیت‌اند) است. در روز قیامت صاحب این خانه به همین اندازه که سایه دیوار خانه‌اش باعث خنک شدن محبّ ما شده از ما طلبکار می‌شود و حقّی پیدا می‌کند و آنجا باید جبران کنیم."^۱

تبیین بحث

این گوشه‌ای از لطف و محبت اهل بیت □ نسبت به دیگران است...

همین امام عزیز، ساعت‌های آخر عمرشان فرمودند: بروید همه اقوام و دوستان و آشنایان را خبر کنید بیایند. می‌خواهم وصیت کنم، حرف مهمی دارم. همه حساس شدند امام صادق (علیه السلام) که در تمام عمر بابرکتشان روایات فراوانی نقل کردند و بیشتر احکام و دستورات اخلاقی و معارفی دین و مذهبمان مدیون جملات و احادیث ایشان است، حالا چه می‌خواهند بگویند. همه جمع شدند دور بستر آقا. نفس‌ها در سینه حبس شده بود. همه با دقت منتظر بودند ببینند این حرف و سفارش مهم آقا در پایان عمرشان چیست؟ امام لب باز کردند و

۱. ابوالحسن اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ۱، ۴.



فرمودند: "قسم به خدا [می‌دونید قسم خوردن کار خوبی نیست و بزرگان و ائمه برای چیزی قسم نمی‌خوردند؛ آن هم قسم جلاله به خدا...] به شفاعت ما اهل بیت نمی‌رسد... (چه کسی؟) کسی که نمازش را سبک بشمارد و به آن اهمیت ندهد.^۱

همه ما شیعیان امید و آرزویمان این است در قیامت که کار خیلی سخت می‌شه و نیاز به کمک داریم، اهل بیت □ به فریادمان برسند و پیش خدا ضمانت و شفاعتمان را بکنند.

امامی که آنقدر مهربان و دلسوز است که در روایت آمده "الامامُ الوالدُ الشفیقُ"؟! امام، پدر مهربان مردم است. امام مثل ابر رحمت است؛ امامی که اگر دشمنش هم به او کوچک‌ترین خدمتی کند، لطفش را جبران می‌کند؛ اون وقت این امام، به کسی که نمازش را سبک بشمارد در قیامت (آن هم در اوج نیاز)، توجهی نمی‌کند.

یک‌بار دیگه به این جمله دقت کنید: کسی که به نمازش بی‌توجه و سهل‌انگار باشد، نه کسی که اصلاً نماز نمی‌خواند؛ یعنی کسی که می‌خواند اما بد می‌خواند، خط در میان، عشقی و هر وقت شد می‌خواند. رفقا! اهل بیت با تمام مهربانی و دلسوزی‌شان نسبت به ماها، از کسی دستگیری می‌کنند که حداقل‌های مسلمانی را انجام دهد، این حرف خیلی عجیب نیست؛ چون خداوند متعال که مهربانی پیامبر اکرم و امامان، یک جلوه کوچکی از مهربانی اوست، در قرآن کریم

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱، ص ۳
۲. الحیاء، ج ۳، ص ۰
۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱، ص ۷
۴. ترجمه احمد آرام.



می فرماید: "وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ"؛ وای بر نمازخوان‌ها. کدام نمازخوان‌ها؟
"الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ"؛ کسانی که نسبت به نماز سهل‌انگارند.
آنهایی که نماز نمی‌خوانند که هیچ، مرخص‌اند و آنهایی هم که
می‌خوانند و بد می‌خوانند عاقبتشان "ویل" است. "ویل" چیه؟ بگو
کجاست! "ویل" یکی از دره‌های جهنم است که خیلی وحشتناک و
خوف‌انگیز است! می‌دونید که جهنم هم بالا شهر و پایین شهر داره،
همه جاش یکسان و یک جور نیست ... خدا به دادمون برسه!!
رفقا! می‌دانید ما چند جور نماز داریم؟

بله احسنت:

- نماز واجب ← اداء

- نماز مستحب ← قضاء

اما یک نماز داریم:

- در روز می‌خوانیم ← بهش می‌گن یومیه

- هفته‌ای یک بار می‌خوانیم ← جمعه

- گاهی پیش می‌آید ← آیات

- سالی یک بار می‌خوانیم ← عید قربان و فطر

- کسی وقتی مُرد می‌خوانیم ← میّت

اما یک جور نمازهای دیگر هم داریم:

۱. نماز چپکی ← نماز آدمی که پشت به قبله بخواند؛

۱. الماعون: ۴.

۲. همان: ۵.



۲. نماز پفکی ← نماز "ریایی" که ظاهر قشنگی دارد؛ اما بی‌خاصیت و بی‌فایده است؛

۳. نماز نیمکی ← نماز شکسته در سفر؛

۴. نماز زورکی ← به اجبار و ترس از بابا و مدیر مدرسه و نمره انضباط و...!

۵. نماز یدکی ← نماز قضا، احتیاط؛

۶. نماز پولکی ← برای کارت استخر و جایزه و...؛

۷. نماز راستکی ← ...

خوب، به نظر شما نماز راستکی چه جور نمازی است؟ معلوم است؛ نمازی که چپکی و پفکی و زورکی و پولکی نباشه، خب میشه راستکی! نمازی که اول وقت خوانده شود. ما اگر در انتظار مهمان عزیزی باشیم، برای آمدنش بی‌طاقت می‌شویم و می‌ریم سر کوچه به استقبالش. به ما گفتند: قبل از وقت نماز، خودتان را آماده کنید، وضو بگیرید، موهایتان را شانه بزنید، خودتان را معطر کنید، سجاده‌تان را پهن کنید، اذان و اقامه بگویید. این کجا و اینکه طرف، آخر وقت با هول و عجله به نماز می‌ایستد و یک نماز کلاغی!! می‌خواند.

حالا چند نمونه از موارد سبک شمردن نماز را شما بگویید؟

- نرفتن به مسجد و نماز را فرادا خواندن

- نخواندن نماز در اول وقت

- نداشتن حضور قلب در نماز (تمرکز و توجه نداشتن)

- کسی که نماز قضا دارد ولی فکر به‌جا آوردن آن نباشد

- کسی که آداب نماز را رعایت نکند

- کسی که در پی یاد گرفتن احکام نماز نباشد

و ...

شما بگویید من می‌نویسم:

خوب جلسمون را با یک بیت شعر زیبا به پایان می‌بریم؛ ان شاءالله
خدا به هممون توفیق نماز خوندن خوب و راستکی را عنایت فرماید:

ارزنده‌ترین گوهر مقصود نماز است زینده‌ترین هدیه به معبود نماز است
آن روز که آید ز پس پرده غیبت اول هدف مهدی موعود نماز است^۱



۱. استاد جواد محدثی.



منبر هشتم: ساحل آرامش

مخاطب: پسران، متوسطه دوم

جذابیت اولیه

یه روز داشتم فیلمی رو در مورد انواع تبلیغاتی که در شهر لندن صورت می‌گیره می‌دیدم تبلیغات روی تابلوها و بیلبوردها و روی این اتوبوس‌های واحد یکی از این گروه‌های اومانیستی که (به خدا هیچ اعتقادی ندارند) بزرگ نوشته بودند: "اگر به خدا اعتقاد نداشته باشید، هیچ اتفاقی در زندگی شما نمی‌افته و هیچ مشکلی پیش نمی‌آد." و وقتی با یه خانمی که از انجمن اومانیست‌ها بود مصاحبه می‌کردند، می‌گفت: من می‌بینم آدمایی هستند که به خدا هیچ اعتقادی ندارند و در زندگی شون اتفاق بدی هم نمی‌افته، مشکلی ندارند و خیلی راحت دارن زندگی شون رو می‌کنند و از اون طرف کشیش‌های مسیحی میان می‌گن هر کسی به خدا اعتقادی نداشته باشه، یا این اعمال را انجام نده، خدا اونو به جهنم می‌بره و اما ما اومدیم بگیم که نه بابا! هیچ اتفاقی نمی‌افته. این حرفا کشکه، دو روز دنیا رو خوش باش، امروز رو دریاب و حال کن.



۲۷۳

منبر هشتم: ساحل آرامش

رفقا! نظر شما چیه؟ راستی اگر کسی به خدا اعتقاد نداشته باشه؛ واقعاً در زندگی اش هیچ تأثیری نداره و هیچ اتفاقی نمی‌افته؟ اصلاً دستوراتی که خدا داده (این باید و نبایدهایی که در دین ما وجود داره) چه آثاری در زندگی ما می‌تونه داشته باشه؟

دوست دارید بریم خدمت امام هشتم و این سؤال رو از ایشون بپرسیم؟ امام رضا علیه السلام در مناظرشون با یه نفر منکر خدا جواب جالبی به این سؤال دادند و به او فرمودند: "از دو حال خارج نیست: یا خدایی هست یا نیست؛ اگر حق با شما باشه و خدایی نباشه، در این صورت ما و شما برابریم و نمازهایی که خوندم و روزه‌هایی که گرفتیم و زکات و ایمان ما به ما زیانی نرسونده و اما اگر حق با ما باشه که به هزار دلیل هست؛ در این صورت ما رستگاریم و شما زیانکار و بدبخت؛ ضرری که اصلاً قابل جبران نیست".^۱

تبیین بحث

گفتم "نماز". شاید شما هم شنیده باشید بعضی‌ها تو رفاقتشون با خدا یکم گیر دارند، سؤال می‌کنند حاج آقا! خدا چه احتیاجی به نماز ما داره که اون رو واجب کرده؟ یا اصلاً چرا ما باید نماز بخوانیم، فایده نماز چیه، با نماز خوندن چی گیرمون می‌یاد؟

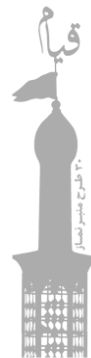
من می‌گم مَثَل ما مثل لامپی است که در "ارتباط" با نیروگاه برق و منبع انرژی، از اون نور می‌گیره و نور افشانی می‌کنه. ما انسان‌ها فقیر و

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶.

نیازمند به خداییم و خدا بی‌نیاز و غنی مطلقه: "یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله".^۱

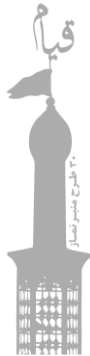
دیدید یه بچه کوچک وقتی دست مامان یا باباشو گرفته، وارد یه جای شلوغ یا یه خیابان پر ازدحام می‌شه، تا زمانی که دستش تو دست بزرگ‌ترشه خیالش راحت و نگرانی‌ای نداره؛ اما همین که دستش رها می‌شه و تنها می‌مونه چه اضطراب و نگرانی‌ای به سراغش می‌یاد؟! طوری که دادش می‌ره به آسمون و می‌زنه زیر گریه. مثل این غربی‌هایی که می‌گن بی‌خدا هم می‌شه زندگی کرد و ما نیازی به خدا و معنویت و ارتباط با معبود نداریم، مثل اون بچه‌های شیطونیه که دستشون از دست بزرگ‌ترشون جدا شده، اما با دیدن جذابیت‌های فریبنده مغازه‌ها و اسباب‌بازی‌ها و... یادشون رفته کجا هستن و چه خطراتی در کمین اون‌هاست و اصلاً اینجا چه می‌کنن و قرار بوده از پدر و مادرشون جدا نشن؛ اما...

حاج آقا! یه سؤال دیگه: اینکه می‌گن "انسان باید نماز بخونه تا در آخرت ثواب به حسابش واریز بشه" نسیه است، نقد چی داری؟!
حتما می‌خوای بگی نقدش آرامشه پس چه فرقی بین نماز و یوگا وجود داره؟ آخه با یوگا هم می‌شه به آرامش رسید.
در جوابتون باید بگم اولاً بیشتر نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و فقط یک عبادت ظاهریه برای همین با حرکاتی مثل یوگا مقایسه می‌شه.



۲۷۴

بخش سوم: دانش آموزی



ثانیاً بی‌توجهی به اسرار و روح نماز و آثار معنوی، تربیتی، دنیوی و اخروی اون باعث توجه به ورزش‌هایی مثل یوگا شده.

یوگا فقط نوعی ورزش همراه با تمرکز و چیزی به عنوان ارتباط با مبدأ هستی که باعث آرامش همیشه درش نیست.

آلکسیس کارل (فیزیولوژیست، جراح و زیست‌شناس) در کتاب "راه و رسم زندگی" می‌گه: الهام مذهبی و توجه به خداوند و ایمان، برای نیاکان ما عامل آرامش و تعادل بود و امروز این آرامش خاطر وجود ندارد؛ چون پایه‌های مذهب متزلزل شده. (با توجه به فضای امروز غرب) یا ویلیام جیمز (فیلسوف و روانشناس بزرگ امریکایی) می‌گه: قوی‌ترین عامل برای تسکین نگرانی‌ها و کاهش اضطراب‌ها ایمان و اعتقاد مذهبی است.

یک دانشمند دیگه به نام "نورمن ونیسفت گریسی" می‌گه: دعا و ارتباط با خدا بزرگ‌ترین نیروییه که برای مبارزه با دشواری‌های زندگی روزانه و به‌دست آوردن آرامش روحی شناخته شده است.

شاید اینجا این سؤال در ذهن بعضی‌ها ایجاد بشه که پس چرا نمازای ما این اثر یا آرامش را نداره یا اگر هم هست خیلی کمه؟

ببینید وقتی انسان به آیات و روایات نگاه می‌کنه سه جور نماز می‌بینه:

۱. نماز بی‌اثر: که طرف فقط برای ریا و کسب موقعیتی بخونه.
۲. نماز کم‌اثر و یا متوسط: نمازایی که بدون خشوع و خضوع و بدون مراعات شرایط خونده می‌شه.
۳. نماز پراثر: نمازهای ناب که با شرایط و حضور قلب کامل خوانده می‌شه.



۲۷۶

بخش سوم: دانش آموزی

یعنی این آرامش نسبی و بستگی به نمازی داره که ما می‌خونیم؛ اما این آرامش هست مگر اینکه طرف هیچ اعتقادی به نماز نداشته باشه و آن را فقط به خاطر دیگران و منافع دنیوی بخونه.

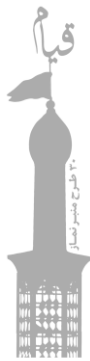
یه سؤال: شما تا به حال اسمی از امواج آلفا شنیده‌اید؟ می‌دانید چه اثراتی داره؟ و مرکز اون کجاست؟

دانشمندا می‌گن "امواج آلفا" دارای خاصیت آرام‌بخشی بر سلسله اعصابه که در زمین هست، مرکز این امواج هم در سرزمین مکه در خانه کعبه معظمه است. وقتی که ما به سجده می‌رییم با قرار گرفتن اعضاء و بدنمون روی زمین در وضعیتی قرار می‌گیریم که امواج آلفا به صورت مستقیم ما رو تحت شعاع قرار می‌ده، چون قبله مرکز تابش این امواجه؛ لذا تأثیر زیادی بر فرد سجده‌کننده داره. شاید شنیده باشید که پیامبر اکرم و ائمه چقدر تأکید و سفارش به سجده طولانی کرده‌اند. انسان با دقت در حالات و رفتار مؤمنینی که نماز با سجده طولانی می‌خوند آرامش خاصی مشاهده می‌کنه که این آرامش اعصاب در انسان‌های عادی دیده نمی‌شه.

تازه جدای از نماز، وضو هم در تسکین اعصاب و روان تأثیر داره. چون تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک داره. به خصوص اگه وضو با آب سرد انجام شه؛ لذا می‌بینیم رسول خدا توصیه کرده‌اند که هنگام خشم با آب سرد وضو بگیرن.^۲

۱. سایت تبیان/کتابخانه/بخش علمی.

۲. الحکم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص



خداوند در قرآن می‌فرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" کسانی که ایمان آوردند و قلب‌هایشان با یاد خدا آرام گرفت آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. نماز همون ذکر و یاد خداست که خداوند به موسی (علیه السلام) می‌فرماید: "وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي" نماز را به یاد من به‌پادار.

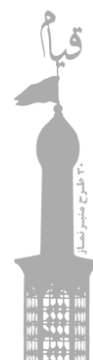
و خداوند وعده داده: هرکس که از ذکر خدا روی‌گردان بشه در زندگی‌اش دچار سختی خواهد شد. "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا"^۳.

می‌دونید منظور از "معیشت ضنک" چیه؟ کسی که خدا را فراموش کنه دیگه چیزی غیر دنیا نمی‌مونه که بهش دل‌ببند در نتیجه همه کوشش‌هاشو صرف دنیاش می‌کنه و فقط به اصلاح زندگی دنیایش می‌پردازه و روزه‌روز اون رو توسعه بیشتری می‌ده؛ اما این زندگی اونو آرام نمی‌کنه، چه کم باشه چه زیاد، برای اینکه هر چه اون به دست بیاره دائماً چشم به اضافه‌تر از آن داره. این آدم دائماً دلش دنبال چیزیه که نداره. به نظر شما مشکل از این بزرگ‌تر هم داریم؟ می‌خوام با یه دعای ساده اما مهم حرفامو به پایان برسونم، دوست دارم شما آمین بگید:

خداجون خودت می‌دونی ما چقدر ضعیفیم و بهت احتیاج داریم: خدایا

۱. رعد:	۸	۲
۲. طه:	۰	۲
۳. طه:	۴	۱

همیشه و همیشه هوای ما رو داشته باش و به ما کمک کن یک لحظه
دستمون از دستت جدا نشه / خدایا لذت و شیرینی نماز و با خودت
بودن رو به ما بچشون.
الهی آمین



۲۷۸

بخش سوم: دانش آموزی



منبر نهم: عشق بازی یا ادب‌ورزی؟

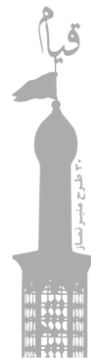
مخاطب: پسر، متوسطه دوم

جذابیت اولیه

یکی از اتفاقات زندگی شما آقایون سربازیه. حالا اگه ادامه تحصیل هم بدی بهترین دانشگاه‌ها هم بری، بازم این سربازی بیخ ریخته. آش کش خالته بخوری پاته نخوری پاته.

اونجا که رفتی باید گوش به فرمان فرمانده باشی. وقتی وارد اتاق فرماندهی می‌شی باید پا بکوبی. اونجا فرمانده نمی‌یاد ناز تو بکشه، بگه عزیزم اصلاً نمی‌خواد موهاتو کوتاه کنی خودم واست شونه می‌زنم. تازه ژل مو هم بهت می‌دم تو فقط وقتی دشمن حمله کرد یا مانوری بود آماده باش و همکاری کن! تو هم بگی حالا ببینم چی میشه! اگه حال داشتم در خدمتم.

اصلاً اونجا حق نداری ببینی حالشو داری یا نه، هر چند هم خوشتر نیاد از سربازی، باید ادب رو رعایت کنی، نمی‌شه هر جور خواستی رفتار کنی، خونه خاله نیست!



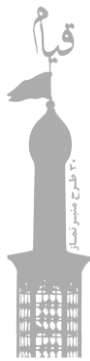
ادب، اونجایی هم که محبت نباشه انسان رو وادار به یه رفتاری می‌کنه. مثل همین سربازی که باید احترام کنی، چه دوست داشته باشی چه نه. و حتی جایی که نیاز نباشه هم وادار به یه رفتارهایی میشی؛ مثلاً در کوچه و بازار یا وقتی که تو اتوبوسی یا سوار مترو شدی، هر حرفی را نمی‌زنی. ادب را در جمع رعایت می‌کنی. شما در کوچه و خیابون و در مدرسه و خیلی جاهای دیگه، وقتی با دیگران برخورد می‌کنی به اون‌ها لبخند می‌زنی، احترام می‌گذاری همه این لبخندها و احترام‌ها از نیاز و عشق و محبت نیست بعضی وقت‌ها لازمه ادبه.

حالا برگردیم به سربازی، مثل اینکه این سربازی نمی‌خواد دست از سر ما برداره!

اون فرمانده هم وقتی ابهت داشته باشه این عظمت و ابهت اون در دل انسان حالتی ایجاد می‌کنه که احترام و کرنش می‌کنه و اگر غیر از این باشه یعنی فرمانده‌ای ابهت و اقتدار نداشته باشه سرباز تبعیت نمی‌کنه.

تبیین بحث

از ادب و سربازی صحبت کردیم، حالا می‌خوام یک خاطره براتون بگم: یه روزی پدر یک جوانی از من پرسید که پسر من نماز نمی‌خونه یا گاهی وقت‌ها می‌خونه. به نظر شما من چه کار باید بکنم که پسر من نماز خون بشه. به اون گفتم: از آثار نماز براش بگو. گفت اینا رو گفتم تأثیری نداشته. گفتم: از عواقب نماز نخوندن بگو. گفت: اینا رو هم گفتم. گفتم: نماز رو چگونه بهش معرفی کردی. جواب داد: خب گفتم



عبادته. نماز عشق‌بازی و راز و نیاز با خداست. به ایشون گفتم: مشکل همین جاست. مشکل در تعریف است. بچه شما داره درس می‌خونه یه دفعه اذان می‌گن، حال نداره. تو ذهنش هست که نماز عشق‌بازی با خداست می‌گه من که چنین حسی ندارم عشق‌بازی کیلویی چند! و نماز رو ول می‌کنه.

در حالی که این ذهنیت غلطه و این تعریف از نماز برای ماها درست نیست. نماز ابتدا مؤدب‌شدن و رعایت ادبه نه عشق‌بازی با خدا. یه آقای می‌گفت: یه روزی با بچه‌ام بازی می‌کردم موقع اذان شد به پسرم گفتم: من می‌رم نماز. پسرم گفت: بابا داشتیم بازی می‌کردیم. گفتم: نه نمی‌شه. باید برم نماز، بعدش با هم بازی می‌کنیم. گفت من هم پیام؟ گفتم: هر جوری دلت می‌خواد. گفت: آخه الان سخته دارم بازی می‌کنم. گفتم: من هم سخته من هم دوست دارم با تو بازی کنم، ولی چاره‌ای نیست. پسرم تعجب کرد. گفت: بابا! مگه برای شما هم سخته؟ گفتم: آره. گفت: پس برای چی کاری که سخته انجام می‌دی. گفتم: تا آدم بشم. تا آدم کار سختی رو که مخالف میلشه انجام نده آدم نمی‌شه. این آقا می‌گفت دیگه من در مورد نماز برای پسرم صحبت نکردم و همین کافی بود.

ببینید نماز در اول کار اصلاً عشق‌بازی نیست. همین که ادب را رعایت کنی کافیه و در ادب هم لازم نیست عشق و محبت باشه. آدم هر چقدر نمازش مؤدبانه خوند و آداب نماز رو رعایت کرد خدا در دلش عظمت پیدا می‌کنه.

شاید دیده باشید اونایی رو که نماز می‌خونن تا مشکلاتشون حل



بشه؛ وقتی هم حل نشد می‌گن: چون مشکلم حل نشده پس تا اطلاع ثانوی نماز تعطیل!! ولی نماز مؤدبانه یعنی اینکه تو ادب رو رعایت کنی فقط چون خدا گفته انجام بدی. مثل فرمانده؛ چون فرمانده گفته باید گوش به فرمان باشی. حالا چه بهت مرخصی بده یا نده؛ البته نماز اثر خودش رو در زندگی انسان داره و به زندگی انسان برکت می‌ده.

حاج آقا یک سؤال!

فلسفه تکراری بودن نماز چیه؟ کارهایی مثل نماز وقتی برای انسان تکراری بشه معمولاً خسته کننده است؛ چرا خدا کاری که خسته کننده است از ما خواسته؟

اولین فلسفه تکراری بودن نماز، اینه که ادب یاد من بده. نماز هر چند تکراریه ولی من بی ادبی نمی‌کنم که اخم کنم و نخونم وقتی اذان می‌گن با خودت لج کن و محکم بلند شو و نمازتو بخون. وقتی انسان با خودش در می‌افته و با خودش لج می‌کنه این یه نوع مبارزه و جهاد با نفسه و تکبر انسان رو از بین می‌بره، و خدا در دلش عظمت پیدا می‌کنه. شاید بپرسید خدا برای چی باید در دل ما عظمت پیدا کنه؟ ببینید وقتی این عظمت تولید شد باعث می‌شه انسان مشکلات دنیا و خود دنیا در چشمش حقیر بشه. به قول معروف به مشکلات می‌گه: "ریز می‌بینمت". مولامون حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: "کسی که خدا در نگاهش بزرگ شد، دنیا در چشمش خوار می‌شود".^۱

۱. عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ وَضَعَ [صَغَرَ] مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ (شیخ صدوق، الأملی، ص:

حاج آقا! ببخشید یه حرفی تو گلوم مونده، اینکه "دنیا حقیر بشه" یعنی چه؟ بذارید از دنیا لذت ببریم! چرا هی می‌گید دنیا را حقیر ببین و از این حرف‌ها؟

وقتی صحبت از تحقیر دنیا می‌شه، منظورمون همین افسردگی‌ها و اعصاب خوردی‌هاست که جوان‌ها درگیر اون شدن. دلایل اصلی اینکه که دنیا و مسائل اونو خیلی جدی گرفتن وقتی انسان بزرگ شد و خدا در دلش عظمت پیدا کرد می‌بینه بعضی از مسائل ارزش فکر کردن نداره چه برسه به خاطر اون عصبی بشه یا غصه بخوره.

یکی دیگه از آثار نماز مؤدبانه، بالانس شخصیت و روح انسانه. وقتی که کسی حاضر می‌شه به خاطر نماز اول وقت هوشش رو زیر پا بذاره، کم‌کم شخصیتش کامل می‌شه. وقتی حاضر نشد پا رو هوشش بذاره یا تنبلی و بی‌حالی رو کنار بذاره و اجازه نده نماز حالشو بگیره، روحش تنظیم نمی‌شه و شخصیتش کامل نمی‌شه.

چند سال دیگه شما بزرگ‌تر که شدید و یه آقایی سرش بخوره به سنگ و دخترشو به شما بده احتمال داره دختره از نماز، اونم اول وقتش بپرسه، بعد شما شاید بگی بابا چه کار داری به نماز اول وقت. مگه اومدم حوزه علمیه یا می‌خوام استخدام سپاه بشم. اومدم خواستگاری و تازه مگه خود شما نماز می‌خونی که از من اول وقتش رو می‌خوای. اگه گفتی گاهی وقت‌ها می‌خونم؛ تعجب نکنید که بهت بگه: تو که حاضر نیستی به خدای خودت احترام بگذاری و پاشی و نماز بخونی، چه تضمینی هست که در آینده به من احترام بگذاری؟! از کجا معلومه فردا یه نفر دیگه رو به من ترجیح بدی؟ چون کسی که به اندازه یه نماز هوشش رو نکشته نمی‌تونه خودشو کنترل کنه.





تا اینجا گفتیم که باید نماز خوب بخونیم و نماز خوب فقط نمازی نیست که در اون اشک و گریه باشه. نماز خوب در قدم اول نمازیه که مؤدبانه باشه و بعد از مدتی که مؤدبانه خونده شد و آثارش دیده شد، متفکرانه می شه. نماز مؤدبانه یعنی اینکه قرائت انسان درست باشه، ظاهر نماز رو اون طوری که خدا گفته انجام بده. بعد کم کم به باطنش می رسه؛ وقتی به باطن سجده می رسه می بینه هیچی مثل نماز و سجده اون، انسان رو در مقابل خدا ذلیل نمی کنه و تکبرش را از بین نمی بره برای همینه که خداوند می فرماید: بنده من! غرورتو بگذار زیر پات و بیا از من بخواه؛ "ادعونی" تا من برآورده کنم؛ "استجب لکم".^۱

اگه کسی می خواد یکی از راههای بهتر شدن نماز رو انجام داده باشه سجده را جدی بگیره. سجده هاشو طولانی کنه این سجده تکبر رو از بین می بره. شنیدید یک شخصی که به پیامبر محبتی کرده بود و از پیامبر خواست او را همنشین خودش در بهشت کنه. پیامبر □ به او فرمود: "سجده هاتو طولانی تر کن تا من بتونم دستتو بگیرم."

دوستان! [اگه مدرسه دخترانه بود: خواهر!!] نماز برای آباد کردن دنیای آدم هم هست نه فقط آخرت. هر کی با خدا باشه هم دنیا داره و هم آخرت.

با خدا باش پادشاهی کن بی خدا باش هر چه خواهی کن

خدایا ما را از بهترین بندگانت قرار بده. کمک کن همیشه با خدا باشیم و ناخدا! نباشیم . . .



۲۸۵

منبر دهم: چراغ هدایت

منبر دهم: چراغ هدایت

مخاطب: دخترانه، متوسطه دوم

جذابت اولیه

به نام آنکه نام دلربایش بود درمان درد بندگان
به لب ذکر شفابخش تو دارم خدایا هرچه دارم از تو دارم

خواهران خوبم: سلام

امیدوارم روز خوبی را پیش رو داشته باشید. خانم‌ها! می‌دونید
هرکاری که بخواد انجام بشه نیاز به صرف مقداری زمان داره، انرژی و
نیرو می‌بره

تبیین بحث

بعضی کارها هست که نیاز به چند ثانیه وقت داره، بعضی چند دقیقه و
چند ساعت و . . .

[بعد هم موارد را به شکل زیر می‌نویسیم]



کارهای چند ثانیه‌ای مثل ← نفس کشیدن / نگاه کردن / سوزن نخ کردن

کارهای چند دقیقه‌ای مثل ← غذا خوردن (یک وعده مثل ناهار) / اتو زدن یک لباس / نماز خواندن کلاً ۱۷ دقیقه در شبانه‌روز.

کارهای چند ساعتی مثل ← یک روز درسی / روزه گرفتن (از سحر تا مغرب) / آشپزی کردن ...

کارهای چند روزی مثل ← زیارت کربلای معلی یا امام رضا (علیه السلام) / پیدا کردن دوست در سال جدید ...

کارهای چند هفته‌ای مثل ← گرفتن گواهینامه رانندگی / سفر حج ...

کارهای چند ماهی مثل ← به ثمر نشستن محصول کشاورزی / یک سال تحصیلی / کلاس خیاطی ...

کارهای چند سالی مثل ← پیشرفت‌های علمی:

- پزشکی
- هسته‌ای
- نانو تکنولوژی
- هوافضا (ماهواره و موشک و پهباد...)

چند هزار سال و چند هزار نفر؟

آن کدام امر مهم است که انجامش و به نتیجه رسیدن آن نیاز به چندین هزار نفر داشته و هزاران سال برایش زحمت کشیده شده؟

[شنیدن نظرات و پاسخ‌های مخاطبان ...]

[یک راهنمایی] به این مسئله مهم در سوره حمد اشاره شده ← در دعایی که هر مسلمانی باید حتماً ده بار از خدا بخواند! آن دعای واجب چیه؟ ← بله ← اهدنا الصراط المستقیم ← خدایا ما را به راه راست هدایت فرما

بنابراین آن مسأله مهم که ۱۲۴/۰۰۰ پیامبر در طول تاریخ از زمان حضرت آدم علیه السلام تا خاتم برایش زحمت کشیدند و خون دل خوردند مسأله **هدایت انسان** است.

خوب سؤال: مگه خداوند به انسان عقل و فطرت نداده پس چه لزومی داره که یکی دیگه بیاد و ما رو هدایت کنه؟ [شنیدن جواب‌های مخاطبان]

قدیما وقتی سینما می‌رفتید (شاید الان هم در بعضی سینماها باشه) زمانی که فیلم شروع می‌شد اگه کسی می‌خواست وارد سالن نمایش فیلم بشه، موقع ورود یک شخصی با چراغ قوه‌ای که در دست داشت، اون رو راهنمایی می‌کرد و تو اون تاریکی بهش جای صندلی خالی رو نشون می‌داد تا به در و دیوار نخوره؛ این آدم از مسئول سینما پول می‌گرفت که در تاریکی آدم‌های تازه وارد را راهنمایی کنه.





۲۸۸

بخش سوم: دانش آموزی

دنیا	سینما
پر از تاریکی و انحراف و خطر و ...	سینما موقع پخش فیلم تاریک و ظلماته
همه بار اوله وارد دنیا شدیم (سابقه و تجربه قبلی نداریم)	آدم تازه وارد جایی رو نمی-بینه
انحراف و غفلت و شیطان و وسوسه‌های او جدیه	خطر و پله و مانع و ... زیاده
پیامبران و امامان چراغ وحی دارند	راهنما چراغ داره ما نداریم
پیامبران و امامان هیچ مزد و اجری از ما نمی‌خواهند (خالصانه)	راهنما از ما توقعی نداره (بی‌مزد و منت)
خداوند پیامبران و امامان را از قبل برای این کار تربیت کرده	راهنما قبلاً محیط رو دیده و توجیه شده

به این چند دلیل ما نیاز به راهنما و هدایت داریم ← راهنمایی که هم دلسوز ماست هم عقل و درکش بیشتر است و اشتباه نمی‌کنه و معصومه، طمع به مال ما نداره، چراغ قرآن در دست داره، راه را بهتر از ما می‌شناسه.

[نوشتن این جمله در تخته] ← "إِنَّ الْحُسَيْنَ ... مَصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ"^۱ ← همه شما این جمله زیبا را بارها و بارها شنیده‌اید و دیده‌اید روی پرده‌ها و کتیبه‌های محرم.

کی می‌دونه این جمله از کیست؟ بله! از حضرت رسول اکرم ﷺ که

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۴ ۸ ۱.

امام حسین علیه السلام شهید هدایت امت است.

امام حسین علیه السلام کشتی نجات است؛ شما دیدید در محرم همه جور آدمی در مراسم عزاداری شرکت می‌کنه با هر قیافه و ظاهر و اعتقادی [حتی غیر مسلمان‌ها برای تاسوعا و عاشورا نذری می‌دن: ارمنی‌ها، آشوری‌ها، زرتشتی‌ها، یهودی‌ها]. آقا امام حسین جان □ نازینش رو در کربلا فدا کرد تا دین اسلام زنده بمونه تا ما راه را گم نکنیم...

خوب ما چه کار می‌تونیم در قبال این فداکاری و خدمت ایشون بکنیم: بنشینیم برای آقا گریه کنیم؟! روزه بگیریم؟ آتش نذری بدیم؟ روز عاشورا شربت بدیم به عزادارا؟! ... خیلی کارها می‌شه کرد اما:

از حسین اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسین یکی از توقعاتی که حضرت از ما محبین و دوستدارانش داره اینه که چیزهایی که ایشان دوست دارند ما هم دوست بداریم. مثلاً چی حاج آقا؟! بگذارید در این فرصت کم فقط به یک مورد اشاره کنم و سرتونو بیش از این درد نیارم:

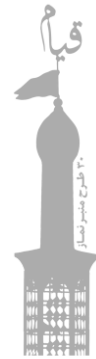
یک جمله معروفی از حضرت نقل شده که فرمودند: "انی احب الصلاة"؛ من عاشق نمازم، من حرف زدن با خدا رو دوست دارم. حتی روز عاشورا هم شنیدید که آقا وقتی ظهر شد و موقع نماز، در اون وضعیت که کوفی‌ها تیراندازی می‌کردند، نمازشون را با چه عشقی اقامه کردند... این پیام بزرگه: یعنی ای مسلمونا! ای اونایی که ادعا می‌کنید ما اهل بیت رو دوست داریم و می‌گید ما شیعه‌ایم! نمازتونو دریابید؛ نماز، نماز، نماز.

وقتی کسی عاشق کسی می‌شه! سعی می‌کنه خودش را مثل معشوقش کنه، طوری رفتار می‌کنه که محبوبش از او خوشش بیاد،



دروغ می‌گه اونی که می‌گه من عاشق حسینم؛ اما عاشق نماز نیست
اونی که به نمازش اهمیت نمی‌ده، نماز صبحش قضا می‌شه ککش
نمی‌گزه... چطور می‌تونه بگه من حسینی‌ام...!
خدایا به حق بنده خوبت امام حسین علیه السلام بندگی کردنو به ما هم یاد
بده...

خدایا ما را عاشق نماز و عشق‌بازی با خودت قرار بده...
آمین یا رب العالمین



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی، نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجادیه، امام سجاد □ .
۴. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، نشر دار احیاء الکتب العلمیه.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶.
۷. احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت.
۸. الاربلی، ابوالحسن، کشف الغمه فی معرفه الائمه، دارالاضواء.
۹. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۲، ۱۴۰۵.
۱۰. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، موسسه فرهنگی دارالعرفان، چ اول، ۱۳۹۳.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت.
۱۲. برهانی، سید مجتبی، فاطمه تجلیگاه انوار آفرینش، انتشارات بیت الاحزان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.



۱۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، محقق و مصحح، حسینی، عبدلزهراء، دار الكتاب الإسلامی، قم، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. جمعی از نویسندگان، وفيات الأئمة، نشر دار البلاغ، بیروت، ۱۴۰۷.
۱۵. الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، چ ۴، ۱۴۰۷.
۱۶. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۳.
۱۷. حکیمی، محمد رضا، بیدارگران اقالیم قبله، دلیل ما، ۱۳۸۴.
۱۸. حلی، ابن فهد، عدّة الداعی، نشر وجدانی، قم.
۱۹. خالد البرقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، تهران، نشر پیام عدالت.
۲۱. خسروی، موسی، پند تاریخ، نشر اسلامیه.
۲۲. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۷ هـ.
۲۳. دستغیب، سید عبدالحسین: داستان‌های شگفت، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۹، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۲۴. دهنوی، حسین، نسیم مهر، قم، نشر خادم الرضا □.
۲۵. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، صبح پیروزی، سوم، ۱۳۸۵.
۲۶. سبحانی، جعفر و مکارم شیرازی، ناصر، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، انتشارات نسل جوان، قم.
۲۷. سید بن طاووس، فلاح السائل، قم، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. سیوطی، جلال الدین، الدرّ المثور فی تفسیر المأثور، چ ۱، دار المعرفه، چ ۱، ۱۳۶۵.
۲۹. شیخ بهایی، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم واللیله من الواجبات والمستحبات، مؤسسه علمی، بیروت.



۳۰. شیخ حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، قم، نشر آل البيت، ۳۰ ج، چ ۲، ۱۴۱۴.
۳۱. شیخ صدوق، الامالی، ج ۱، بعثت، قم، ۱۴۱۷.
۳۲. شیخ صدوق، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۸.
۳۳. شیخ صدوق، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، نشر رضی، قم، چ ۲، ۱۳۶۸ ش.
۳۵. شیخ صدوق، علل الشرایع، نشر حیدریه، نجف ۱۳۸۶.
۳۶. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چ ۱، نشر اعلمی، بیروت ۱۴۰۴.
۳۷. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۵.
۳۸. شیخ صدوق، معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۳۹. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴.
۴۰. شیخ طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴۱. شیخ طبرسی، تفسیر مجمع البیان، چ ۱، مؤسسه اعلمی، بیروت ۱۴۱۵.
۴۲. شیخ طوسی، مصباح المتهدّج، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چ ۱، ۱۴۱۱.
۴۳. شیخ عباس قمی، فوائد الرضویه، نشر دفتر نوید الاسلام، قم.
۴۴. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۳۸ ش.
۴۵. شیخ کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه (آخوندی)، چ ۳، ۱۳۸۸.
۴۶. شیعی سبزواری، حسن بن حسین، مصابیح القلوب، مصحح: محمد سپهری، مرکز نشر میراث مکتوب، تهران.
۴۷. شیوه‌های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی والدین (بخش اول)، نشریه طوبی، بهمن ۱۳۸۶، حسین بافکار.

۴۸. صالحی شامی، سبیل الهدی و الرشاد، دارالکتب العلمیه، بیروت، چ ۱، ۱۴۱۴.
۴۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، جامعه مدرسین، قم.
۵۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
۵۱. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ق.
۵۳. عبداللہی، علی محمد، عاقبت بخیران عالم، قم، نشر روح ۱۳۷۳، با اندکی تغییر.
۵۴. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعہ، تفسیر نور الثقلین، چ ۴، اسماعیلیان، قم ۱۴۱۲.
۵۵. علامہ حلّی، نہج الحق و کشف الصدق، دارالہجرہ، قم، ۱۴۲۱ ه.ق.
۵۶. فتال نیشابوری، روضۃ الواعظین، نشر رضی، قم.
۵۷. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، چ ۲، صدر، تهران ۱۴۱۵.
۵۸. فیض، کاشانی، محسن، محجۃ البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ج ۴، ص ۱۲۹.
۵۹. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، با تحقیق آصف فیضی، دار المعارف، قاہرہ، ۱۳۸۳ ه. ق.
۶۰. قاضی زاہدی گلپایگانی، احمد، شیفتگان حضرت مہدی، تهران، ۱۳۷۵.
۶۱. قرائتی، محسن، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۶۲. کاشانی، فتح اللہ، منہج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیہ، چ ۲.





۶۳. کریمی نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، پیام مهدی 4، ۱۳۸۸.
۶۴. کریمی، عبدالعظیم، نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان، ستاد اقامه نماز، چ ۷، سال ۱۳۹۰.
۶۵. کفعمی، ابراهیم بن علی، جنه الأمان الواقیه و جنه الإیمان الباقیه، مشهور به مصباح کفعمی، دارالکتب العلمیه، نجف اشرف.
۶۶. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، چ ۱، دارالحديث، قم ۱۳۷۶ش.
۶۷. مجلسی، محمد تقی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه وفاء، چ ۲، ۱۴۰۳.
۶۸. محقق بحرانی، الحدائق الناضره، تحقیق محمد تقی ايروانی، قم، جامعه مدرسین.
۶۹. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه.
۷۰. محمدی اشتهاردی، محمد، داستان دوستان، بوستان کتاب، قم، چ ۲، ۱۳۸۷.
۷۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چ ۱، دارالحديث، قم.
۷۲. محمدی همدانی، اصغر، توشه‌ای از خرمن نماز، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت، چ ۱، سال ۱۳۸۶.
۷۳. محمدی، محمدحسین، هزار و یک حکایت اخلاقی، نشر چاف، قم.
۷۴. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱۴، ۱۳۷۷ش.
۷۵. مشکینی، علی، المواعظ العدديه، قم، نشر الهادی.
۷۶. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا.
۷۷. _____، آشنایی با قرآن، تهران، انتشارات صدرا.
۷۸. مظاهری، حسین، جهاد با نفس، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۷۹. المقرئ القیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، المكتبة العلمیه، بیروت، بی تا.



۸۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه. تهران، ۱۳۷۴ ش.
۸۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، انتشارات امام علی بن ابیطالب □، قم، ۱۳۸۷.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چ ۲۷.
۸۳. موسوعه الكلمات الامام الحسین □، قم، نشر معروف، چ ۳، ۱۴۱۶.
۸۴. میرخلف زاده، علی، داستان‌هایی از نماز اول وقت، قم، مهدی یار، ۱۳۷۹.
۸۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، نشر دار الکتب الاسلامیه (آخوندی)، چ ۳، ۱۳۶۷ ش.
۸۶. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات اسماعیلیان، بی‌تا.
۸۷. النقدي، جعفر، زینب الكبرى، المكتبة الحیدریه، النجف الاشرف، ۱۳۶۱ ق.
۸۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ ۱، نشر آل البيت، ۱۴۰۸.
۸۹. نهج الفصاحه، تصحیح آقایان شریعتی و پیمانی، نشر پرهیزگار، قم، ۱۳۸۵.
۹۰. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، معروف به "مجموعه ورام"، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، تهران، ۱۳۷۸.
۹۱. هندی، متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۹۲. یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم، جامعه مدرسین، چ ۱، ۱۴۲۰.